

اقتصادی، تحلیلی

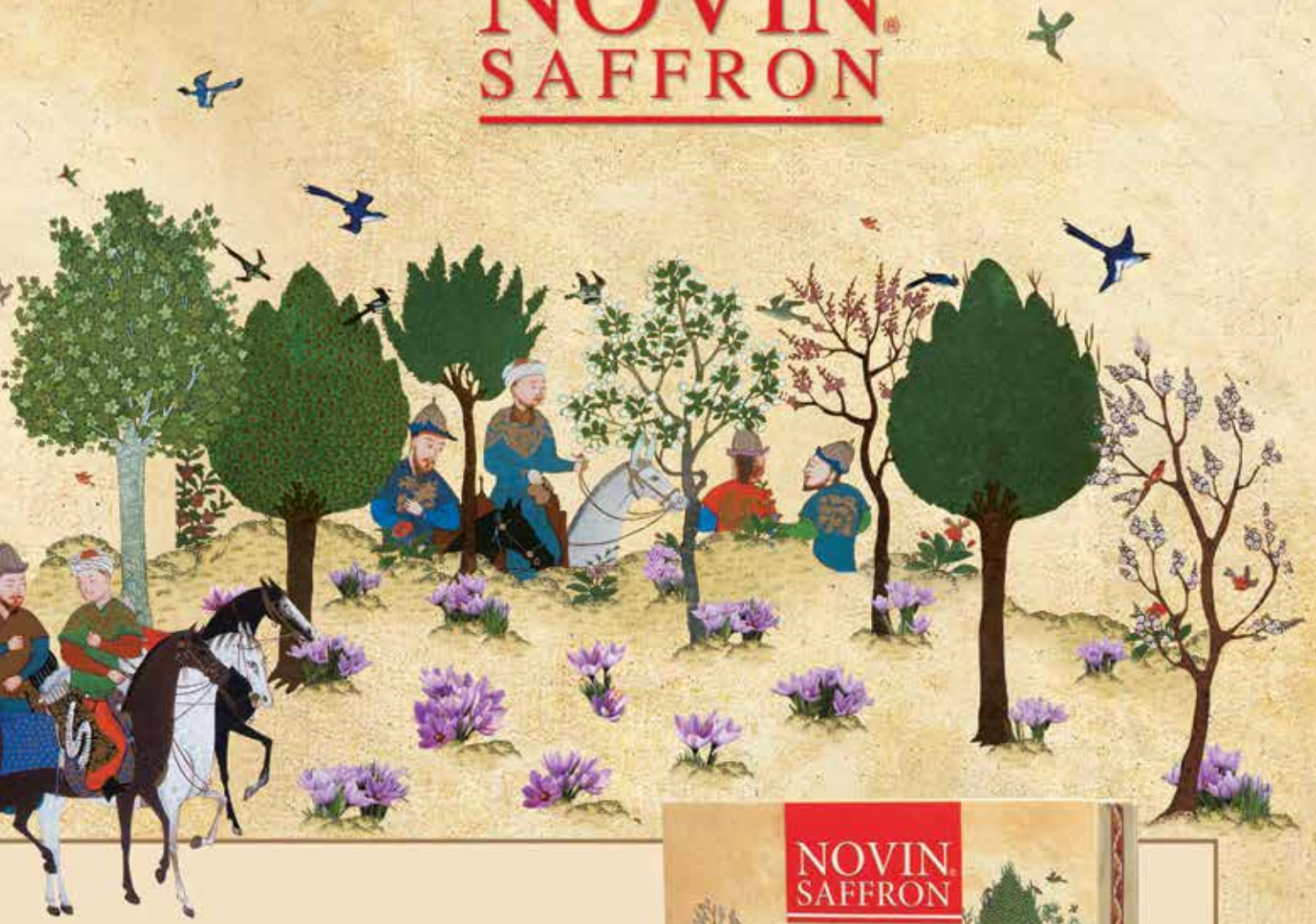
سال بیست و نهم - آذر ۱۴۰۰ قیمت: ۲۰۰۰ تومان



پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه ایران در افغانستان

- ◀ تحلیلی بر روابط اقتصادی ایران با همسایگانش در منطقه
- ◀ معکوس شدن جریان تجارت در آبان ۱۴۰۰
- ◀ خاطره تلخ تجار از تاجیکستان
- ◀ سختی های تامین سوخت صنایع
- ◀ نااطمینانی آبی

NOVIN SAFFRON



کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۲۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب بلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰





- ۲ یادداشت / الزامات بهبود روابط اقتصادی با همسایگان
- ۳ پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه ایران در افغانستان
- ۸ تحلیلی بر روابط اقتصادی ایران با همسایگانش در منطقه
- ۱۳ معکوس شدن جریان تجارت در آبان ۱۴۰۰
- ۱۴ مروری بر روابط تجاری ایران و ترکیه با سوریه
- ۱۶ لزوم تشکیل بلوک اقتصادی مقتدر
- ۱۹ خشکبار ایران در جدال با رقبای خارجی
- ۲۰ خاطره تلخ تجار از تاجیکستان
- ۲۲ کارنامه تجارت در میانه پاییز
- ۲۴ نگاهی به صنعت گردشگری و بیمه آن
- ۲۸ نااطمینانی آبی
- ۳۲ سهم انرژی های تجدید پذیر در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها
- ۳۶ سختی های تامین سوخت صنایع
- ۳۹ دلّالان، گل زعفران را ۵۰ درصد گران تر می فروشند
- مروری بر وضعیت تجارت جهان طی ۹ ماهه نخست ۲۰۲۱ با تاکید بر
- ۴۲ کشورهای گروه ۲۰

صاحب امتیاز و مدیر مسول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سردبیر:

مهندس حسین کوه زاد

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی و صفحه آرایی:

هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

جلیل فروتن - الهه ارجمند

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

روابط عمومی:

محبوبه احمدپور

پایگاه اینترنتی:

فرشاد عباسی

نشانی:

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

مشهد - خیابان راهنمایی - برج سلمان

طبقه ۸ - واحد ۲

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

www.eghtesadasia.ir

eghtesadeasia@gmail.com

الزامات بهبود روابط اقتصادی با همسایگان

حسین کوه زاد

روابط ایران با کشورهای منطقه رو به توسعه است و اجلاس‌های شانگهای و اکو به افزایش مناسبات کمک کرده است. جمهوری اسلامی ایران در مجموع با ۱۵ کشور دارای مرزهای خاکی و آبی است، در میان ۱۵ کشور فوق دو کشور روسیه و ترکیه از نظر سطح رفاه، امکانات سرزمینی و منابع مالی یا توانایی‌های صنعتی و اقتصادی وضعیتی فراتر از سطح منطقه را دارند یا در تامین نیازهای داخلی خود تا حدودی خودکفا هستند. دیگر کشورها هر یک به نوعی به منابع اولیه یا تولیدات دیگر کشورها محتاج و مجبور هستند نیازهای خود را از طریق واردات تامین کنند و می‌توان مدعی بود که کشورمان در کل با بیش از ۵۰۰ میلیون نفر همسایه است.

یکی از مهمترین الزامات این است که در این منطقه سیاست خارجی خود را بر مبنای هویت و رقابت مذهبی تعریف نکنیم. این بدان معنی است که یکی از مهمترین ریشه‌های تاریخی اختلاف بین کشورهای منطقه هویت مذهبی است که در تمام شئون روابط در نظر گرفته می‌شود و پررنگ است. همچنین تضادهای هویتی که وابسته به این تفاوت دیدگاه است باعث شده تا کشورهای این مجموعه، در عوض آنکه به سمت همکاری اقتصادی پیش بروند، به رقیب یا دشمن اقتصادی تبدیل شوند. حال اگر بخواهیم این وضعیت را تغییر دهیم معمولاً با اقدامات یک طرف نمی‌توان این بازی را به سمت همکاری اقتصادی مطلوب پیش برد اما الزام اقتصادمحور شدن سیاست خارجی کشور ما این است که در عمل نشان دهیم که در روابط بین کشوری، خودمان وزن بیشتر را به منافع اقتصادی متقابل می‌دهیم تا مسائل دیگر.

علاوه بر این اقدامات بین‌المللی، چند الزام داخلی مهم را نیز باید رعایت کنیم؛ نخستین و مهمترین الزام، ثبات در مدیریت کلان اقتصادی است. سیاست اقتصادی در ایران به شدت نوسانی است و این نوسان باعث می‌شود که ریسک همکاری با ایران بالا باشد. در واقع این علامت را به کشورهای دیگر می‌دهد که ماثبات رویه نداریم.

علاوه بر الزام به ثبات اقتصاد کلان، نابرابری‌های بین‌استانی نیز باید در اقتصاد ایران بهبود پیدا کند؛ منظور از نابرابری منطقه‌ای، توزیع نابرابر فرصت‌ها و عدم اختصاص و بهره‌برداری متناسب از منابع رشد اقتصادی در استان‌های مختلف ایران است.

دیگر الزام مهم داخلی این است که به دنبال تنوع‌بخشی به سبد پروژه‌های سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی خود باشیم. در کنار تنوع‌بخشی، مشوق‌های لازم برای انگیزش سرمایه‌گذاران کشورهای مناطق پیش‌گفته، از اهمیت بالایی برخوردار است. البته فرصت چندساله تحریم‌ها این امکان را به ما می‌داد که بررسی کنیم در چه صنایعی واقعا مزیت داریم. چون دسترسی به بازارهای جهانی محدود بود و مزیت واقعی صنایع ما مشخص می‌شد.

پیوستن ایران به سازمان شانگهای که بیشتر کشورهای همسایه نیز در آن حضور دارند گام مهمی در این زمینه بود. دیدارهایی که رئیس‌جمهور با سران کشورهای همسایه در حاشیه اجلاس شانگهای داشت چراغ گسترش روابط را روشن کرد و نوید آن می‌رود که تحولات خوبی در روابط ایران همسایگان به ویژه کشورهای شمالی اتفاق بیفتد.

آیت‌الله رئیسی همچنین به تازگی به دعوت رئیس‌جمهور ترکمنستان و برای شرکت در نشست کشورهای عضو سازمان اکو به عشق آباد سفر کرد.

پیش‌بینی می‌شود که به خاطر نگاه درست و روشن دولت به ظرفیت‌های منطقه‌ای شاهد گسترش روابط ایران با همسایگان باشیم.



پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه ایران در افغانستان

از جمله مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذاری است که روابط تجاری ایران را با افغانستان متأثر خواهد کرد. لذا پیگیری سیاست تنش‌زدایی و مذاکره ایران با بازیگران رقیب و بالا بردن آستانه تحریک‌پذیری کشور و ارتباط منسجم و پیوسته با اقتصاد جهانی اهمیت ویژه‌ای در حفظ سهم ایران از بازار این کشور پیدا می‌کند. از سوی دیگر تازمانی که شرایط نااطمینانی و بی‌ثباتی‌های دوران گذار در افغانستان پابرجا باشد، چشم‌انداز روابط تجاری ایران و افغانستان دشوار و مبهم خواهد بود؛ وضعیتی که نامعلوم بودن شکل و ماهیت نقش آفرینی چین نیز به آن دامن خواهد زد.

در حوزه ترانزیت، اهمیت افغانستان برای ایران، در پیوند با سه بازیگر دیگر شامل هند، چین و پاکستان معنا پیدا می‌کند. چین و هند هر دو نظر ویژه‌ای به افغانستان داشته و پاکستان نیز احتمالاً می‌کوشد تا با کم‌رنگ کردن نقش رقیب دیرینه خود، هند، در رقابت با ایران قرار گیرد. لذا چشم‌انداز چین و وضعیت، در بهترین حالت توسعه با تأخیر بندر چابهار و برآیندهای نامطلوب اقتصادی آن و نیز کاهش درآمدهای گمرکی ایران از ترانزیت و صادرات مجدد کالاهای وارداتی به افغانستان خواهد بود؛ در حالی که پاکستان بخش عمده‌ای از این درآمدها را به خود اختصاص خواهد داد.

نهایتاً به دلیل احتمال قطع صادرات برق توسط تاجیکستان در اعتراض به حضور طالبان در عرصه قدرت این کشور، در حوزه صادرات انرژی، ایران می‌تواند از یک فرصت بالقوه برای تصاحب سهم بیشتر از بازار برق این کشور برخوردار شود. اگرچه در یک چشم‌انداز

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با انتشار گزارش «پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه ایران در افق ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک افغانستان» به بررسی مهم‌ترین آثار تغییرات استراتژیک رخ داده در افغانستان و حکومت طالبان بر منافع ژئواکونومیک ایران می‌پردازد. در مقدمه این گزارش آمده است: بدون شک، تغییرات شگرف و غیرقابل پیش‌بینی افغانستان، خروج نیروهای خارجی و هژمونی طالبان در این منطقه، سبب ایجاد نظم سیاسی جدیدی در این کشور شده که درک ماهیت و مشخصات آن از اهمیت بالایی برای ایران برخوردار است.

پژوهش حاضر در سه بخش تجارت، ترانزیت و انرژی تدوین شده است. هر حوزه، خلاصه‌ای از محتمل‌ترین مختصات استراتژیک افغانستان بعد از خروج نیروهای خارجی تصویر شده و سپس وضعیت موجود روابط ایران و افغانستان و پیامدهای اقتصادی آن به بحث گذاشته خواهد شد.

حضور طالبان در رأس قدرت در این کشور، به لحاظ استراتژیک پیامدهای متعددی به دنبال خواهد داشت. قطع کمک‌های مالی بین‌المللی، عدم همکاری هند با طالبان، فراهم شدن زمینه برای حضور هر چند محدود کشورهای قطر و ترکیه و نامعلوم بودن موضع چین در قبال افغانستان،

جدول ۱- GDP ایران، افغانستان و پاکستان طی دوره ۲۰-۲۰۱۵ (میلیارد دلار)

	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵
ایران	۱۹۱,۷۲	۲۵۸,۳۴	۲۹۴,۳۵	۴۴۵,۳۴	۴۱۷,۹۸	۳۸۴,۹۵
افغانستان	۱۹,۸۱	۱۹,۳۹	۱۸,۳۵	۱۸,۸۷	۱۸,۰۱	۱۹,۹

جدول ۲- حجم تجارت افغانستان و ایران دوره ۵ ساله ۹۹-۱۳۹۵ (دلار)

	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵
صادرات به افغانستان	۱,۷۴۹,۶۴۲,۳۳۴	---	۲,۹۲۶,۶۶۱,۵۸۱	۲,۷۹۱,۲۵۹,۱۱۰	۲,۴۵۶,۳۱۵,۹۸۴
واردات از افغانستان	۴,۱۷۲,۸۰۱	---	۱۰,۹۳۰,۸۶۳	۲۰,۳۹۸,۲۳۶	۲۱,۶۴۲,۳۱۰



کلان، کاهش تقاضای کلی افغانستان به دلیل کوچک شدن اقتصاد این کشور می تواند در کوتاه مدت بر صادرات انرژی ایران تأثیر منفی داشته باشد. در حوزه سوخت نیز بر تری ایران در تأمین بنزین و گازوئیل افغانستان همچنان پابرجا خواهد بود که یک مزیت استراتژیک برای ایران محسوب می شود.

در مجموع، اگر چه به دلیل پیچیدگی شرایط در حال گذار در افغانستان، دستیابی به یک ارزیابی دقیق هنوز ممکن نیست، اما در نظر گرفتن نکات کلیدی و مشخص تر در وضعیت جدید افغانستان هم به لحاظ اقتصادی و هم استراتژیک، در سیاست گذاری های کلان ایران، به ویژه برای بخش خصوصی، یک امر بسیار ضروری خواهد بود.

جدول ۳- صادرات ایران به افغانستان از چهار گمرک مرزی طی دوره ۹۹-۱۳۹۵

سال	پایانه مرزی	وزن (کیلوگرم)	مجموع وزنی	ارزش (دلار)	مجموع ارزش (دلار)
۱۳۹۹	دوغارون	۶۴۰,۶۶۹,۷۵۸	۱,۳۳۱,۳۰۶,۲۴۰	۱۶۳,۶۱۰,۴۱۳	۳۵۵,۹۷۹,۱۳۶
	منطقه ویژه دوغارون	۴۴۵,۲۴۶,۴۰۴		۶۷,۳۳۵,۲۹۶	
	میلک	۱۳۹,۹۴۱,۷۰۷		۸۳,۱۰۰,۸۹۳	
	ماهیرود	۱۰۵,۴۴۸,۳۷۱		۴۱,۹۲۴,۶۷۹	
۱۳۹۸	اطلاعات موجود نیست				
۱۳۹۷	دوغارون	۴۹۳,۸۹۹,۳۳۹	۱,۵۶۸,۱۹۴,۰۴۸	۱۱۹,۶۹۰,۹۹۱	۳۲۸,۸۳۴,۷۳۶
	منطقه ویژه دوغارون	۳۶۴,۴۱۵,۶۵۷		۵۴,۷۴۰,۳۶۲	
	میلک	۲۶۱,۵۳۳,۳۶۳		۱۱۶,۴۶۷,۲۱۹	
	ماهیرود	۴۴۸,۲۵۵,۶۹۹		۳۷,۹۳۶,۱۶۴	
۱۳۹۶	دوغارون	۵۲۱,۳۵۴,۵۹۲	۱,۳۹۹,۶۱۵,۰۳۸	۱۲۴,۹۷۲,۱۲۱	۲۵۸,۶۳۳,۷۰۱
	منطقه ویژه دوغارون	۲۵۳,۶۸۱,۶۹۹		۲۸,۴۲۶,۵۱۳	
	میلک	۵۸۸,۵۷۸,۶۳۰		۷۶,۷۳۳,۳۳۸	
	ماهیرود	۳۶,۰۰۰,۱۱۷		۲۸,۴۹۱,۷۳۹	
۱۳۹۵	دوغارون	۴۰۲,۸۷۳,۵۸۰	۱,۳۴۱,۳۴۰,۷۷۸	۱۰۳,۸۹۴,۵۰۵	۷۵۰,۶۱۶,۰۹۱
	منطقه ویژه دوغارون	۲۶۳,۳۵۳,۷۸۶		۴,۹۵۵,۰۴۱	
	میلک	۳۸۹,۸۶۶,۰۲۰		۹۳,۲۰۵,۱۵۳	

جدول ۴- واردات ایران از افغانستان از چهار گمرک مرزی طی دوره ۹۹-۱۳۹۵

سال	پایانه مرزی	وزن (کیلوگرم)	مجموع وزنی	ارزش (دلار)	مجموع ارزش (دلار)
۱۳۹۹	دوغارون	۱۴,۱۳۷	۳,۸۷۷,۹۰۷	۵۱,۱۲۱	۲,۵۶۱,۴۹۶
	منطقه ویژه دوغارون	۳,۶۳۷,۲۵۷		۲,۲۵۴,۵۰۶	
	میلک	۸۳,۶۹۳		۲۲۴,۲۹۲	
	ماهیرود	۱۳۲,۸۲۰		۳۱,۵۷۷	
۱۳۹۸	اطلاعات موجود نیست				
۱۳۹۷	دوغارون	۱,۵۴۵,۷۵۳	۸,۹۴۱,۶۳۸	۲,۲۱۶,۱۹۶	۹,۶۲۸,۶۳۳
	منطقه ویژه دوغارون	۶,۴۵۳,۶۴۴		۵,۶۸۰,۴۵۶	
	میلک	۸۲۸,۷۴۱		۱,۶۸۷,۰۷۱	
	ماهیرود	۹۳,۵۰۰		۴۴,۹۰۰	
۱۳۹۶	دوغارون	۳,۴۳۲,۲۸۸	۲۱,۰۰۶,۹۳۲	۲,۳۵۵,۰۲۲	۱۷,۰۰۶,۱۰۳
	منطقه ویژه دوغارون	۱۶,۸۵۵,۲۴۰		۱۳,۶۸۲,۳۱۹	
	میلک	۳۹,۰۵۴		۸۱۸,۸۳۲	
	ماهیرود	۱۸۷,۸۵۰		۱۳۹,۹۳۰	
۱۳۹۵	دوغارون	۵,۱۸۸,۷۵۵	۲۲,۳۷۷,۵۷۱	۱,۴۱۲,۲۳۵	۱۸,۴۰۷,۱۰۷
	منطقه ویژه دوغارون	۱۷,۰۰۸,۸۱۶		۱۶,۹۹۴,۸۱۲	
	میلک				

تجارت منظور از تجارت در این بخش، تجارت کالا میان ایران و افغانستان منتهای کالاهای مربوط به حوزه انرژی است. افغانستان در دوران حضور نیروهای خارجی در این کشور اقتصاد کوچکی داشت و ارزش کل تولید ناخالص داخلی این کشور در سال مالی منتهی به ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۹,۸ میلیارد دلار و حجم تجارت خارجی آن در سال مالی منتهی به ۲۰۱۹ قریب به ۹,۵ میلیارد دلار بوده است. ۱ با این حال، ایران طی سالهای اخیر توانسته است روابط اقتصادی دو جانبه را به گونه ای مدیریت کند که به بزرگترین صادر کننده به افغانستان تبدیل شده و از سوی دیگر، افغانستان را به سومین مقصد کالاهای صادراتی خود در منطقه تبدیل نماید.

مهمترین بازیگران حوزه تجارت در افغانستان به طور سنتی کشورهای همسایه به اضافه هند بوده اند که در سالهای حضور نیروهای خارجی، ایالات متحده، امارات متحده عربی و ترکیه نیز به مجموعه این بازیگران افزوده شده اند. همچنین، از آنجا که بازار و اقتصاد این کشور یک بازار کوچک با استعداد زیاد برای آشوب و درگیری بوده است، کمتر مورد توجه کشورهای دیگر قرار گرفته است. مهمترین رقیبهای ایران در این عرصه پاکستان، چین

جدول ۸- حجم تجارت افغانستان و پاکستان طی دوره ۵ ساله ۱۹-۲۰۱۵ (دلار)^۱

۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	
۱,۱۰۲,۹۸۹,۰۶۰	۱,۰۸۶,۸۵۱,۱۱۰	---	۱,۱۹۸,۷۵۹,۳۳۰	۱,۳۴۶,۴۰۷,۶۳۰	صادرات به افغانستان
۲۹۸,۶۳۵,۰۶۰	۳۷۹,۱۰۸,۹۵۰	---	۱۸۳,۳۱۶,۸۹۰	۲۲۶,۵۶۸,۶۶۰	واردات از افغانستان

جدول ۵- صادرات ایران از منطقه آزاد چابهار به افغانستان طی دوره ۹۹-۱۳۹۷

سال	گمرک	وزن (کیلوگرم)	ارزش (دلار)
۱۳۹۷	منطقه آزاد تجاری چابهار	۵۰,۰۰۰	۲۹,۰۰۰
۱۳۹۸	منطقه آزاد تجاری چابهار	اطلاعات موجود نیست	
۱۳۹۹	منطقه آزاد تجاری چابهار	۲۲۵,۰۰۰	۲۲۷۰,۰۰۰

جدول ۶- امار تولید، مصرف و واردات برق افغانستان طی دوره پنج ساله ۱۸-۲۰۱۴

سال	تولید (میلیارد kwh)	مصرف (میلیارد kwh)	واردات (میلیارد kwh)
۲۰۱۴	۱,۱	۶	۳,۷
۲۰۱۵	۱,۳	۵,۸	۳,۸
۲۰۱۶	۱,۲	۵,۵	۴,۳
۲۰۱۷	۱,۲	۴,۹	۴,۶
۲۰۱۸	۱,۲	۶	۵

افغانستان طی یک دهه اخیر داشته، با افغانستان زیر تسلط طالبان کار نخواهد کرد. این نه تنها به معنای کاهش سرمایه گذاری خارجی در کشور، بلکه به معنای از دست دادن دومین مقصد کالاهای صادراتی افغانستان و نیز یکی از تأمین کنندگان کمک های بشر دوستانه برای کابل خواهد بود. سوم، تاجیکستان، یکی دیگر از همسایگان افغانستان است که از مدار کابل خارج خواهد شد، اما این کشور بر خلاف دو مورد قبل، سهم اندکی از تجارت و مبادلات کالایی افغانستان را به خود اختصاص داده است و از این رو، نوسان در روابط کابل با دوشنبه آسیب محدودتری برای دولت آینده افغانستان در این حوزه به همراه خواهد داشت.

در سوی دیگر، بازیگرانی که از خلاء حضور ایالات متحده و متحدان، و نیز بازیگران اشاره شده در بالا، منتفع شده و نفوذ و حضور خود را در افغانستان توسعه خواهند داد عبارت هستند از چین، پاکستان، ترکیه و قطر. در این میان، حضور ترکیه و قطر به احتمال فراوان در کوتاه مدت و میان مدت به همکاری های فنی، سیاسی و زیرساختی محدود خواهد ماند. به دلایل ژئوپولیتیک، ترکیه و قطر از مزیت های نسبی کمتری نسبت به ایران برای حضور در بازار کالای افغانستان برخوردارند.

پاکستان کمک های امنیتی، سیاسی، لجستیکی و آموزشی را برای نیروها و دولت آینده افغانستان فراهم خواهد نمود، ولی مسائل اقتصادی داخلی این کشور مانع از آن خواهد شد که در حوزه تأمین نیازهای مالی و نیز مایحتاج کالاهای اولیه افغانستان وارد شود. تنها بازیگری که توان مالی تأمین چنین مبالغ و سرمایه گذاری هایی را در افغانستان دارد، چین است. در حال حاضر نشانه های جدی از اراده چین برای پر کردن خلأ ایالات متحده و اتحادیه اروپا در افغانستان در این حوزه وجود ندارد و زمان مشخص خواهد کرد که چین انگیزه لازم برای تأمین سرمایه و کالاهای مورد نیاز برای افغانستان را خواهد داشت یا خیر. اما با توجه به مدل های همکاری چین با کشورهای دیگر در حوزه همکاری های اقتصادی و سیاسی به نظر نمی رسد که چشم انداز مشخصی از تزریق منابع مالی و کالاهای اساسی مانند سوخت و مواد اولیه خوراکی

و در سطوح پایین تر امارات متحده عربی هستند. کشورهای همسایه آسیای مرکزی، به ویژه قزاقستان و ازبکستان دیگر کشورهایی هستند که بالاترین سطح تجارت با افغانستان را دارند، اما به نظر می رسد که روابط این کشورها با افغانستان تأثیر کمتری از تحولات استراتژیک خواهد پذیرفت.

حضور طالبان در رأس قدرت در این کشور، به لحاظ استراتژیک چند معنی خواهد داشت. نخست اینکه کشورهای غربی و در رأس آنها، ایالات متحده که در سالهای پس از ۲۰۰۱ سهم اصلی تأمین نیازهای اقتصادی و کالایی افغانستان را بر عهده داشتند، از این پس انگیزه بسیار کمتری برای تأمین این نیازها خواهند داشت. مهمترین آورده ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای اقتصاد افغانستان در این حوزه، کمک های مالی گسترده بوده است که علاوه بر تأمین هزینه های بوروکراسی و بخش عمومی، منابع مالی لازم دولت برای تأمین نیازهای ضروری جامعه را فراهم می کرد. با خروج نیروهای خارجی و همزبانی طالبان در کشور، به ویژه به واسطه زاویه هایی که دولت های غربی از نقطه نظر حقوق بشری با حکومت طالبان خواهند داشت،

این کمک های بلاعوض خارجی به این کشور که در قله آن، در سال ۲۰۱۱ به حدود ۶,۷ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۹، دو سال قبل از خروج نیروهای خارجی به ۴,۲ میلیارد دلار رسیده بود، به سرعت به سوی صفر میل خواهد کرد و این به آن معنی است که افغانستان زیر تسلط طالبان، چیزی معادل یک پنجم اقتصاد رسمی خود کمتر درآمد خواهد داشت و دولت آینده برای تأمین ثبات مجبور خواهد بود این کمبود را پوشش دهد. دوم، هند به عنوان بازیگری که سرمایه گذارهای کلان در زیرساخت های

جدول ۷- واردات سوخت افغانستان و سهم تأمین کنندگان اصلی^۱

سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
ارزش کل (دلار)	۱,۶۳۷,۹۵۶,۹۶۰	۱,۰۰۸,۰۸۱,۸۷۰	اطلاعات موجود نیست	۹۶۹,۶۷۵,۶۹۰	۱,۹۹۴,۵۴۸,۲۶۰
ایران (درصد)	۵۰	۵۷	اطلاعات موجود نیست	۴۶	۲۷,۴
ترکمنستان (درصد)	۳۴,۳	۲۳,۶	اطلاعات موجود نیست	۳۱,۷	۳۰
قزاقستان (درصد)	۱,۹	۴,۴	اطلاعات موجود نیست	۷	۳,۶

باید توجه داشت که این کاهش با وجود توسعه در بخشی از حوزه های مبادلات تجاری میان دو کشور بوده است و علیرغم برنامه های موجود برای ایجاد بازارچه های مرزی و افزایش سرمایه گذاری ایران در خطوط تولیدی صنایع متوسط و کوچک افغانستان و نیز توافق چابهار میان ایران، هند و افغانستان، در پی خروج آمریکا از برجام این رقم در سال ۱۳۹۹ به حدود ۱,۷ میلیارد دلار کاهش یافت. در همین دوره واردات ایران از افغانستان از حدود ۲۰ میلیون دلار در سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، با ۵۰ درصد کاهش در سال ۱۳۹۷ روبه رو شد و در سال ۱۳۹۹ به اندکی بیش از ۴ میلیون دلار رسید.

مسئله دیگر مجاری تجارت و بازرگانی میان ایران و افغانستان است. هرچند در بخش مسیرهای ترانزیتی به شکل مستقل، به ویژه به جایگاه بندر چابهار در روابط دو کشور خواهیم پرداخت، با این حال اشاره به این موضوع در حوزه صادرات و واردات کالا میان دو کشور نیز ضروری به نظر میرسد. بررسی آمارهای گمرک ایران نشان میدهد که سهم پایانه های مرزی ایران و افغانستان از کل مبادلات تجاری دو کشور اندک است؛ به طوری که سهم این پایانه ها از سال ۱۳۹۵ تا پایان ۱۳۹۹، هرگز از ۳۰ درصد بیشتر نشده است.

علیرغم محدودیت های ناشی از تحریم ها علیه ایران، افغانستان بازار مناسبی برای کالاهای صادراتی ایران محسوب می شود؛ در سال ۱۳۹۱، حدود نیمی از مجموعه کالاهای ایرانی حاضر در بازارهای جهانی، به بازار افغانستان راه یافته است. این مسئله سبب شد تا در سال ۱۳۹۵، ایران به بزرگترین شریک تجاری افغانستان بدل شود و ۱۴,۵ درصد از کل واردات افغانستان را به خود اختصاص دهد.

مقایسه دو جدول ۲ و ۸ نشان می دهد که حجم صادرات افغانستان به پاکستان به مراتب بیشتر از صادرات افغانستان به ایران است.

موانع و محدودیتهای تجارت رسمی میان افغانستان و پاکستان، عمدتاً ناشی از تنش های سیاسی و دیپلماتیک میان دو کشور است که سبب درگیریهای مرزی، بسته شدن مکرر مرزها و حصارکشی مرزی شده است. این موضوع به نوبه خود منجر به افزایش زمان توقف خودروهای حامل کالا شده است که خسارت زیادی را برای شرکت های حمل و نقل ایجاد کرده است. این مسئله علاوه بر اینکه عامل موثری در ارتقای جایگاه ایران در تجارت با افغانستان بوده، منجر به افزایش قابل توجه تجارت غیررسمی میان افغانستان و پاکستان شده است.

اگرچه پاکستان از سال ۲۰۱۶، جایگاه نخست خود در صادرات کالا به افغانستان را به ایران واگذار کرد، با در نظر گرفتن تجارت غیررسمی میان دو کشور احتمالاً همچنان بزرگترین شریک تجاری افغانستان محسوب می شود. علاوه بر اختلافات سیاسی و امنیتی افغانستان و پاکستان، موانع بروکراتیک از جمله دلایل مهم کاهش حجم تجارت رسمی میان دو کشور بوده است.

از سوی دیگر، مروری کلی بر کالاهای مبادلاتی میان دو کشور نشانگر آن است که صرف نظر از سوخت که با ۴۲ درصد بیشترین میزان صادرات ایران به افغانستان را شامل شده است، کالاهای مصرفی با ۴۰ درصد و کالاهای واسطه ای با ۲۲ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند که در صدر این فهرست، سنگ و شیشه، مواد خام و فلزات قرار دارند. نکته مهم در این حوزه

از سوی چین به افغانستان وجود داشته باشد. نگاهی به تجربه همکاری های چین با کره شمالی و پاکستان، نزدیکترین شرکای پکن در دهه های گذشته، نشان می دهد که دولت چین به جز در موارد بسیار ضروری و آن هم به میزان محدود و با نیت جلوگیری از فروپاشی ساختار اقتصادی این کشورها، منابع مالی یا کالایی بلاعوض به اسلام آباد یا پیونگ یانگ اختصاص نداده است. در مقابل، چین در همکاری های اقتصادی خود به دنبال سرمایه گذاری و مشارکت در پروژه های مختلف، به ویژه پروژه های زیرساختی از طریق شرکت های چینی است.

نگاهی به تاریخچه مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان نشان میدهد که هر چند میزان صادرات ایران به افغانستان از اواخر دهه نود به این سو، و در واقع در تمام طول دوران حضور نیروهای ائتلاف در این کشور، به طور متوسط سالانه ۲۹,۸ درصد رشد داشته و از ۱۴,۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۷ به ۳,۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. ۲ با این حال، باید توجه داشت که از یک منظر استراتژیک، روابط تجاری ایران با افغانستان بازتاب کاملی از تغییرات در دو مؤلفه بوده است: تولید ناخالص داخلی ایران و تحریمهای بین المللی. همانگونه که در جدول های بالا مشخص است، صادرات ایران به افغانستان با افزایش تولید ناخالص داخلی پس از امضای برجام حد فاصل سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، رشد کرده است و با آشکار شدن آثار خروج دولت آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال دوباره تحریم ها، در GDP ۲۰۲۰ به کمتر از نصف سال ۲۰۱۶ کاهش یافته و صادرات ایران به افغانستان نیز تقریباً به میزان یک سوم کم شده است.



افغانستان سغیر از حامل های انرژی، چدن و فولاد در صدر قرار داشته است؛ در این زمینه اگرچه در سال ۲۰۱۹ ایران نخستین تأمین کنندگان نیاز افغانستان به فلزات بوده است، با توجه به تعدد صادر کنندگان این دو کالا به افغانستان (چین، اروپا، ازبکستان، روسیه، پاکستان و ترکیه)، از مزیت استراتژیک برخوردار نیست. شیشه، مواد پلاستیکی، فرآورده های سبزیجات و میوه، قلع و غلات بوده است که سایر اقلام صادراتی ایران به افغانستان را تشکیل می دهد اصولاً کالای استراتژیک محسوب نمی شوند.

در نهایت، همانگونه که اشاره شد، یک عامل تعیین کننده دیگر در روابط اقتصادی تهران- کابل در حوزه تجارت کاهش کمک های مالی بین المللی خواهد بود. گفته شد که اگر همانگونه که انتظار می رود و برخی مقام های دولت های اروپایی و امریکایی نیز اعلام کرده اند، کمک های مالی بلاعوض خارجی به افغانستان قطع شود، در این صورت این کشور چیزی معادل یک سوم ارزش رسمی اقتصاد خود را از دست خواهد داد. نکته مهم این است که این کمک ها صرفاً برای هزینه های تجارت، تازمانی که نااطمینانی های استراتژیک و بی ثباتی های دوران گذار در افغانستان پابرجاست، وضعیت روابط تجاری ایران و افغانستان در کوتاه مدت دشوارتر و چشم انداز بلندمدت این روابط مبهم باقی خواهد ماند.

جمع بندی:

بر اساس آنچه گفته شد می توان به طور خلاصه به چند نکته کانونی و کلیدی اشاره کرد:

۱. بیش و پیش از هر چیز، وضعیت روابط اقتصادی ایران و افغانستان تابعی از وضعیت کلی اقتصاد کشور است. بازگشت به برجام و تلاش برای رفع تحریم ها شرط اولیه و اساسی برای هر گونه تجارت پایدار است و همانگونه که با آمار و ارقام در این پژوهش توضیح داده شد، افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۲. چین و پاکستان مهمترین متغیرهای آینده تجارت با افغانستان برای ایران خواهند بود. با تسلط طالبان بر افغانستان، در نتیجه روابط نزدیک این گروه با پاکستان، علیرغم برجامندن اختلافاتی مانند اختلافات مرزی و حمایت پاکستان از داعش میان دو کشور، موانع تجاری میان دو طرف کاهش خواهد یافت. بنابراین از یک سو تجارت میان دو کشور توسعه پیدا خواهد کرد و از سوی دیگر بخشی از رقم بالای مبادلات غیر رسمی میان کابل و اسلام آباد به مبادلات رسمی تغییر وضعیت خواهد داد. بنابراین، مبنای سیاست گذاری در این حوزه برای ایران باید حفظ توان رقابت (سیاسی و اقتصادی) با پاکستان در کنار تلاش برای اقناع چین و همگرا کردن آن در یک طرح کلی متناسب با منافع ملی ایران باشد. به عبارت دیگر، ایران باید افغانستان را بخشی از مجموعه ای در نظر بگیرد که چین، موتور محرکه و پاکستان، رقیب اصلی ایران در آن مجموعه است. تلاش برای تحمیل روایت و تعریف ایران از افغانستان به چین در مقابل روایت پاکستان، کلیدیترین روند و رفتار ایران در این حوزه خواهد بود...

ادامه در صفحه ۲۷

این است که (به جز سوخت که در بخشهای بعدی به آن بیشتر خواهیم پرداخت)، ایران نسبت به رقبای جدید در افغانستان، یعنی پاکستان، امارات و ترکیه، از مزیت نسبی برخوردار است و به نظر نمی رسد در کوتاه مدت و میان مدت، افزایش حضور و تأثیر این بازیگران در صحنه سیاسی افغانستان جدید چالش جدی برای بازار ایران در این محصولات به وجود بیاورد.

در مجموع، با عنایت به موارد شرح داده شده در بالا به نظر میرسد که با به قدرت رسیدن دولت جدید در کابل، در کوتاه مدت مشکلاتی برای مبادلات تجاری میان دو کشور به وجود خواهد آمد، ولی در میان مدت و بلند مدت، اولاً به وضعیت کلی اقتصاد ایران و تحریم ها و ثانیاً به شکل و ماهیت نقش آفرینی چین بستگی خواهد داشت. مشکلات کوتاه مدت عمدتاً ناشی از شوک های پایان حضور نیروهای خارجی در افغانستان و پیامدهای آن بر اقتصاد افغانستان است. چند مسئله در کوتاه مدت قابل ملاحظه است. نخست، در حوزه ارزی. پیش از تسلط طالبان بر کابل، گزارشها حاکی از انتقال روزانه ۵ میلیون دلار از افغانستان به ایران بوده اند. ۱ با توجه به محدودیتهای بین المللی برای دسترسی طالبان به ارزهای پرمبادله، اولاً قیمت ارز در ایران تأثیر قرار خواهد گرفت و ثانیاً، توقف ورود دلار به افغانستان سبب افزایش تورم در افغانستان خواهد شد. به دنبال بالا رفتن قیمت ها، تقاضای کسب و کارها و مصرف کنندگان افغانستانی، از جمله برای محصولات ایرانی کاهش خواهد یافت. در سال های اخیر قیمت پایین کالاهای ایرانی به واسطه سقوط ارزش پول ملی ایران، سبب شده بود تا تقاضای بالایی در جامعه افغانستان برای کالاهای ایرانی وجود داشته باشد؛ یا این حال می توان انتظار داشت که در کوتاه مدت، به واسطه پیامدهای ناشی از انتقال قدرت در افغانستان، با کاهش تقاضا در جامعه افغانستان روبه رو باشیم و این شامل کالاهای مصرفی صادراتی ایران به افغانستان که سهم چهل درصدی از صادرات به این کشور را دارند نیز خواهد شد.

همچنین، در سبب صادراتی ایران به



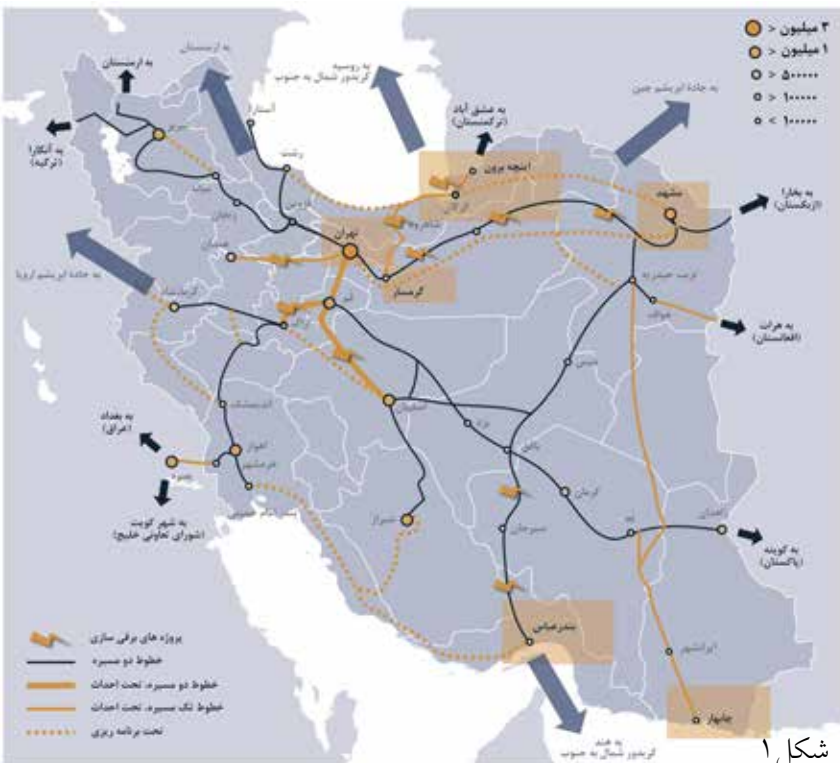
تحلیلی بر روابط اقتصادی ایران با همسایگانش در منطقه

مهندس زهرا پزشکی

سوریه و مدیترانه راهپیا سازد، هنوز محقق نشده است. یکی از دلایل پافشاری ایران بر سر این طرح، وجوه ۳/۵ میلیارد دلاری بلوکه شده ایران در عراق است که به دلیل تحریمها دیگر نمی تواند به آنها دسترسی داشته باشد و این وجوه می تواند تحقق آن را عملی تر سازند. در عین حال، ایران باید متوجه دو موضوع از طرف رقبای خود از جمله امارات، عربستان سعودی و ترکیه هم باشد: با پیوستن عراق به شبکه برق شورای همکاری خلیج فارس، شاید عراق تا ۵ سال آینده دیگر نیازی به واردات گاز ایران نداشته باشد و حتی ممکن است خود نیز به صادرکننده گاز در منطقه مبدل گردد. از طرف دیگر، ترکیه در صدد است تا با احداث راه آهن از مرز ترکیه به بصره، دسترسی آنکارا را به بازار عراق فراهم سازد و این برنامه شاید برنامه های بلندمدت ایران برای قرار گرفتن در مرکز شبکه های ترانزیتی شرق به غرب را به تعویق بیندازد. لذا در صورت تحکیم نفوذ رقبای اقتصادی در عراق، ایران دیگر نخواهد توانست تا سهم خود را از بازار عراق پس بگیرد. در بین رقبای اقتصادی ایران شاید ترکیه یکی از کشورهایی باشد که روابطش با ایران کمی پیچیده شده است. در حال حاضر تجارت این دو کشور ۵۰ درصد کاهش یافته که همچنان در حال کاهش است. واردات ایران به ترکیه بیشتر نفت خام و

اگرچه در هفته های پس از خروج ایالات متحده از برجام، ارزش ریال ایران بسیار کاهش یافت و میلیاردها دلار درآمدی که باید به جیب شرکتهایی مثل بوئینگ، توتال و پژو ریخته می شد، همچنان در بلا تکلیفی باقی ماند، ولی شاید این نقطه آغازی برای ادغام ایران با آسیای مرکزی و حذف ایالات متحده از معماری سیاسی-امنیتی اقتصادی منطقه آسیا به شمار می رفت که در ذیل به آن می پردازیم:

محدودیت های شدید نفتی علیه ایران سبب شد که این کشور از استراتژی هایی برای جایگزینی واردات و تنوع اقتصادی استفاده نماید. ایران با موفقیت طرحهایش از طریق تأمین برق و مواد غذایی در افغانستان و عراق بهتر توانست به ذخایر خارجی دست پیدا کند. از این رو اکنون شرق می تواند با توجه به این موضع گیری غرب علیه ایران، از این موقعیت به نفع خود بهره برد. عراق در استراتژی منطقه ای ایران از اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار است. عراق به عنوان همسایه غربی ایران و همسایه شرقی سوریه، به ایران اجازه می دهد تا ارتباط زمینی خود را با متحدانش در سوریه و لبنان حفظ نماید. ایران تمایل دارد تا از موقعیت جغرافیایی عراق در ایجاد مسیرهای ترانزیتی به سوریه، مدیترانه و در نهایت اروپا استفاده نماید. با این حال، طرح ایران در توسعه جاده ابریشم جدید و ابتکار کمربندی و جاده ای که BRI نامیده می شود (شکل ۱) برای احداث راه آهن از منطقه مرزی شلمچه به بصره که می تواند دسترسی زمینی ایران به



شکل ۱

امنیت مرزی و ایجاد ابتکار عملهای جدید برای بازارهای تجاری محلی نموده اند. همچنین پاکستان، ایران و ترکیه با ایجاد یک توافق نامه جدید به ایجاد کریدور ریلی BRI به نام کریدور راه آهن و جاده اسلام آباد-تهران-استانبول پرداخته اند که هدف این کریدور ایجاد یک شبکه ریلی ۶۵۰۰ کیلومتری برای اتصال کشورهای آسیای مرکزی به اروپاست و در حال احداث است. بخشی از این کریدور که باید عملیات حمل و نقل بین زاهدان (ایران) و کویت (پاکستان) را انجام دهد، آغاز به کار نموده است. در خصوص واردات پاکستان از ایران باید گفت که این کشور تنها کشوری است که علاوه بر واردات کالاهای دیگر از قبیل خرما، نفت خام، ضایعات آهن، ترانسفورماتور و غیره، به واردات سنگ آهن از ایران می پردازد. همچنین پاکستان با یک خط لوله مستقیم ۱۹۰۰ کیلومتری از عسلویه به گوادر و نوابشاه از ایران گاز طبیعی وارد می نماید (شکل ۲).



در حال حاضر به نظر می رسد تا به امروز قزاقستان و ازبکستان تنها کشورهایی باشند که در زمینه مشارکت ایران در منطقه با احتیاط عمل نموده اند، در حالیکه ایران با توسعه BRI به شدت مشتاق توسعه خطوط راه آهن و بنادر خود می باشد تا با اتصال کالاهای این دو کشور به منطقه بر این مشارکت بیفزاید. لذا گسترش روابط دیپلماتیک و زیرساختی با این دو کشور می تواند پیش زمینه ای برای موفقیت همکاریها برای توسعه خطوط به شمار رود. در این میان آنچه مهم به شمار می رود این است که توسعه این خطوط می تواند تنشهای بیشتر آمریکا و ظهور دو ابر قدرت جدید یعنی چین و روسیه را به دنبال داشته باشد. چراکه حذف آمریکا از معماری امنیتی سیاسی و اقتصادی منطقه می تواند توازن استراتژیک منابع روسیه و چین را به بهترین وجه در منطقه محقق ساخته و بر آن بیفزاید.

یک سال پس از خروج آمریکا از برجام، توافق تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به جهت افزایش تجارت و سرمایه گذاری با روسیه و آسیای مرکزی آغاز شد که سه هدف را برای ایران در منطقه محقق ساخت:

- عضویت در سازمان منطقه ای همکاری چین (SCO) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) برای تسهیل یکپارچگی اقتصادی،
 - عادی سازی روابط با شرق برای تقویت جایگاه دیپلماتیک ایران در جهان و غلبه بر انزوای اقتصادی آن و
 - پایان دادن به مثلث استراتژیک بین ایالات متحده، چین و روسیه.
- لذا اکنون زمان آن رسیده است تا آسیای مرکزی، قزاقستان و ازبکستان نقش مهمی را

فرآورده های نفتی بود که به علت عدم تمدید معافیت های تحریمی ایالات متحده برای ترکیه و سایر کشورها، ایران بخش بزرگی از واردات خود به این کشور را از دست داد. دیگر واردات ترکیه از ایران هم روغنهای معدنی، محصولات مبتنی بر مواد شیمیایی، مس و ظروف مسی، روی و ظروف رویی، آلومینیوم و ظروف آلومینیومی، آهن و فولاد، کود، پلاستیک و ظروف پلاستیکی هستند. از آنجاییکه ایران برای ترکیه بزرگترین واردکننده کلیدی گاز طبیعی و نفت خام این کشور به شمار می آید، از دست دادن این بازار کلیدی برای ترکیه ضربه سختی به شمار می رود. در عین حال، ایران برای ترکیه دروازه ای برای بازارهای ارزی اروپا و غیرنفتی و همچنین مسیر ترانزیتی BRI به سمت بازارهای آسیای مرکزی به شمار می آید. از سال ۲۰۰۸ به این طرف، دولت ترکیه و ایران تلاش نموده اند تا به استفاده از ارزهای ملی در تجارت دو طرفه روی بیاورند و با این وجود هنوز عمده تجارت بین این دو کشور به دلار آمریکا و یورو انجام می گیرد. در حال حاضر ترکیه برای ایران نقش یک پشتیبان را ایفا می نماید. در حالیکه بی ثباتی ایران هم می تواند فرصتهای اقتصادی تازه ای را برای ترکیه به دنبال داشته باشد. مثلاً ایرانیان با خرید املاک و مستغلات در ترکیه به دنبال زندگی در کشوری با ثبات تر و آزادتر هستند. همینطور شرکت های ایرانی هم به دلیل سخت شدن شرایط تجاری برای تجار ایرانی به این کشور مهاجرت می کنند.

پاکستان یکی از کشورهایی است که از روابط تجاری و دیپلماتیک خوبی با ایران برخوردار است. تجارت دوجانبه این دو کشور با امضای توافق دوجانبه ایران و پاکستان در کریدور اقتصادی منطقه ای از طریق مرز تافتون در سال ۲۰۱۶ آغاز گردید. پس از شروع تحریم های ایالات متحده علیه ایران و به دلیل عدم وجود کانالهای بانکی، این تجارت دوجانبه به سمت مسیری نامناسب و غیرمستقیم از طریق امارات کشیده شد. اکنون این دو کشور با امضای ۸ تفاهم نامه و پروتکل های مختلف اقدام به راه اندازی شبکه راه آهن و شبکه های توزیع برق جهت تقویت صنعت و حل و فصل

در دستیابی ایران به اهداف خود ایفا نمایند. ولی غافل از این هم نباید بود که موفقیت ایران در به عضویت کامل درآمدن در سازمان همکاری چین و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همکاری حداکثر با همسایگان خود در آسیا خصوصاً آسیای میانه بسیار مهم می باشد. چون از طرفی روابط نزدیکتر ایران با اوراسیا می تواند رویکرد استراتژیکی آن در زمینه همکاری با چین را بهتر نشان دهد و از طرف دیگر، این رویکرد راهی برای افزایش صادرات غیر نفتی ایران به شمار می آید. بر اساس آمارها، کل تجارت ایران و کشورهای عضو اوراسیا در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۲/۴۵ میلیارد دلار بوده است که رقم قابل توجهی از تجارت به شمار می رود. از این رقم در کل ۸۲۳ میلیون دلار عمدتاً صادرات به روسیه و ارمنستان بوده است و واردات نیز اعم از غلات، روغنهای پخت و پز و خوراک دام بوده اند. شاید رقم ۴/۲ درصد از حجم کل تجارت ایران با اوراسیا در مقایسه با تجارت چین با آن بسیار ناچیز باشد، ولی با توجه به انزوای این کشور هنوز هم مبلغ قابل توجهی به شمار می رود. بر طبق آمار گمرک ایران، مجموع مبادلات این کشور با اوراسیا در دوره ۶ ماهه از اکتبر ۲۰۱۹ تا آوریل ۲۰۲۰ به ۱،۷۸ میلیارد دلار رسیده است که در مجموع ۵۳۹ میلیون دلار آن مربوط به صادرات بوده است. شاید یکی از علل افزایش این مبادلات، توافقنامه تجارت آزاد (FTA) ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا باشد. ولی در عین حال این توافق تنها نیمی از کالاهایی که باید بین طرفین مبادله شوند را در بر می گیرد که یکی از دلایل اصلی آن آزاد نبودن تعرفه های ایران که حداقل از ۴ درصد شروع می گردند، می باشد. همینطور تقاضای کمی از طرف این اتحادیه جهت صدور نفت ایران دیده می شود و به نظر بعید می رسد که این تجارت به میزان تجارت ایران با هند و یا ایران با چین افزایش یابد. در حال حاضر قزاقستان و به ویژه روسیه از کشورهای هستند که به شدت بر این توافقنامه اصرار می ورزند، در حالیکه ازبکستان به دلیل اینکه عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیست، حرف چندانی در این زمینه ندارد. بر طبق آمار، ۲۰ درصد واردات قزاقستان از ایران است و ۱۶ درصد

صادرات این کشور به اتحادیه اقتصادی اوراسیا صورت می گیرد (جدول ۱ و ۲). شاید یکی از دلایل پافشاری روسیه بر توافقنامه تجارت آزاد ایران، توافقنامه خزر باشد. در سال ۲۰۱۸، ایران، قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و آذربایجان، اختلافات عمده حقوقی و ارضی خود را بدون هیچ دخالت منطقه ای حل و فصل نمودند. لذا همین امر منجر به افزایش علاقه چین و روسیه نسبت به اتخاذ چارچوبهای حاکمیتی جهت رسیدگی به مسائل منطقه گردید.

از بین کشورهای منطقه شاید ارمنستان تنها کشوری باشد که روابط خود با ایران را به صورت دو جانبه و بر پایه خط لوله گاز طبیعی ایران-ارمنستان، فروش برق ارمنستان به ایران و توسعه BRI با ایجاد خطوط راه آهن و جاده ای ایران-ارمنستان پیش می برد. ارمنستان از بنادر، راه آهن و بزرگراههای ایران به عنوان خط ترانزیت برای حمل و نقل محصولات خود و برقراری روابط با کشورهای آسیایی استفاده نموده و ایران نیز از طریق ارمنستان به برقراری روابط با اروپا و صادرات منابع خود می پردازد. همچنین ارمنستان به تازگی به منظور توسعه روابط تجاری خود با ایران اقدام به برنامه ریزی و واگذاری ۵۰ هکتار زمین جهت استقرار یک پارک صنعتی مشترک برای انتقال فناوری و سرمایه از ایران و پردازش و صادرات کالاها از ارمنستان نموده است.

آذربایجان نیز به لحاظ ژئوپلیتیکی همسایه شمالی ایران محسوب می شود و این دو کشور ۶۱۸ کیلومتر مرز زمینی مشترک دارند. این دو کشور در دریای خزر نیز هم مرز هستند. همچنین آذربایجان از دیرباز توجه زیادی به گسترش همکاریها با ایران به ویژه در زمینه های ساختمانی، حمل و نقل، انرژی و صنایع داشته و دارد. مواد غذایی، میوه جات، مصالح ساختمانی، تخم مرغ، مواد شوینده، پوشاک، شکلات، محصولات پلاستیکی، کاشی و سرامیک و فرآورده های نفتی از جمله اقلام صادراتی ایران به آذربایجان به شمار می روند. از آنجاییکه مسیرهای قدیمی دریای خزر از طریق کانال ولگا-دین و ولگا-بالتیک-دریای سیاه نمی تواند به تنهایی جوابگوی نیازهای اقتصادی و تجاری روزافزون حمل و نقل آذربایجان باشند، این کشور برای بر خورداری از مسیرهای ارتباطی بیشتر به ایران نیازمند است. ایجاد و تقویت راه آهن و راههای زمینی کریدور شمال به جنوب BRI به آذربایجان (آستارا) و تکمیل خط ریلی رشت-انزلی-آستارا درآمدهای قابل توجهی را از طریق فراهم آوردن ظرفیت ارتباطی تا ۲۰ میلیون تن برای این کشور به همراه دارد. دو کشور ایران و آذربایجان در حال حاضر در پروژه های حمل نقل بین المللی دیگری مثل توسعه حمل و نقل زمینی آسیا (ALTID) و توسعه حمل

جدول ۱.								
مبادلات دوطرفه قزاقستان و ایران (به میلیون دلار)								
سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
صادرات ایران به قزاقستان	۲۱۰	۲۰۸	۱۵۱	۱۷۴	۱۶۷	۱۳۱	۱۷۰	۱۴۵
واردات ایران از قزاقستان	۸۴	۱۷۹	۱۰۷	۲۱۱	۶۸	۸۷	۱۰۲	۳۵
توازن تجاری	+۱۲۶	+۲۹	+۴۴	-۳۷	+۹۹	+۴۴	+۶۸	+۱۱۰
حجم کل صادرات و واردات	۲۹۴	۳۸۷	۲۵۸	۳۵۸	۲۳۵	۲۱۸	۲۷۲	۱۸۰
مبادلات دوطرفه ازبکستان و ایران (به میلیون دلار)								
سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
صادرات ایران به ازبکستان	۹۸	۱۰۷	۲۳۳	۱۷۹	۱۰۰	۱۳۹	۲۳۷	۱۳۳
واردات ایران از ازبکستان	۱۳۴	۱۰۱	۳۱	۶۱	۶۰	۴۵	۱۴۶	۷۷
توازن تجاری	-۳۶	+۶	+۲۰۲	+۱۱۸	+۴۰	+۹۴	+۹۱	+۵۶
حجم کل صادرات و واردات	۲۳۲	۲۰۸	۲۶۴	۲۴۰	۱۶۰	۱۸۴	۳۲۸	۲۱۰

و نقل شرف به غرب (TRASICA) هم در حال همکاری می‌باشند. همچنین ایران نقش مهمی در تأمین نفت و گاز و برق نخجوان دارد.

در ابتکار کمربندی و جاده ای BRI، کریدور شمال به جنوب از هند تا ایران و آسیای مرکزی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این کریدور که افغانستان نیز در آن دیده می‌شود، ایران و ازبکستان از منافع امنیتی و اقتصادی مشترکی برخوردارند. در این بین طرف ۲ سال گذشته، سه کشور ایران، افغانستان و ازبکستان با هدف یکپارچگی اقتصادی بین خودشان، توافقنامه ای مبنی بر ساخت کریدور اقتصادی بین ازبکستان، بنادر مزارشریف افغانستان و بنادر ایران در خلیج فارس را به امضا رسانده‌اند. این همان بخشی است که اکنون ایالات متحده هیچ سهمی در آن ندارد، چرا که شرکتهای هندی که قصد حمل کالا به افغانستان از طریق بندر چابهار ایران را دارند، به صراحت از تحریمهای ایالات متحده معاف هستند. از طرفی این کریدور نقشی امنیتی دارد، چرا که می‌تواند معبری برای هجوم پناهندگان افغان، ستیزه جویان و قاچاق هروئین و پخش آن در سراسر منطقه به شمار بیاید، لذا هر سه کشور مجبورند تا نسبت به این موضوعات سریع واکنش نشان دهند و نسبت به آنها بی تفاوت نباشند.

ترکمنستان نیز یکی از مناطقی است که برای ازبکستان، قزاقستان، ایران و چین مهم به شمار می‌رود. در حال حاضر ثبات سیاسی این کشور در منطقه بسیار مهم به شمار می‌آید. این کشور قبل از کووید ۱۹ از تورم و کمبود غذا رنج می‌برد و به نظر می‌رسد که همه گیری، ویرانی بیشتری را در آن به بار آورده باشد. امروزه، رسانه ها برآند تا نسبت به شمار قربانیان کووید ۱۹ در این کشور اطلاع رسانی نمایند، ولی این کشور سرکوبهای وحشیانه ای را علیه افشاگران به کار می‌گیرد. صادرات گاز به چین، اقتصاد سیاسی ترکمنستان را بسیار ضعیف و شکننده نموده است و تغییر نظام حاکم سیاسی می‌تواند اثرات زیان باری را برای این کشور به همراه داشته باشد. لذا امروز ازبکستان، قزاقستان و ایران با حفظ امنیت

مرزی نسبت به تأمین زیرساختهای موجود، از جمله راه آهن ایران-ترکمنستان-قزاقستان و کمک به تنوع بخشی صادرات گاز ترکمنستان به ایران و آسیای مرکزی باید بیش از پیش سیاستهای خود را با هم هماهنگ گردانند.

از این رو سیاستهای درست منطقه ای می‌توانند دست قدرتهای بزرگ را در تصمیم گیری این منطقه کاهش داده و انعطاف پذیری بیشتری را در این منطقه به دنبال داشته باشند. چرا که این سیاستهای درست به نفع تمام منطقه آسیاست و سود زیادی را برای آن به همراه خواهند آورد.

ارتباط کلیدی ایران و آسیای مرکزی

ارتباط کلیدی ایران با آسیای مرکزی از طریق دو شهر میسر می‌شود که در زیر به شرح آن می‌پردازیم:

• گرگان:

این مسیر، گرگان در شمال شرقی ایران را به خطوط ریلی غرب ترکمنستان و قزاقستان متصل می‌کند. این مسیر از طریق اتصال به خط بزرگتر آکتائو-خورگوس، کالاها را از سین کیانگ چین به بندر آکتائوی قزاقستان منتقل می‌کند.

گرگان، گرهی واقع در راه آهن بزرگتر ایران-ترکمنستان-قزاقستان است که در سال ۲۰۱۴ ساخته شده است. مسیر راه آهن از اوزن قزاقستان و از طریق ترکمنستان به گرگان متصل می‌گردد. بخش قزاقستان این خط به استان سین کیانگ چین متصل می‌شود که مسیری مستقیم برای حمل و نقل محموله های چینی از ایران به حساب می‌آید. در این مسیر، محموله می‌تواند از گرگان به تهران و سپس قفقاز، ترکیه و جاهای دیگر یا به مشهد و سپس بندرعباس و چابهار و سپس از طریق کشتی به جاهای دیگر انتقال یابد.

این مسیر در ابتدا با کمک مالی ۲ میلیارد دلار از طرف بانک توسعه آسیایی و بانک توسعه اسلامی ساخته شد تا ۲۰ میلیون تن بار را در سال جابجا نماید. با تحمیل فشارهای آمریکا بر منطقه، روسیه از پیشنهاد ۱/۳ میلیارد دلاری خود کنار کشید. با این حال برق رسانی قسمت اینچه برون-گرمسار که از فوریه سال ۲۰۲۰ آغاز شده است در حال عملیاتی شدن می‌باشد.

• مشهد:

این مسیر، مشهد یعنی دو مین شهر بزرگ ایران را به ترکمنستان شرقی، ازبکستان، قزاقستان و چین متصل می‌سازد. محموله ها از غرب مشهد می‌توانند به تهران و از جنوب مشهد به

جدول ۲. پنج محصول تجاری عمده ایران و قزاقستان در سال ۲۰۲۰			
صادرات به قزاقستان	ارزش به میلیون دلار	واردات از قزاقستان	ارزش به میلیون دلار
پسته از همه نوع	۳۷/۱	روغن دانه آفتاب گردان	۹/۹
کشمش بدون دانه	۱۲/۵	جوی بدون دانه	۸/۹
خرمای خشک و تازه	۱۰/۵	آرژونولا	۶/۴
خرما (سایر)	۵/۹	خوراک دام	۴/۴
سیب تازه	۵/۸	ماشین آلات حفاری و معدنی	۶/۲
پنج محصول تجاری عمده ایران و ازبکستان در سال ۲۰۲۰			
صادرات به ازبکستان	ارزش به میلیون دلار	واردات از ازبکستان	ارزش به میلیون دلار
ماشین آلات سنگ و معدن	۱۱/۲	پنبه (خام)	۴۱/۵
سیب زمینی تازه و یخ زده	۴/۱	پتاسیم کلراید	۶/۷
فیلم پلی اتیلن	۳/۴	نخ تک رشته (شانه شده)	۲/۴
پارچه پلی اتیلن	۳/۴	الکترودهای زغالی برای کوره ها	۲/۳
آلکیل بنزن خطی	۳/۳	نخ تک رشته (شانه نشده)	۱/۸

شرکت پدیده به جمع خودروسازان کشور پیوست

مدیرعامل گروه شرکتهای پدیده خبر داد: با صدور مجوز تأسیس شرکت خودروسازی پدیده خراسان از شرکتهای زیرمجموعه گروه پدیده، توسط سازمان صمت خراسان رضوی، این شرکت به جمع شرکتهای خودروساز کشور پیوست.

به گزارش توس اکو و به نقل از روابط عمومی و بین الملل گروه شرکت های پدیده مهندس سعید ورودی گفت: در اجرای سیاست های هیئت مدیره محترم شرکت مبنی بر تنوع بخشی به فعالیت های گروه و پوشش ریسک اثرات بیماری کرونا بر صنعت گردشگری با مساعدت ها و حمایت های دستگاه های استانی و کشوری در اواخر سال گذشته، موافقت اولیه برای صدور مجوز تولید خودرو برای گروه پدیده انجام که متعاقب آن تیم تخصصی تعیین و پیگیری و اقدامات لازم به منظور اخذ جواز تأسیس انجام گردید که خوشبختانه با پیگیری های به عمل آمده و با حمایت های وزیر محترم قبلی و فعلی صمت و مسئولین مربوطه در کشور و استان، جواز تأسیس خورو برای شرکت خودروسازی پدیده خراسان صادر گردید.

مهندس ورودی، شرکت خودروسازی پدیده خراسان را تحت مالکیت شرکت توسعه بین المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز دانست و افزود: اعضای هیئت مدیره آن از افراد صاحب نام و تجربه در صنعت خودروی کشور می باشند که در بررسی های اقتصادی خود تولید خودرو کار شامل انواع وانت سبک و ون ده نفره را در حال حاضر به صرفه و صلاح شرکت دانسته و در همین رابطه اقدامات لازم به منظور انتخاب شریک خارجی و انتخاب محل مناسب برای اجرای پروژه انجام شد.

Role in Iraq in the Post-Soleimani Era, SWP Comment, No. 44, 2021 CARENGIE Endowment for [4] International Peace, <https://carnegieendowment.org/sada/81273>, 2020.

B. Sinkaya, Turkey-Iran Relations after the JDP. New edition [online]. Istanbul: Institut français d'études anatoliennes, 2019. <http://books.openedition.org/ifeagd/2934>

A. Gasparetto, Iranian-Turkish Relations in a Changing Middle East, International Studies. Interdisciplinary Political and Cultural Journal, Vol. 21, No. 1/2018, 83-98. <http://dx.doi.org/10.18778/1641-4233.21.06>

Y.F. Shah, M.A. Aslam & G. Mustafa, A Strategic Puzzle of Saudi-Iran Strife and Foreign Policy Choices of Pakistan (2013-18), Gomal University Journal of Research, Vol. 37, Issue 2, 2021. <https://doi.org/10.51380/gujr-37-02-07>

A. Imtiaz, Pakistan-Iran Relations: Economic and Political Dimensions, Center for Iranian Studies in Ankara (İRAM), 2019

A. Azimov, An Overview of the Relations Between the Republic of Armenia and the Islamic Republic of Iran. Review of Armenian Studies, No. 40, 91-111, 2019

TehranTimes, Iran's leading International Daily, 2021. <https://www.tehrantimes.com>

T. Davoodi, Friendly Relations between Iran and Azerbaijan: A Review, Mediterranean Journal of Social Sciences, Vol. 7, No. 5, 2016

T. Lotfi, Political Consideration and Development of Economic Relations, Economic Cooperation Capacities of Iran and the Republic of Azerbaijan, Mediterranean Journal of Social Sciences, Vol. 7, No. 3, 2016

S. Ramani, Iran-Azerbaijan Crisis Points to Shifting Regional Currents, 2021. <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/iran-azerbaijan-crisis-points-shifting-regional-currents>

بنادر ایران در خلیج فارس یعنی چابهار و بندرعباس انتقال یابند.

طی ۲۵ سال، ارتباطات ریلی منطقه ای شهر مشهد به میزان قابل توجهی گسترش یافته اند که موارد زیر را در بر می گیرند:

- خط مشهد-سرخس که در سال ۱۹۹۶ احداث گردیده است و مشهد را به ترکمنستان متصل می سازد.

- راه آهن سمرقند-مشهد که با ابتکار کمربندی و جاده ای در سال ۲۰۱۸ ارتقا یافته است. این راه آهن از سمرقند در ازبکستان به عشق آباد در ترکمنستان و بعد به مشهد در ایران می رسد. این راه آهن همچنین سمرقند را به آلماتی در قزاقستان و در نهایت به سیستم راه آهن چین در سین کیانگ متصل می نماید.

- راه آهن مشهد-کاشغر که در سال ۲۰۱۵ پیشنهاد گردید و تا حدی عملیاتی شده است. این راه آهن از اورومچی چین به آلماتی در قزاقستان و سپس با عبور از قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان به مشهد می رسد.

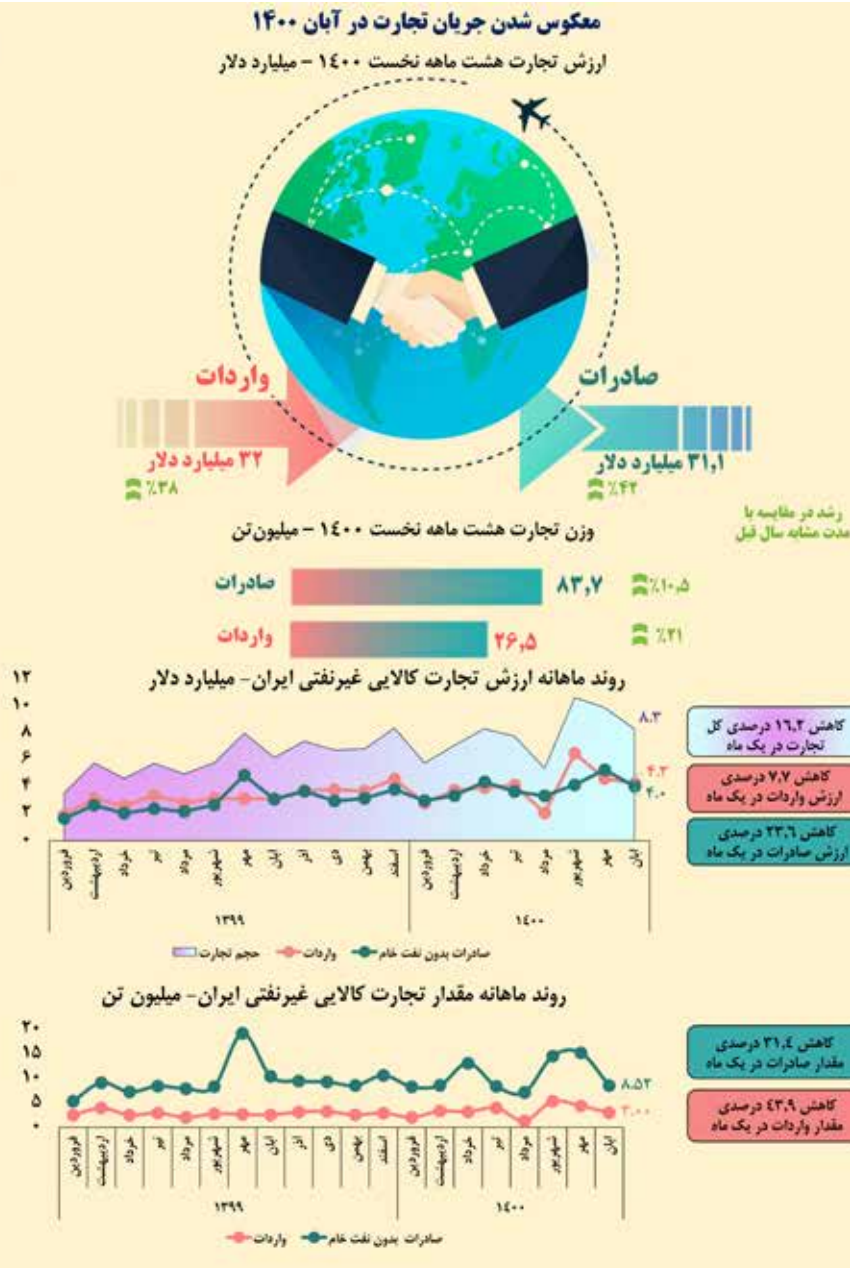
مسیرهای راه آهن مشهد در بخشهای برق رسانی و گسترش خطوط همچنان در حال عملیاتی شدن می باشند تا خط های مسیر با آسیای مرکزی را پُر نمایند. چین در دسامبر ۲۰۱۷ اعتباری به مبلغ ۱/۷ میلیارد دلار برای برق رسانی ۹۲۶ کیلومتر خط تهران-مشهد اختصاص داد. ایران قصد دارد تا سال ۲۰۲۵ و در درجه اول با حمایت مالی چین، کل سیستم راه آهن خود را برقی نماید. این مسیر برای اولین بار در فوریه ۲۰۱۶ با یک قطار باری از ایوو در چین به تهران از طریق مشهد رونمایی گردید که این سفر ۱۰۴۰۰ کیلومتری تنها ۱۴ روز به طول انجامید، و این در حالی بود که این سفر از طریق دریا ۴۵ روز زمان می بُرد.

منابع:

Timothy Doner, Iran in Central Asia: Trade, Infrastructure, and Cooperation along the New Silk Road, 2021 Department for International Trade, Iran and Investment Factsheet, 2021

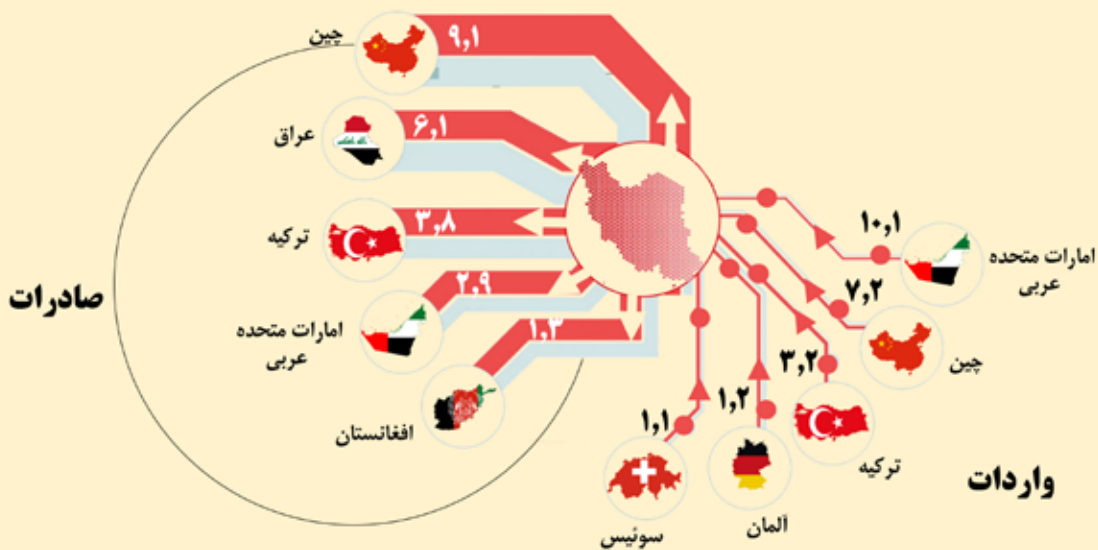
H. Azizi, Challenges to Iran's [3]

معکوس شدن جریان تجارت در آبان ۱۴۰۰



تحولات تجارت کالایی بدون نفت خام ایران طی ۸ ماهه نخست ۱۴۰۰: رشد ۳۸ درصدی ارزش واردات نسبت به مدت مشابه سال قبل - رشد ۴۲ درصدی ارزش صادرات بدون نفت خام نسبت به مدت مشابه سال قبل - کاهش حدود ۲۴ درصدی ارزش صادرات بدون نفت خام در آبان ۱۴۰۰ نسبت به ماه قبل - کاهش حدود ۸ درصدی ارزش واردات طی در مهر ۱۴۰۰ نسبت به ماه قبل - واردات ۱۷,۸ میلیون تن کالایی اساسی با ارزش به نرخ ترجیحی به ارزش ۹,۹ میلیارد دلار طی هشت ماهه نخست ۱۴۰۰ - ترانزیت کالایی خارجی: حدود ۸,۱ میلیون تن با افزایش ۸۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۹

عمده مقاصد صادراتی و مبادی وارداتی ایران طی هشت ماهه نخست ۱۴۰۰ - میلیارد دلار



منبع داده‌ها: گمرک ج.ا.ا

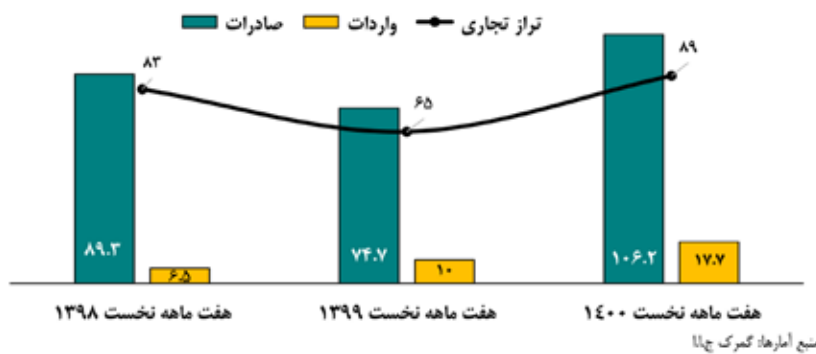
آذر ۱۴۰۰

مهسا رجیبی نژاد



مروری بر روابط تجاری ایران و ترکیه با سوریه

نمودار ۱- صادرات و واردات از ایران به سوریه طی هفت ماهه نخست سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰



اتاق بازرگانی تهران در جدیدترین گزارش خود به بررسی وضعیت تجارت ایران و ترکیه با سوریه پرداخته که نشان دهنده فاصله قابل توجه آمار صادراتی دو کشور است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در این گزارش، صادرات غیرنفتی ایران به سوریه در هفت ماه سال جاری به ۱۰۶ میلیون دلار رسیده و در مجموع ایران بیش از ۷۹ هزار تن کالا به سوریه صادر کرده است.

در مقابل نیز سوریه حدود ۱۹۵ هزار تن

جدول ۱- کالاهای عمده صادراتی ایران به کشور سوریه طی هفت ماهه نخست ۱۴۰۰

شماره تعرفه	شرح کالا	مقدار / کیلوگرم	ارزش / دلار
۸۴۰۶۹۰۰۰	اجزاء و قطعات توربین‌های بخار	۹۲۵۲۵۵	۲۸۵۹۳۵۱۶
۳۰۰۴۹۰۱۲	سایر داروها به استثنای دارای تولید داخلی مشابه غیر مذکور در جای دیگر	۱۲۵۹	۹۶۸۹۲۰۱
۱۹۰۲۱۹۰۰	سایر خمیرهای غذایی پخته نشده و پیر نشده و آماده نشده به نحوی دیگر به غیر از انواع حاوی تخم مرغ- ماکارونی	۱۴۶۲۱۱۱۷	۵۲۹۲۸۲۸
۱۶۰۴۱۴۰۰	فراورده ها و کنسروهای ماهی تن	۳۱۸۴۶۱۱	۲۶۷۶۵۳۳
۰۴۰۲۱۰۱۰	شیرخشک اطفال در بسته بندی‌های تحت خلا و یک کیلوگرم و کمتر که میزان مواد چرب آن یک و نیم٪ و یا کمتر باشد	۵۸۵۲۹۲	۳۰۶۱۱۲۸
۰۴۰۲۱۰۲۰	شیر خشک صنعتی از گاو که میزان مواد چرب آن بیشتر از ۵/۱ درصد وزنی نباشد غیر از مذکور در جای دیگر	۲۰۸۲۸۴۰	۳۰۵۶۶۳۰
۷۳۱۰۳۹۰۰	محصولات از آهن یا فولاد غیر ممزوج تحت نورد شده، با پهنای حداقل ۶۰۰mm آپکاری شده یا اندود شده باروی غیر مذکور در جای دیگر	۲۰۵۵۴۵۰	۲۲۸۲۳۳۳
۲۴۰۳۱۱۰۰	تنباکوی قلیان مشخص شده در یادداشت ۱ ردیف فرعی این فصل	۲۵۲۰۰۰	۲۲۶۸۰۰۰
۱۶۰۴۱۹۰۰	فراورده ها و کنسروهای ماهی ها (باستثنای قیسه شده) که در جای دیگری مذکور نباشند	۱۴۸۰۵۳۳	۲۲۵۲۱۶۶
۰۸۰۲۵۲۱۰	معز پسته تازه یا خشک	۱۶۳۷۰۰	۱۱۹۴۳۳۹
۸۴۸۱۸۰۱۰	شیرآلات بهداشتی شیر مخلوط حمام و دستشویی	۴۰۴۳۸۳	۱۷۸۸۴۷۸
۸۵۰۴۳۳۰۰	ترا نسفورا موتورهای دی الکتریک مایع به قدرت بیشتر از ۱۰۰۰۰ کیلوولت آمپر	۴۳۹۵۰	۱۶۳۳۸۰۰
۸۷۰۱۳۰۱۰	تراکتور کشاورزی، چرخ زنجیری، با قدرت بیشتر از ۱۱۰ قوه اسب بخار	۳۸۵۴۴۵	۱۴۹۰۲۰۳
۸۵۴۳۹۰۰۰	سایر هادی های برقی بجز آنهایی که مجهز به اتصال دهنده‌ها هستند	۴۱۶۹۲۳	۱۳۳۳۳۴۱
۶۹۰۷۳۲۰۰	کاشی و سرامیک با ضریب جذب آب وزنی بیش از ۵/۰ درصد و حداکثر ۱۰ درصد	۲۳۳۵۰۵۰۸	۱۲۸۳۰۱۹
۲۱۰۲۱۰۰۰	مخمرهای فعال (زنده)	۹۳۰۰۰۲	۱۲۰۹۰۰۳
۸۴۰۹۱۰۰۰	اجزاء و قطعات موتورهای وسایط نقلیه هوایی مشمول شماره ۸۴۰۷۱۰	۲۰۱۰	۱۱۶۵۶۵۷
۷۴۱۱۱۰۹۰	سایر لوله‌های مسی از مس تصفیه شده غیر مذکور در جای دیگر	۱۱۸۲۵۳	۱۱۲۸۸۵۹

شماره تعرفه	شرح کالا	مقدار / کیلوگرم	ارزش دلاری
۷۲۱۴۲۰۰	میله‌های آهنی یا فولادی، گرم نوردشده دارای دندان، برآمدگی گودی یا بعد از نورد تاب داده شده، یا با تغییر شکل یافتگی‌های حاصل از نورد	۱۷۱۷۱۴۴	۱۰۵۱۹۴۲
۳۹۰۱۲۰۲۰	پلی اتیلن گرید قلم با وزن مخصوص (جگالی) ۹۴٪ یا بیشتر	۱۰۱۴۷۵۰	۱۰۲۰۱۲۱
۸۴۱۱۹۹۱۰	پره‌های ثابت و متحرک داغ توربین گازی	۷۸۷۵	۸۱۵۸۳۶
۸۷۰۸۲۹۱۰	اجزاء و قطعات و متفرغات بدنه، برای سواری، سواری کار، وانت و تراکتور کشاورزی	۲۱۴۲۱۸	۷۰۵۰۰۸
۷۲۱۳۱۰۱۰	میلگرد کلاف با قطر کمتر از ۹ میلیمتر از آهن یا فولاد غیر ممزوج	۱۲۳۵۷۹۰	۶۸۰۳۸۹
۷۳۰۶۶۱۱۰	لوله‌ها و پروفیل‌ها، جوش داده شده، از آهن یا فولاد، با قطر خارجی کمتر از ۲۰۳/۲ میلیمتر	۸۴۰۸۵۰	۶۰۷۲۵۳
۳۸۱۷۰۰۱۰	الکیل بتزن خطی	۳۱۹۹۵۰	۵۷۷۶۷۱
۰۸۰۲۵۱۰۰	پسته‌ها یا پوست تازه یا خشک	۸۰۵۵۰	۵۷۲۸۱۰
۸۴۳۷۹۰۹۰	اجزا و قطعات ماشین‌آلات برای پاک کردن و درجه بندی	۷۵۹۸۴	۴۸۹۲۲۳
۳۰۰۴۹۰۱۱	رادیو دارو، دارای تولید داخلی مشابه	۸۳۳	۴۷۹۲۲۱
۳۹۲۰۲۰۲۰	پلیمرهای پروپیلن BOPP چاپ نشده	۲۴۸۶۳۱	۴۴۶۵۱۸
۲۸۱۵۱۱۱۰	هیدروکسید سدیم (سودسوزآور) جامد به صورت پرک	۲۴۵۷۳۴۰	۴۳۲۹۰۲
مجموع تعرفه‌های فوق		۵۸۰۳۱۵۰۵۵۶	۹۰۰۹۹۰۸۲۰

منبع: آمارها، گمرک ج.ا

در فهرست اصلی‌ترین کالاهای صادراتی ترکیه به سوریه نیز لوازم خانگی، چربی و روغن‌های حیوانی و نباتی و قند و شکر و شیرینی دیده می‌شود. مقایسه عملکرد صادراتی ایران و ترکیه به سوریه نشان می‌دهد که ایران در هفت ماهه سال جاری شمسی، به طور میانگین ۱۵.۲ میلیون دلار کالا به سوریه صادر کرده و این در حالی است که ترکیه در ۹ ماهه نخست سال جاری میلادی به طور میانگین ۱۳۱ میلیون دلار در هر ماه به سوریه صادرات داشته است. به این ترتیب میزان صادرات ترکیه به سوریه بیش از هشت برابر صادرات ایران به سوریه بوده است.

کالا به ارزش ۱۷ میلیون دلار به ایران صادر کرده است. در مقایسه با سال قبل، صادرات ایران به سوریه رشدی ۴۲ درصدی داشته است. هر چند این آمار در مقایسه با عملکرد سال ۱۳۹۸ و پیش از کرونا، تغییر چندانی را نشان نمی‌دهد.

در این مدت، تراز تجاری ایران و سوریه، ۸۹ میلیون دلار به نفع ایران بوده است و این عدد نیز در مقایسه با عملکرد دو سال قبل که تراز مثبت ۸۳ میلیون دلاری ثبت شده بوده، تغییر چندانی نشان نمی‌دهد.

متوسط قیمت کالاهای صادراتی ایران به سوریه در سال جاری، ۱۳۳۳ دلار در هر تن بوده که در مقایسه با سال قبل، افزایش ۴۲۲ دلار را نشان می‌دهد. همچنین عمده کالاهای صادراتی ایران به سوریه به کالاهای با ارزش افزوده بالا و کالاهای سرمایه‌ای اختصاص دارد.

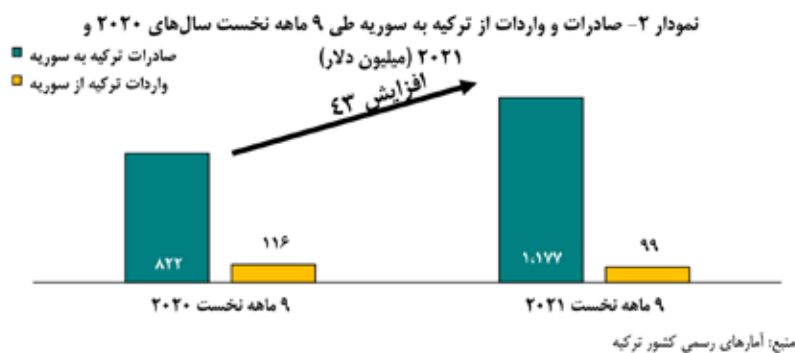
جزئیات منتشر شده نشان می‌دهد که اجزا و قطعات توربین‌های بخار، دارو، خمیر غذایی، کنسرو و شیر خشک اصلی‌ترین کالاهای صادراتی ایران به سوریه در هفت ماه سال جاری را تشکیل داده‌اند.

بررسی تجارت مشترک ترکیه و سوریه نیز در ۹ ماهه نخست سال جاری میلادی نشان می‌دهد که میزان صادرات ترک‌ها از مرز یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار گذشته و در مقابل سوریه به این کشور ۹۹ میلیون دلار صادرات داشته است. ارزش صادرات ترکیه به سوریه در سال جاری میلادی رشدی ۴۳ درصدی را به ثبت رسانده است.

جدول ۲- فهرست فصول عمده صادراتی ترکیه به سوریه در ۹ ماهه نخست ۲۰۲۱

فصل	شرح	ارزش صادرات (دلار)
۹۹	لوازم خانگی شخصی	۱۱۴,۲۸۲,۳۱۱
۱۵	چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فرآورده‌های حاصل از تفکیک آن‌ها؛ چربی‌های خوراکی آماده؛ موم‌های حیوانی یا نباتی	۸۳,۰۹۵,۵۲۱
۲۳	آخال و تغاله صنایع خوارک سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات	۷۹,۱۲۷,۶۶۷
۱۷	قند و شکر و شیرینی	۷۰,۱۸۴,۲۷۳
۱۱	محصولات صنعت آرد سازی؛ مالت؛ نشاسته و فکول، اینولین و گلوکن گندم	۶۵,۳۸۰,۰۰۶
۳۹	مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد	۶۰,۹۵۲,۳۵۸

منبع: آمارهای رسمی ترکیه



منبع: آمارهای رسمی کشور ترکیه



ریس اتحاد ایران بر گسترش همکاری های درون گروهی بین اعضای اکو تاکید کرد

لزوم تشکیل بلوک اقتصادی مقتدر



اجرائی شدن موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا) می تواند در زمره فعالیت های اولویت دار برای بهبود این وضع باشد. به طور قطع اجرائی شدن موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا)، تبدیل آن به موافقتنامه تجارت آزاد بر اساس چشم انداز ۲۰۲۵ اکو را نیز هموار خواهد کرد.

سرمايه گذاري پايين تر از حد انتظار

شافعی با نگاهی به آمار سرمايه گذاري در منطقه اکو گفت: در زمينه جذب سرمايه گذاري مستقيم خارجي نيز بر اساس آمارهاي موجود سال ۲۰۲۰، کشورهای عضو اکو تنها ۱/۷ درصد کل سرمايه گذاري مستقيم خارجي جهان معادل ۱۷ ميليارد دلار را به خود اختصاص داده اند که با توجه به وسعت، جمعيت و پتانسيل هاي اقتصادي فراوان منطقه رقمي بسيار پايين تر از حد انتظار است.

او همکاري و همگرایی بين اعضای اکو بدون توجه به بخش خصوصي را نادرست خواند و ادامه داد: اقدامات عملي در راستای تسهيل تعاملات بخش خصوصي کشورهای عضو نمی تواند به نتيجه عملي و ملموس منجر شود. باید با حذف موانع

در چهارمين مجمع تجاري اکو، اجرائی موافقتنامه اکوتا، تبديل آن به موافقتنامه تجارت آزاد و سرمايه گذاري مشترک بين اعضا در حوزه های جديد مورد تاکيد قرار گرفت. اين مجمع تجاري هم زمان با نشست شورای وزرای اکو به ميزبانی اتاق ترکمنستان برگزار شد و در اين مراسم هيأتی به سرپرستی ريس اتاق ايران حضور داشت. گسترش و فعال سازی همکاری های تجاري و اقتصادي بين کشورهای عضو اکو از جمله تجارت کالا و خدمات، امور مربوط به ترخيص، پرداخت، امور گمرکي و مالياتي، تجارت ديجيتال و بازار تجارت الکترونيک، فرصت های سرمايه گذاري از جمله سرمايه گذاري های مرتبط با تجارت و بهترين شيوه های بين المللي برای افزايش جذابيت سرمايه گذاري و در نهايت توسعه بازار حمل و نقل و خدمات لجستيک در کشورهای عضو اکو، محور مباحث اين نشست بودند.

نياز به بسترسازی مناسب

در اين اجلاس نمايندگان و روسای اتاق های بازرگانی ايران، جمهوری آذربايجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقيزستان، ازبکستان، تاجیکستان، پاکستان و ترکيه به همراه هيأت هایی از بانک توسعه تجارت اکو و دبیرخانه سازمان اکو در تهران حضور داشتند.

غلامحسين شافعی ريس اتاق ايران و ريس دوره ای اتاق اکو، توسعه همکاری های اقتصادي، تجاري و سرمايه گذاري در چارچوب اکو را مورد توجه قرار داد و گفت: اکو با دارا بودن ویژگی هایی به لحاظ ذخاير طبيعي و منابع انسانی، بازار و پتانسيل هاي گسترده ای برای هرگونه فعاليت اقتصادي در اختيار دارد. بنابراین لازم است با استفاده از قابليت های موجود، نسبت به تجميع منابع و گسترش تعاملات و بسترسازی مناسب در راستای گسترش همکاری های اقتصادي، تجاري و مالي درون گروهی اقدام کرده و برای رسيدن به مهم ترين هدف گروه که تبديل شدن به یک بلوک اقتصادي مقتدر است، گام برداريم.

او با برشمردن حجم مبادلات تجاري در زمينه جذب سرمايه گذاري مستقيم خارجي نيز بر اساس آمارهاي موجود سال ۲۰۲۰، کشورهای عضو اکو تنها ۱/۷ درصد کل سرمايه گذاري مستقيم خارجي جهان معادل ۱۷ ميليارد دلار را به خود اختصاص داده اند که با توجه به وسعت، جمعيت و پتانسيل هاي اقتصادي فراوان منطقه رقمي بسيار پايين تر از حد انتظار است. ريس دوره ای اتاق اکو ادامه داد: با وجود اينکه هم اکنون در ماه های پايانی سال ۲۰۲۱ هستیم، آمار تجارت امسال منتشر نشده هر چند قابل پيش بينی است که حجم کونونی تجارت با ابعاد و گستردگی اين سازمان همخوانی ندارد. به تازگی نيز مشکلات پيش آمده به دليل کرونا، منجر به بروز اختلالاتی در زنجيره تامین، گردش مالي کسب و کارهای کشورهای عضو و در نهايت کاهش حجم تجارت درون گروهی شده است.

ريس اتاق ايران توجه خاص به تجارت الکترونيک و راه اندازی پروژه های مشترک در اين بخش را مورد توجه قرار داد و افزود: بهره گيري از موافقتنامه های منطقه ای به ويژه اهتمام برای



در زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز بر اساس آمارهای موجود سال ۲۰۲۰، کشورهای عضو اکو تنها ۱/۷ درصد کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان معادل ۱۷ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده اند که با توجه به وسعت، جمعیت و پتانسیل های اقتصادی فراوان منطقه رقیمی بسیار پایین تر از حد انتظار است.

در زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز بر اساس آمارهای موجود سال ۲۰۲۰، کشورهای عضو اکو تنها ۱/۷ درصد کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان معادل ۱۷ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده اند که با توجه به وسعت، جمعیت و پتانسیل های اقتصادی فراوان منطقه رقیمی بسیار پایین تر از حد انتظار است.

حمایت و ترویج سرمایه گذاری (APPI)، موافقتنامه ساده سازی رویداد و پروتکل الحاقی آن، ارتقای فعالیت ها و خدمات بانک توسعه تجارت اکو (ETDB)، نهایی سازی و فعال سازی پیش نویس موافقتنامه ایجاد اتحادیه تسویه اکورا (ECU) را از اولویت هایی بر شمرده که باید در سازمان مورد توجه قرار گیرد.

کرباسی همچنین بر سرمایه گذاری در حوزه های نفت، گاز و انرژی، سرمایه گذاری های درون گروهی صنعتی و گردشگری به ویژه گردشگری سلامت تاکید کرد.

او پیشنهاد داد: در چارچوب چشم انداز ۲۰۲۵ اکو، موافقتنامه تجارت اکو (ECOTA) از طریق روش های جدید و مورد توافق کشورهای عضو به بهترین شکل ممکن اجرا شود.

به اعتقاد دبیر کل کمیته ایرانی اتاق اکو، با توجه به سابقه بسیار طولانی اکو تا و اجرایی نشدن آن، لازم است مورد بازنگری قرار گیرد و رویکردهای جدیدی در آن دیده شود. همچنین باید تغییر از قالب موافقتنامه تجارت ترجیحی (PTA) به توافقنامه تجارت آزاد (FTA) در راستای تجارت درون اکو، طبق ابتکارات پیش بینی شده در چشم انداز ECO ۲۰۲۵ مورد توجه قرار گیرد.

معاون بین الملل اتاق ایران ادامه داد: تا سال ۲۰۳۰ حجم بازار جهانی گردشگری به ۱۸۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید، از این رو از کشورهای عضو درخواست می شود در ترویج گردشگری و گردشگری سلامت در میان کشورهای عضو کمک کنند تا اکو را به یک مقصد گردشگری شناخته شده بین المللی تبدیل کنیم. در این راستا پیگیری و اجرای تصمیمات رویدادهای مرتبط با گردشگری و گردشگری سلامت در منطقه اکو باید از اولویت های کاری اعضا باشد.

لزوم حمایت از تولید خودر و مشترک اکو

کرباسی از کشورهای عضو اکو خواست اجرای توافقنامه تسهیل رویداد بین کشورهای عضو را به منظور توسعه تجارت، ترانزیت و سرمایه گذاری در اولویت قرار دهند. او از اتاق های عضو درخواست کرد از پروژه «تولید خودر و مشترک اکو» برای ترویج سرمایه گذاری های مشترک درون گروهی در منطقه اکو حمایت کنند.

معاون بین الملل اتاق ایران از پیگیری ابتکار ایجاد اتحادیه پای پای اکو (ECU) بین کشورهای عضو توسط دبیر خانه خبر داد و افزود: برای این منظور از همه کشورهای عضو دعوت می کنم برای پیوستن به این اتحادیه و فعال سازی مکانیسم بهبود تجارت در داخل اکو اقدام لازم را به عمل آورند.

او پیشنهاد داد: کریدورهای ریلی و جاده های منطقه شامل کریدورهای استانبول-تهران-



کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی اکو (ECO)



یکی از سازمان‌های اقتصادی بزرگ منطقه‌ای باشد اما تجربه نشان داده که برخی از کشورهای عضو چندان روابط سیاسی خوبی با هم نداشته، مثل کشور آذربایجان با ایران که اخیراً با سفر معاون نخست‌وزیر آن کشور به ایران، ظاهراً ابرهای تیره اختلاف در حال گذر از آسمان این دو کشور است (البته به اختلاف سیاسی سایر کشورهای عضو ورود پیدا نمی‌کنم) و برخی از کشورهای عضو هم اصلاً اقتصادی ندارند که تأثیرگذار باشند، همچون کشور افغانستان!! پس با این روابط سیاسی و با این کشورهای فاقد اقتصاد قوی، چندان توقعی نمی‌توان داشت و نباید انتظار معجزه از این سازمان داشته باشیم.

سبز علیپور اظهار کرد: فقط در هفتم آذر هر سال آن هم تنها به مناسبت سالگرد تاسیس «اکو» یادی از این سازمان می‌شود و هر دو سال یک بار هم اجلاسی با حضور سران عضو صورت می‌گیرد که پس از اتمام جلسه، همه چیز به ورطه فراموشی سپرده می‌شود.

وی گفت: منابع و ظرفیت‌های گسترده اقتصادی به ویژه در بخش‌های معدن، نفت و گاز، صنایع مختلف و گردشگری کشورهای عضو «سازمان اکو» سرمایه ارزشمندی را در اختیار این سازمان اقتصادی منطقه قرار داده است. از طرفی جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن مرز زمینی با پنج کشور عضو «اکو» و دارا بودن موقعیت استراتژیک جغرافیایی برای برقراری اتصال سایر اعضا به آب‌های بین‌المللی و نیز به دلیل استقرار دبیرخانه دائمی اکو در تهران از موقعیت محوری در این سازمان برخوردار است که اگر سران این سازمان همت و اراده جدی برای فعال کردن این سازمان را داشته باشند، قطعاً اکو می‌تواند از این سازمان ضعیف و بی‌تأثیر به یک سازمان قوی و تأثیرگذار منطقه‌ای مبدل و فی‌الواقع «سازمان همکاری اقتصادی» را متولد کند، در غیر این صورت این سازمان، در حد یک نام و یک دبیرخانه نمایشی خلاصه خواهد شد.

اسلام‌آباد (ITI)، قرقیزستان - تاجیکستان - افغانستان - ایران (KTAI) و ... با همکاری موثر بخش خصوصی فعال و ارتقا یابد.

کرباسی همچنین از کشورهای عضو درخواست کرد اقدامات لازم برای توسعه همکاری در بخش‌های نفت، گاز، انرژی و پتروشیمی با نقش محوری اتاق بازرگانی و صنعت اکو و اتاق‌های ملی را انجام دهند. اولین اجلاس کنسرسیوم‌های نفت، گاز، انرژی و پتروشیمی کشورهای عضو اکو در سال ۲۰۱۸ در تهران برگزار شد که در آن نقشه راه ایجاد کنسرسیوم نیز تهیه و در این نشست ارائه شد.

معاون بین‌الملل اتاق ایران ضمن اعلام آمادگی کمیسیون‌های تخصصی، انجمن و اتحادیه‌های تحت پوشش اتاق ایران برای همکاری با کشورهای عضو اکو در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری تأکید کرد: همکاری کشورهای عضو اکو در زمینه استانداردهای حلال و ارتباط متقابل بازارهای محصولات کشاورزی منطقه از دیگر زمینه‌هایی است که شایسته توجه و پیگیری کشورهای عضو است. ایجاد مراکز مشترک تحقیقاتی فناوری پیشرفته در سراسر منطقه با توجه به پتانسیل‌های گسترده برخی از کشورهای عضو در زمینه‌های زیستی، نانو و سایر حوزه‌های فناوری پیشرفته، زمینه‌ای قابل توجه برای کشورهای عضو است.

«اکو» نیازمند روح تازه

در این خصوص محمدرضا سبزه‌علیپور رییس مرکز تجارت جهانی ایران با اعتقاد به اینکه عملکرد سازمان اکو ضعیف است، در اظهار نظری جدای از این نشست می‌گوید: کشورهای عضو سازمان اکو می‌توانستند در این چند دهه با هم مبادلات تجاری خوبی داشته باشند، اما هیچ وقت آن‌طور که باید و شاید با هم ارتباط تنگاتنگ اقتصادی نداشته‌اند! طی ۶۰ سال گذشته چندان تحرک چشمگیر و قابل استنادی بین اعضا در قالب «سازمان اکو» دیده نشده و اگر هم روابط اقتصادی بین دو کشور عضو مثل ایران و ترکیه وجود داشته، دو جانبه بوده و هیچ ربطی به «سازمان اکو» نداشته است. وی تصریح کرد: این سازمان می‌توانست



خشکبار ایران در جدال با رقبای خارجی

ایران دیده می‌شود، به دنبال تهاوت خرما با ایران هستند. این صادرکننده خرما تاکید کرد که امسال به طور قطع، پاکستان بازار صادراتی خرما را بیش از سال‌های گذشته در اختیار خواهد گرفت.

پاکستان در سال‌های اخیر با بسیاری از کشورهای واردکننده خرما، توافقات اقتصادی با محوریت تجارت ترجیحی برقرار کرده و همین موضوع باعث شده بخش مهمی از بازار تجارت خرما به این کشور برسد.

پسته آمریکایی رقیب جدی پسته ایرانی

در کنار خرما، پسته ایرانی نیز رقیب جدی دارد؛ ایالات متحده آمریکا در این زمینه به شدت فعال شده است. به گفته مجید بازیان نایب رئیس اتحادیه صادرکنندگان خشکبار، حجم تولید پسته ایران طی سال ۱۳۹۷ بشدت کاهش یافت و میزان برداشت و آنچه که به بازار داخل عرضه شد، بیش از ۵۰ هزار تن نبود و با پیاده‌سازی مقررات رفع تعهد ارزی، صادرکنندگان از عرضه بین‌المللی این میزان تولیدات بازماندند.

وی با بیان اینکه در این سال و با غیبت ایران، پسته آمریکا بخش عمده‌ای از بازار صادراتی کشور را از آن خود کرد، افزود: تولید سالانه پسته در ایالات متحده به ۵۵۰ هزار تن رسیده است و بازارهای خواهان پسته هیچ‌گاه منتظر نمی‌ماند تا پسته ایران را دریافت کند و با کوچک‌ترین وقفه در تجارت این محصول، دیگر کشورها محصولاتشان را جایگزین پسته و سایر فرآورده‌های خشکبار ایران می‌کنند.

بازیان افزود: طی سال ۱۳۹۸، صادرکنندگان پسته از ایران مجبور شدند برای بازگشت به بازارهای صادراتی، هر تن از این محصول را به قیمت ۵۰۰۰ دلار عرضه کنند در حالی که طی سال ۱۳۹۵، نرخ صادرات پسته ایران حدود ۱۰ هزار دلار در هر تن بود. میزان صادرات پسته ایران طی سال ۱۳۹۵ در حدود ۱۳۸ هزار تن و به ارزش ۱.۲ میلیارد دلار بود در حالی که در سال ۱۳۹۹،

به‌رغم صادرات ۲۰۳ هزار تن پسته، ارزش آوری این محصول رقمی حدود ۱.۳ میلیارد دلار بیشتر نبود.



هر چند از دیرباز حضور تجار ایرانی در بازار جهانی خشکبار، حضوری قدرتمند بوده اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، زنگ خطرهای جدی برای از دست رفتن این بازار به صدادرآمده است.

خشکبار ایرانی در کنار فرش، از گذشته دور اصلی‌ترین کالای صادراتی ایران را تشکیل می‌دادند و این محصولات در بسیاری از نقاط جهان با نام ایران شناخته می‌شوند. با این وجود اما در سال‌های گذشته بسیاری از کشورها با ورود به عرصه تولید این محصولات، بخشی از بازار را از تاجران ایرانی گرفته‌اند.

بر اساس اطلاعات جدیدی که اتاق بازرگانی تهران منتشر کرده، خطر جدیدی که تجارت محصولات خوراکی ایران را تهدید می‌کند در دو کالای خرما و پسته خودرانشان داده است.

به گفته امیرحسین زرگرزاده، از صادرکنندگان خرما ایران، فعالیت تجار پاکستانی برای خرید خرما استعمار ایران طی سال‌های اخیر تشدید شده و تجار این کشور با رفت و آمد به خوزستان، خرمای استعمار این منطقه از ایران را خریداری و صادرات مجدد می‌کنند. به گفته وی، تجار پاکستانی حتی به کرمان نیز رفت و آمد کرده و خرمای شاهانی این منطقه را از کف بازار جمع می‌کنند.

زرگرزاده یادآور شد که در حال حاضر پاکستان، بازارهای بیش از ۳۰ ساله خرمای ایران در جهان را تصاحب کرده و آنطور که در رفت و آمدهای مقامات دولتی این کشور به

خاطره تلخ تجار از تاجیکستان

تاجیکستان توجیه اقتصادی ندارد از این رو جزو اولویت های سوم مادر نظر گرفته می شود. این فعال اقتصادی تصریح کرد: امنیت در سرمایه گذاری، روابط دیپلماتیک و رتبه کشور هادر تسهیل محیط کسب و کار جزو شاخص های مهم در انتخاب کشورها برای کشت فراسرزمینی محسوب می شوند. تنها ملاک انتخاب داشتن منابع آبی مناسب و زمین های مرغوب نیست. به عنوان مثال کشور لهستان منابع آبی ارزشمندی دارد اما از آنجایی که پیشینه اقتصادی ایرانیان در این کشور قوی نیست از این رو این کشور جزو اولویت های دوم مادر زمینه کشت فراسرزمینی شده است.

نمی توان در تاجیکستان کار بزرگ انجام داد

رضوانی زاده با اشاره به تجربه تلخ سرمایه گذاری ایرانیان در تاجیکستان، خاطر نشان کرد: با تیره شدن روابط سیاسی ایران و تاجیکستان، این کشور سرمایه گذاران ایرانی را از کشور خود اخراج و اجازه سرمایه گذاری برای ایرانیان را دشوار کرد، این خاطره بد همچنان در ذهن مابقی مانده و باعث شد کمتر ایرانی ای رغبتی برای ورود به این اقتصاد از خود نشان دهد. این فعال اقتصادی با بیان اینکه نمی توان در تاجیکستان کار بزرگ انجام داد، گفت: به سختی می توان در این کشور یک مزرعه ۱۰ هزار هکتاری پیدا کرد. وقتی نتوانیم در کشوری کار بزرگ انجام دهیم در واقع در آن کشور کشاورزی معیشتی کرده ایم، این در حالی است که می توان با هزینه کم بیش از ۱۰۰ هزار هکتار زمین در روسیه، قزاقستان، برزیل، اوکراین و ونزوئلا اجاره کرد.

بنا به اظهارات وی، اولویت کشت فراسرزمینی تولید محصولات آب بر و گوشت است. وی در ادامه بیان کرد: زمینه های اقتصادی برای پرورش آبزیان در این کشور محیا است. سالیانه انواع آبزیان به ارزش دو میلیارد دلار وارد این کشور می شوند که می توانیم با انتقال دانش فنی و نیروی انسانی از این قابلیت استفاده کنیم و سرمایه گذاری مشترکی در این زمینه داشته باشیم و این گونه علاوه بر خلق ثروت به حضور ایرانیان در این کشور کمک می کنیم و زمینه برای توسعه روابط اقتصادی و کشاورزی فراسرزمینی فراهم می شود.

امنیت سرمایه گذاری ایرانیان باید فراهم شود

به گفته این فعال اقتصادی، از منظر دیپلماسی اقتصادی سرمایه گذاری در تاجیکستان سودآور است مشروط به اینکه تعهدهای لازم به سرمایه گذاری در این کشور به طرف های ایرانی داده شود و امنیت سرمایه گذاری در این کشور برای ایرانیان فراهم شود. اما در شرایط کنونی اگر سطح زیر کشت مادر دیگر کشورها به شش میلیون هکتار رسید آن زمان می توانیم

با توجه به اینکه کشور ما به تازگی به عضویت دائمی پیمان شانگهای درآمده، پیش بینی می شود ایران بتواند تاثیر قابل توجهی بر روابط تجاری با کشورهای عضو این پیمان از جمله تاجیکستان داشته باشد. در این خصوص حتی از تجارت ۵۰۰ میلیون دلاری که در انتظار ایران است صحبت هایی به میان آمده است، اما از آنجایی که با تیره شدن روابط سیاسی ایران و تاجیکستان، این کشور سرمایه گذاران ایرانی را از کشور خود اخراج و اجازه سرمایه گذاری برای ایرانیان را دشوار کرد، این خاطره بد همچنان در ذهن فعالان اقتصادی باقی مانده و باعث شده است که کمتر ایرانی ای رغبتی برای ورود به اقتصاد این کشور از خود نشان دهد.

در همین خصوص رییس انجمن کشت فراسرزمینی در پاسخ به این پرسش که ما با کشور تاجیکستان اشتراکات فرهنگی و زبانی داریم آیا می توان از این ظرفیت برای توسعه کشت فراسرزمینی بهره گرفت؟ گفت: امروز با تنش های جدی آبی مواجه هستیم که این مساله باعث شده است در ایجاد امنیت غذایی در کشور با چالش هایی مواجه شویم.

علی رضوانی زاده با بیان اینکه برای پیشبرد فعالیت اقتصادی باید به مولفه های زیادی توجه کرد، افزود: با توجه به شاخص های مشخص کشورها برای کشت فراسرزمینی از سوی انجمن انتخاب می شوند. باید بگویم با توجه به مولفه های تعیین شده، کشاورزی در



نشود سرمایه گذار خود را مال باخته تصور می کند.

هیات اقتصادی تاجیکستان به مشهد سفر می کند

گفتنی است با هماهنگی سازمان توسعه تجارت ایران، استان خراسان رضوی اوایل آذرماه میزبان هیاتی متشکل از معاونان وزیران تجارت و صنعت و معادن اتاق بازرگانی تاجیکستان در مشهد خواهد بود. رییس اداره بازرگانی خارجی سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی در این خصوص گفت: به منظور تلاش برای احیای روابط گذشته ایران به ویژه استان خراسان رضوی با تاجیکستان، توسعه روابط تجاری با این کشور در اولویت برنامه های امسال اقتصادی استان قرار گرفته است. محمدعلی امیرفخریان اظهار کرد: امسال تاجیکستان دهمین مقصد صادراتی خراسان رضوی بوده و در هفت ماهه امسال ۱۱ میلیون و ۶۶۴ هزار دلار کالا از این استان به تاجیکستان صادر شده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از نظر ارزشی ۵۲۵ درصد رشد داشته است.

وی بیان کرد: با اینکه خراسان رضوی همچنان صادرات کالا از طریق ریلی و جاده ای را از مرز ترکمنستان حفظ کرده است اما مسیر ترانزیتی به تاجیکستان ظرفیت جدیدی است که این استان در تلاش برای بهره گیری مطلوب از آن است. رییس اداره بازرگانی خارجی سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی گفت: به منظور تسهیل و توسعه روابط تجاری بین ایران و تاجیکستان و آشنایی آن کشور با ظرفیت های اقتصادی خراسان رضوی، این هیات تجاری تاجیک اوایل آذرماه به مشهد سفر می کند. امیرفخریان اظهار کرد: برگزاری نشست هایی به منظور تدوین برنامه عملیاتی، بررسی مسائل و مشکلات صادرکنندگان فعال استان، ارزیابی و پایش تحقق اهداف تجارت خارجی استان با کشور تاجیکستان، برگزاری وبینار تخصصی تجارت با تاجیکستان و برنامه ریزی برای برپایی نمایشگاه ایران در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان برای این سفر در نظر گرفته شده است تا بتوان زمینه توسعه روابط تجاری با این کشور را فراهم کرد.

تاجیکستان کشوری کوهستانی و محصور در خشکی است که با حدود هشت میلیون نفر جمعیت و ۱۴۳ هزار و ۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت در آسیای مرکزی قرار دارد. این کشور با افغانستان از جنوب، ازبکستان از غرب، قرقیزستان از شمال و چین از شرق مرز مشترک دارد. شیرینی، رنگ، انواع پسته، سیمان، اکسید آلومینیم، دارو، تخم پرندگان، بیسکویت و همچنین خدمات فنی و مهندسی از مهم ترین اقلام صادراتی جمهوری اسلامی ایران به کشور تاجیکستان هستند.

برای ورود به تاجیکستان هم فکر کنیم. رضوانی زاده با اشاره به ظرفیت های تاجیکستان در بخش های دام و صنایع تبدیلی کشاورزی خاطر نشان کرد: یکی از کارویژه های کشت فراسرزمینی برای بخش خصوصی خلق ثروت است و از آنجایی که این کشور به بازار اوراسیا و چین نزدیک است می توان زمینه های تولید و صادرات را در این کشور فراهم کرد.

وی در پاسخ به این پرسش که یکی از اهداف کشت فراسرزمینی کشت محصولات آبربر در دیگر کشورها و واردات آن به ایران است اما شما سخن از کشت در دیگر کشورها و صادرات آن به کشورهایی چون چین و... مطرح کردید در این باره بیشتر توضیح دهید، گفت: همانگونه که اشاره کردم بخش خصوصی با هدف خلق ثروت در این زمینه ورود کرده است از این رو به کشت در کشورهای دیگر و صادرات آن به غیر از ایران فکر و در این زمینه نیز ورود کرده است. بنابه اظهارات این فعال اقتصادی، کشت گندم، جو، ذرت و دانه های روغنی در وسعت سه یا چهار هزار هکتار برای ما امنیت غذایی ایجاد نمی کند. ما سالیانه دو میلیون تن روغن وارد کشور می کنیم. برای تولید این میزان روغن در کشور به شش الی هفت میلیون تن دانه روغنی نیاز است. تولید این میزان دانه روغنی در تاجیکستان برای ما مقدور نیست. همان گونه که اشاره کردم در این کشور به سختی می توان زمین در مقیاس وسیع اجاره کرد.

رضوانی زاده با اشاره به بالا بودن هزینه حمل و نقل تاجیکستان گفت: هزینه حمل یک تن کالا از تاجیکستان به ایران بین ۸۰ تا ۱۰۰ دلار می شود؛ علاوه بر این سالی یک بار می توان زمین را در این کشور زیر کشت برد. این در حالی است که در ونزوئلا سالی سه بار می توان در یک زمین کشت کرد. همچنین هزینه حمل یک تن کالا از ونزوئلا تا بندر جنوبی ایران ۵۵ دلار می شود.

وی همچنین بیان کرد: نخستین شرط در آغاز روابط اقتصادی بین دو کشور ایجاد امنیت در بسترهای سرمایه گذاری است که بخش مهمی از این تعهد را باید دولت ها بدهند. اگر امنیت در سرمایه گذاری فراهم



تامین ارز ترجیحی کالاهای اساسی به مرز ۱۰ میلیارد دلار رسید

کارنامه تجارت در میانه پاییز

آغاز فعالیت دولت سیزدهم، شاهد رشد صادرات در شهریور و جهش صادرات در مهرماه بودیم؛ وعده‌هایی که متولیان تجارت خارجی در خصوص تسهیل صادرات داده بودند و مصوبه معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، تجار را نسبت به آینده امیدوار کرد و موجب شد صادرات رونق بگیرد. بخش خصوصی اخیراً از خلف وعده‌های متولیان تجارت گلایه کرده است. از این رو بخشی از کاهش صادرات در آبان‌ماه نیز شاید به ناامیدی فعالان صادراتی برمی‌گردد. علاوه بر این، آمار جالب توجهی از واردات کالاهای اساسی از سوی رئیس کل گمرک ایران اعلام شده که نشان می‌دهد در هشت‌ماه امسال ۹/۹ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی تخصیص یافته است. این در حالی است که در سال ۹۹ ارزش واردات کالاهای اساسی با ارز ترجیحی به ۹/۵ میلیارد دلار می‌رسید. بنابراین میزان واردات کالا با ارز ترجیحی رو به افزایش است.

میزان تجارت در آبان‌ماه به ۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به وزن حدود ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تن رسید. از این میزان، ۴ میلیارد دلار مربوط به صادرات و ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار مربوط به واردات است. وزن کالاهای صادراتی نیز به ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تن و وزن کالاهای وارداتی به ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تن رسیده است. بر اساس این آمار، تراز تجاری آبان‌ماه منفی ۳۰۰ میلیون دلار و به نفع واردات است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد تراز تجاری ماهانه از ابتدای سال تاکنون، یک‌ماه در میان مثبت بوده است. در مهرماه امسال ۱۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از کشورهای بازارهای هدف صادر شد. همچنین ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از کشورهای مختلف به ایران وارد شد. از این رو تراز تجاری کشور در مهرماه مثبت ۸۰۰ میلیون دلار به ثبت رسید. صادرات کالا در آبان‌ماه سال ۹۹ معادل ۱۰ میلیون و ۲۴۸ هزار تن به ارزش ۳ میلیارد و ۲۱۰ میلیون دلار بود، ولی در سال ۹۸ این ارقام ۸ میلیون و ۵۰۹ هزار تن به ارزش ۲ میلیارد و ۹۳۳ میلیون دلار ثبت شده بود. بنابراین صادرات در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به آبان ۹۹ و ۹۸ رشد داشته است. از سوی دیگر، در آبان سال گذشته ۲ میلیون و ۵۴۹ هزار تن کالا به ارزش ۳ میلیارد و ۹۲ میلیون دلار وارد کشور شده بود. واردات در آبان ۹۸ نیز معادل ۲ میلیون و ۲۶۱ هزار تن به ارزش ۳ میلیارد و ۲۷ میلیون دلار بوده است.

تجارت در هشت‌ماه

جدیدترین آمار منتشرشده از سوی گمرک ایران نشان می‌دهد، در هشت‌ماه امسال ۱۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۶۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار بین ایران و شرکای تجاری آن مبادله شد.

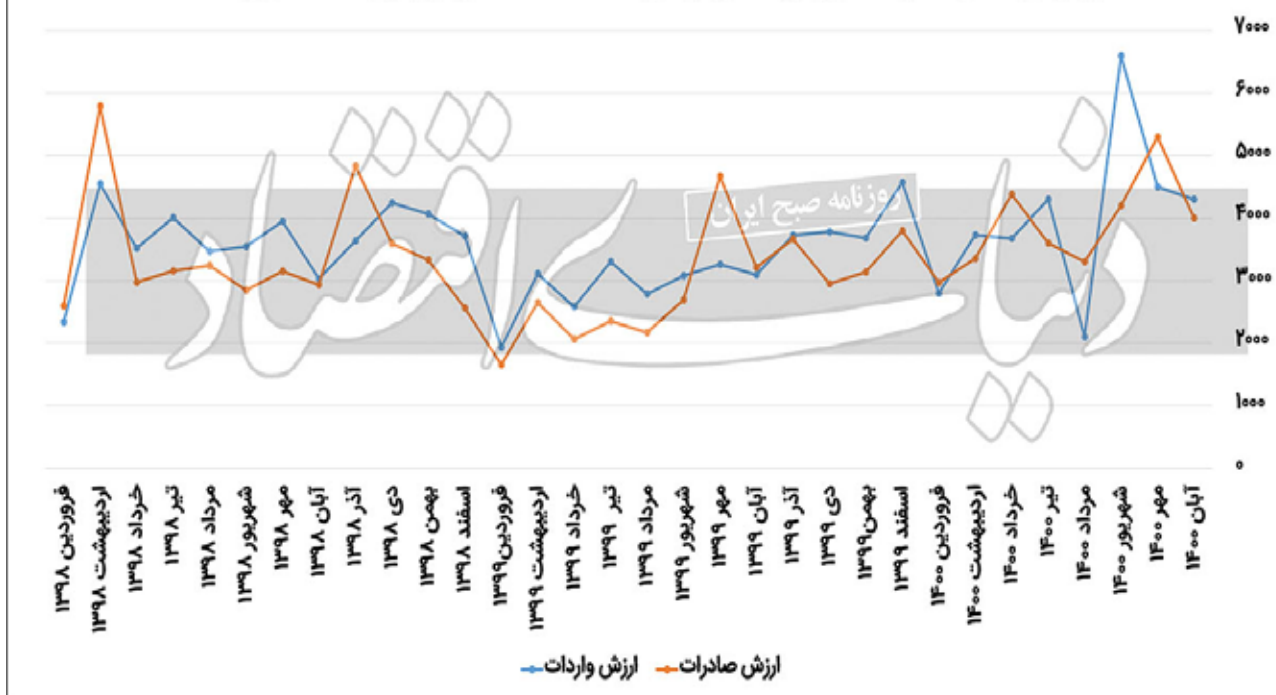
رئیس کل گمرک ایران ضمن اعلام این خبر گفت: تجارت خارجی ایران در هشت‌ماه سال ۱۴۰۰ مانند ماه‌های پیش از آن، با رشد قابل توجهی همراه بوده است. مهدی میراشرفی، اظهار کرد: مقایسه آمار هشت‌ماه تجارت خارجی کشور با مدت مشابه سال گذشته از رشد ۵/۰

کارنامه تجارت در میانه پاییز نشان می‌دهد صادرات از قله ۲۹ ماهه که در ابتدای پاییز ثبت شده بود، فرود آمده و ارزش آن در ماه آبان به ۴ میلیارد دلار رسیده است. «دنیای اقتصاد» در بررسی آمارهای گمرک، عوامل اوج و فرود صادرات در فصل سوم ۱۴۰۰ را بررسی کرد. در میانه پاییز، رقم واردات نیز با سبقت از صادرات، ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ثبت شد.

صادرات در ماه دوم پاییز نزولی شد. در آبان‌ماه سال جاری، ارزش صادرات نسبت به ماه پیش از آن (مهر ۱۴۰۰) افت کرد. این در حالی است که در مهرماه، ارزش صادرات توانست رکورد ۲۹ ماهه را بشکند و در قله بایستد. پیگیری‌های «دنیای اقتصاد» حاکی از آن است که جهش صادراتی در مهرماه حاصل صادرات یک محموله گازی بوده که هر چند ماه یک‌بار اظهارنامه‌های صادرات آنها به گمرک ارائه می‌شود. البته ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، میزان صادرات این محموله گاز مایع که در آمار صادرات مهرماه تریق شد، نزدیک به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بود. حال با حذف این کالا از آمار صادرات آبان‌ماه، ارزش صدور کالا در دومین ماه پاییز به مدار ۴ میلیارد دلار (میانگین نرمال صادرات) بازگشته است.

برخی منابع آگاه عنوان می‌کنند، صادرات گاز مایع در مهرماه، خود به تنهایی توانسته است رکورد قابل توجهی را نسبت به قبل ثبت کند. موضوع دیگری که می‌تواند در کاهش صادرات نقش داشته باشد، خلف وعده دولتمردان است که گلایه فعالان اقتصادی را به دنبال داشته است. همزمان با

ارزش واردات و صادرات کشور در یک دوره زمانی ۳۲ ماهه حد فاصل فروردین ۱۳۹۸ تا آبان ۱۴۰۰



۱۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تن به ارزش ۹ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، عراق با ۲۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تن به ارزش ۶ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، ترکیه با ۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تن به ارزش ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار، امارات متحده عربی با ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تن به ارزش ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار و افغانستان با ۳ میلیون تن کالا به ارزش یک میلیارد و ۲۷۰ میلیون دلار بودند. وی تصریح کرد: در بحث واردات نیز کشورمان در هشت ماه سال جاری ۲۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۳۲ میلیارد دلار از کشورهای مختلف وارد کرده است که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، از لحاظ وزن ۲۱ درصد و از نظر ارزش ۳۸ درصد رشد نشان می دهد.

به گفته رئیس کل گمرک ایران، پنج کشور طرف معامله واردات با ایران به ترتیب امارات متحده عربی با ۸ میلیون تن کالا به ارزش ۱۰ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، چین با ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن به ارزش ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، ترکیه با ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن به ارزش ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، آلمان با ۵۴۹ هزار تن به ارزش یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار و سوئیس با یک میلیون و ۳۰۰ هزار تن به ارزش یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار بوده اند. همچنین از کل واردات کشور در مدت مذکور ۲۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تن به ارزش ۱۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار مربوط به واردات کالاهای اساسی است که ۷۵ درصد از وزن و ۳۸ درصد از ارزش کل واردات را به خود اختصاص داده و از این میزان نیز ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تن به ارزش ۹ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بارز ترجیحی بوده است.

میراشرفی همچنین گفت: در هشت ماه سال جاری ۸ میلیون و ۱۰۱ هزار تن کالا از قلمرو ایران ترانزیت شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۸۰ درصد رشد داشته و حتی از میزان ترانزیت کل سال ۹۹ یا کل سال ۹۸ بیشتر بوده است. این امر به نوبه خود رکورد تازه ای برای عبور کالا از ایران به حساب می آید.

میزان تجارت در آبان ماه به ۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به وزن حدود ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تن رسید. از این میزان، ۴ میلیارد دلار مربوط به صادرات و ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار مربوط به واردات است. وزن کالاهای صادراتی نیز به ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تن و وزن کالاهای وارداتی به ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تن رسیده است.

۴۳ درصدی در وزن و ۴۰ درصدی در ارزش دلاری کالاها حکایت دارد.

وی افزود: از میزان ۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کالای مبادله شده در این مدت، ۸۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تن را صادراتی به ارزش ۳۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار تشکیل می دهد که نسبت به مدت مشابه سال قبل از لحاظ وزن ۱۰/۵ درصد و از حیث ارزش ۴۲ درصد افزایش یافته است.

وی در توضیح عمده اقلام صادراتی کشور اظهار کرد: محصولات پتروشیمی با ۳۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تن به ارزش ۱۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ۴۷ درصد از وزن و ۴۳ درصد از ارزش مجموع صادرات کشور را در این مدت به خود اختصاص داده است. میراشرفی اضافه کرد: پنج مقصد مهم صادرات کالاهای ایرانی به ترتیب چین با

تحقیق پیرامون بیمه های گردشگری جهان

نگاهی به صنعت گردشگری و بیمه آن

زهرا پزشکی

و ۵].

صنعت گردشگری به دلیل شیوع ویروس کرونا، متحمل خسارات قابل توجهی شده است. این خسارات بر روی افراد و شرکتهای بیمه ای بیشتر از هر جای دیگر تأثیر گذاشته اند. در حقیقت، شرکتهای بیمه ای به خاطر رکود اقتصادی و ضرورت پرداخت غرامت بیمه به مردم (از جمله مسافران) و سایر شرکتهای متحمل خسارات زیادی گردیدند. در سال ۲۰۱۹، بخش مسافرت و جهانگردی تقریباً ۴/۵ تریلیون دلار متحمل ضرر شد که در سال ۲۰۲۰ این ضرر به ۴/۷ تریلیون دلار افزایش یافت. از این جهت، سهم بخش مسافرت و جهانگردی در تولید ناخالص داخلی نسبت به سال ۲۰۱۹ به ۴۹/۱ درصد کاهش یافت که با توجه به کاهش ۳،۷ درصدی تولید ناخالص داخلی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰ رقم زیادی به شمار می رود (جدول ۱ را مشاهده نمایید) [۱ و ۲].

بازار بیمه های گردشگری و بهترین بیمه ها

صنعت گردشگری، بیمه گردشگری خود را بر اساس پوشش بیمه ای به صورت تک سفره، چند سفره سالانه و طولانی مدت، از طریق کانالهای توزیعی مثل واسطه گران بیمه ای، شرکت های بیمه، بانک ها، کارگزاری ها و تجمیع کنندگان بیمه در بازار به فروش می رسانند. مشتریان این بیمه هم اغلب شهروندان میانسال تا مسن، دانشجویان، تاجر و خانواده ها و بعد سایرین هستند. برخی کانال های توزیع از قبیل تجمیع کنندگان بیمه، بانک ها، کارگزاری ها از گزینه های مختلفی جهت مقایسه محصولات و قیمتها برای مشتریان خود برخوردارند. آنها با استفاده از سیاست گذاری های مناسب که در پوشش های بیمه نامه ای قید گردیده اند، طرحهای مختلفی را در اختیار شهروندان قرار می دهند. در این میان، گزینه های دیگری مثل سایت های خطوط هوایی، آژانس های مسافرتی برخط، وبسایتها و برنامه های کاربردی هم وجود دارند که علاوه بر رشد گردشگران به رشد بازار بیمه گردشگری هم کمک نموده اند. در سال ۲۰۱۹، ارزش بازار بیمه گردشگری جهان به ۱۹/۲ میلیارد دلار رسید. پیش بینی هان نشان می دهند که ارزش این بازار تا سال ۲۰۲۷ به ۳۹/۳ میلیارد دلار برسد. در آسیا و اقیانوسیه نیز انتظار می رود که ارزش بازار گردشگری به ۹/۸۷۵ میلیارد دلار برسد [۳ و ۴].

پوششهای بیمه گردشگری معمولاً در دو نوع بازار که اغلب به عنوان خرده فروشی و عمده فروشی شناخته می شوند، توسعه داده می شوند. بازار خرده فروشی بیمه گردشگری لزوماً با هیچ محصول مسافرتی خاصی در ارتباط نیست و به طور کلی پوششهای قبل و بعد از سفر را در بر می گیرد. این بازار عمدتاً از گزینه هایی مثل آژانسهای مسافرتی، سایتهای خطوط

صنعت گردشگری یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی جهان محسوب می شود. خیلی از کشورها از این صنعت به منظور توسعه اقتصادی و افزایش شهرت خود استفاده می کنند. خدمات گردشگری حوزه های متنوعی را در بر می گیرند که یکی از این حوزه ها بیمه گردشگری است. بیمه گردشگری یکی از مهمترین مؤلفه هایی است که هر گردشگر پیش از مسافرت باید آن را نیز جزو اولویتهای برنامه ریزی خود قرار دهد. این بیمه گردشگران را از خطرات مالی و مشکلات خاصی که در طی سفر ممکن است برای آنان پیش آید، محافظت می کند، چون مخارجی که بدون بیمه بر دوش گردشگران می افتد می تواند هنگفت یا جزئی باشد. بیمه گردشگری که به آن «بیمه مسافرت» نیز گفته می شود انواع مختلفی از پوششهای بیمه ای اعم از حوادث، درمانی، لغو سفر، وقفه سفر، تأخیر حمل و نقل، اموال شخصی و خودرو را در بر می گیرد. بیمه درمانی گردشگری که مهمترین پوشش بیمه در بیمه گردشگری به حساب می آید می تواند هزینه های اولیه خدمات فوری پزشکی به ویژه حمل و نقل بیمار، هزینه داروها و یا حوادث مرگبار تحت پوشش خود قرار دهد. در حال حاضر مراقاتهای پزشکی اورژانسی که کووید-۱۹ را با تست PCR و بدون PCR پوشش می دهند هم به بیمه درمانی گردشگری اضافه گردیده اند [۱

آگاهی گردشگران از این بیمه بستگی دارد و لذا این صنعت تلاش می کند تا با حمایت از کارکنان خود مثلاً با دور کاری زمینه های ارتباطی بهتری را فراهم آورده و جلوی تأثیر منفی این نگرانی را بگیرد.

برترین بازیگران کلیدی فعال در زمینه عرضه بیمه گردشگری به شرح ذیل می باشند [۳]:

1. Cat 70
2. Allianz Group
3. American International Group
4. Assicurazioni Generali SPA
5. HTH Worldwide
6. Tin Leg
7. USIAffinity Travel Insurance Service
8. Zurich Insurance
9. Insure & Go Insurance Services Limited
10. Travel Insured International
11. AXAAssistance USA
12. John Hancock Insurance Agency
13. Trawick International
14. April
15. TravelSafe Insurance

پوششهای بیمه گردشگری

همانطور که قبلاً اشاره شد بیمه گردشگری که به آن بیمه مسافرت نیز گفته می شود انواع مختلفی از پوششهای بیمه ای اعم از حوادث، درمانی، لغو سفر، و قفله سفر، تأخیر حمل و نقل، اموال شخصی و خودرو در بر می گیرد که در ذیل تک تک آنها شرح داده می شوند [۵]:

- درمانی: در این نوع پوشش، بیمه نسبت به بازپرداخت هزینه های پزشکی غیر منتظره ناشی از آسیب یا بیماری در حین سفر اقدام می نماید. در زمان اضطراری و نیاز به فوریتهای پزشکی نیز بیمه مبادرت به ارائه حمل و نقل تخصصی مثلاً ارسال آمبولانس هوایی (با هوایما یا هلیکوپتر) می کند.
- حوادث: در این نوع پوشش، بیمه اقدام به فراهم نمودن وسایل حمل و نقل برای بیمه

و وسایتهای و برنامه های کاربردی تشکیل می شود. بازار عمده فروشی بیشتر بر روی پوششهای بیمه ای پس از سفر تمرکز دارد. این بازار، پوشش بیمه ای خود را همراه با محصولات مسافرتی خود به فروش رسانده و تنها به افرادی ارائه می گردد که محصول اصلی را خریداری نمایند. از این رو این بازار، کنترل کانال توزیع بیمه گردشگری را به طور انحصاری در دست خود گرفته است. یکی از مشکلات این بازار این است که قیمت های آن برای مشتریان بیمه زیاد شفاف نبوده و عمدتاً بالا هستند و همین امر سبب شده است که مشتریان این صنعت به دو دلیل راحتی و هزینه های کمتر به سمت بازار خرده فروشی سوق داده شوند. چون خرید پوشش بیمه گردشگری همراه با خرید یک سفر اغلب برای مسافران خوشایند نیست. از طرف دیگر کم هزینه بودن پوشش بیمه هم ممکن است برای بیمه گرانی که به طور جداگانه بیمه نامه ها را پذیره نویسی می کنند مقرون به صرفه نباشد و آنها را به سمت فروش این محصولات به هر کسی که تمایل به خرید آن را دارد، بکشاند. همین امر به خاطر عدم مدیریت محصولات و قیمت گذاری می تواند جلوی رشد حق بیمه ها را بگیرد. لذا در حال حاضر یکی از نگرانیهای اصلی صنعت گردشگری، عدم آگاهی گردشگران نسبت به بیمه گردشگری، تجارب کم گردشگران نسبت به پوشش بیمه ها و ارائه نرخ حق بیمه و خدمات توسط شخص ثالث می باشد که رشد حق بیمه ها را محدود ساخته اند. لذا این صنعت با روی آوردن به فناوریهای مثل رابط برنامه های کاربردی، هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل داده ها، بلاکچین و سیستم موقعیت یاب جهانی به دنبال ارائه اطلاعات بیشتر برای گردشگران، رفع نیازهای آنها مثلاً با سهولت خرید همراه با سفارشی سازی فردی، محاسبه ریسک (بر اساس سن، هزینه سفر، طول مدت سفر، مقصد، رزرو جا، ماه و یا فصل حرکت، تعداد سفرها)، شناسایی تقلب و فرصتهای بیشتر از جمله سودآوری برای این بازار است [۳ و ۵].

نگرانی دیگر کوید-۱۹ است که بر رشد بازار بیمه گردشگری تأثیر منفی گذاشته است. جلوگیری از روند این تأثیر به افزایش

جدول ۱. کل سهم سفر و گردشگری در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ [۲]						
کل سهم سفر و گردشگری (%)	بررسی منطقه ای در سال ۲۰۱۹					
	آسیا-اقیانوسیه	خاورمیانه	آفریقا	اروپا	آمریکای لاتین	کشورهای حوزه دریای کارائیب
تولید ناخالص داخلی	۹/۹	۸/۹	۶/۹	۹/۵	۸/۱	۱۴/۱
استخدام	۱۰	۸/۹	۶/۵	۱۰/۱	۸	۱۵/۴
کل سهم سفر و گردشگری (%)	بررسی منطقه ای در سال ۲۰۲۰					
	آسیا-اقیانوسیه	خاورمیانه	آفریقا	اروپا	آمریکای لاتین	کشورهای حوزه دریای کارائیب
تولید ناخالص داخلی	-۵۳/۷	-۵۱/۱	-۴۹/۲	-۵۱/۴	-۴۱/۱	-۵۸
استخدام	-۱۸/۴	-۱۷/۴	-۲۹/۳	-۹/۳	-۲۳/۴	-۲۴/۷



شناخته می شوند. بیشتر بیمه نامه های شخصی □&□ می توانند توسط بیمه گذار تمدید، لغو یا توسط بیمه گر لغو گردند. به علاوه، حق بیمه این بیمه نامه ها معمولاً بر مبنای تاریخ اجرای قرارداد تا انقضای بیمه نامه محاسبه می شوند. پوششهای بیمه گردشگری هم ممکن است به طرق مختلف مثلاً بازپرداخت (یعنی بیمه با توجه به هزینه های خاص انجام شده نسبت به پرداخت آن مبادرت نماید) یا به عنوان یک غرامت (یعنی بیمه مبلغ ثابتی را در صورت بروز اختلال خاص در سفر، مانند تأخیر، تغییر در برنامه سفر و غیره پرداخت می کند) در بیمه نامه قید گردند که خط مشیهای متفاوتی را پیش می گیرند: مثلاً یک پوشش درمانی ممکن است زمانی که مسافری بیمار می شود، ارائه شود، درحالی که پوشش درمانی دیگر ممکن است پوشش خود را به صورت گروهی یعنی زمانی که بستگان مسافر، همراه یا مراقب بیمار، بیمار می شوند، ارائه دهند. شکل ۱ بیشترین پوششهای بیمه گردشگری که در سال ۲۰۲۱ در دنیا مورد استفاده قرار گرفته اند را نشان می دهد

نگاهی به پوششهای بیمه گردشگری دنیا برای سفر به ایران

به دلیل تحریمهای اعمال شده توسط ایالات متحده به ایران، خیلی از شرکتهای بیمه گردشگری اعم از آمریکایی، استرالیایی و اروپایی، پوششی برای بیمه مسافرت برای سفر

شده ای که در طول سفر فوت نموده است، می کند.

• لغو سفر: در این نوع پوشش، بیمه هزینه هایی که قبلاً پرداخت شده و استرداد نشده اند را پرداخت می نماید.

• وقفه سفر: در این نوع پوشش، بیمه هزینه های اضافی یا هزینه های پیش پرداخت نشده (مانند گشت و گذار، هتل و غیره) که به دلیل بازگشت زودتر از موعد به وجود می آیند را پرداخت می نماید.

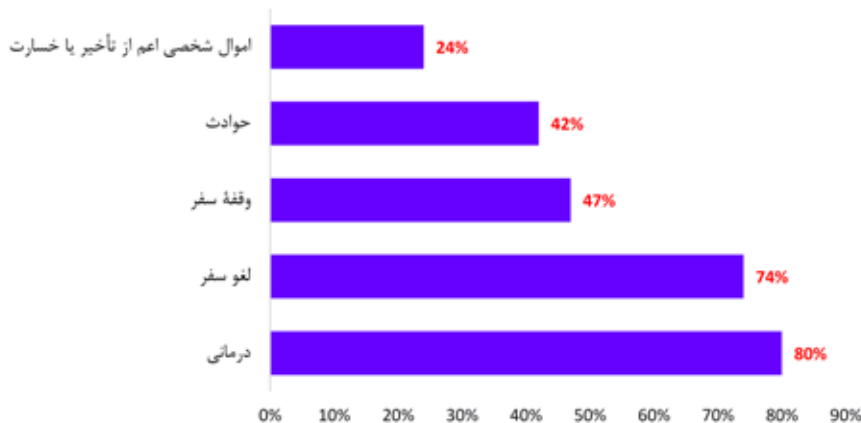
• تأخیر حمل و نقل: در این نوع پوشش، بیمه هزینه های ایجاد شده به دلیل تأخیر را پرداخت می کند.

• اموال شخصی اعم از تأخیر یا خسارت: در این نوع پوشش، بیمه برای جایگزینی وسایل شخصی آسیب دیده یا گم شده در طول سفر اقدام به پرداخت می نماید. در صورت تأخیر نیز اقدام به پرداخت هزینه های اضافی برای جایگزینی وسایل شخصی که در زمان مورد نظر به مقصد نرسیده اند، می نماید.

□ خودرو: در این نوع پوشش، بیمه مبادرت به بازپرداخت مبالغ پرداختی به نمایندگی اتومبیل اجاره ای به دلیل آسیب دیدن یا از دست دادن اتومبیل اجاره ای می نماید.

در این بین پوششهای درمانی و حوادث به عنوان □&□ و سایر پوششها با عنوان □&□

بیشترین پوششهای بیمه گردشگری مورد استفاده در سال ۲۰۲۱



پیامدهای ظهور طالبان

۳. با تداوم تحریمهای ایران که سبب کاهش صادرات ایران به افغانستان از نزدیک به ۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ به حدود ۱,۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ شده است، توان رقابتی ایران با پاکستان در حوزه اقتصادی کاهش یافته است.

۴. فارغ از روندهای میان مدت و بلندمدت، بایستی این آمادگی وجود داشته باشد که در کوتاه مدت، روند صادرات کالاهای مصرفی و کالاهای واسطه ای ایران به افغانستان دچار اختلال شود. ظهور بازیگران جدید و فرسایش اقتصاد افغانستان مهمترین دلایل این وضعیت هستند. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط گمرک ایران، در شش ماهه نخست امسال صادرات ایران به افغانستان ۲۵ درصد وزن و ۱۰ درصد در ارزش در مقایسه با مدت مشابه سال قبل کاهش پیدا کرده است. این به آن معناست که در کوتاه مدت، به روشنی روابط تجاری دو کشور از وضعیت افغانستان به شکل منفی تأثیر پذیرفته است.

۵. در حوزه صادرات سوخت، ایران هژمونی نسبی خود را حفظ خواهد کرد و در زمینه صادرات برق نیز، در کوتاه مدت آسیب چندانی پیشبینی نمی شود. آینده روابط اقتصادی دو کشور در این حوزه در گرو حفظ توان تولیدی و صادراتی ایران، شیوه رفتار بازیگران جدید و آینده دو پروژه تاپی و کاسا ۱۰۰۰ است. در هر حال، مزیت های نسبی ایران در این حوزه آسیب پذیری کمتری خواهند داشت. اگرچه سهم ایران از بازار افغانستان از ۵۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به حدود ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته و در جایگاه دوم بعد از ترکمنستان قرار گرفته است، برتری ایران در تأمین بنزین و گاز و تیل افغانستان پابرجاست که مزیت استراتژیک برای ایران را به دنبال دارد.

۶. در بلندمدت چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ استراتژیک، یکی از مهمترین مسائل ایران در مورد تحولات افغانستان به آینده بندر و پروژه ترانزیتی چابهار مربوط می شود. چابهار برای ایران هم یک دستاورد مهم اقتصادی بود و هم ارزش استراتژیک و ژئواکونومیک بالایی برای توسعه روابط با شرق و آسیا، به جز چین داشت. ایران منافع زیادی در درگیر کردن هند در منطقه دارد و هند نیز اشتیاق زیادی برای حضور در خلیج فارس و آسیای مرکزی دارد.

۲۷ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته و در جایگاه دوم بعد از ترکمنستان قرار گرفته است، برتری ایران در تأمین بنزین و گاز و تیل افغانستان پابرجاست که مزیت استراتژیک برای ایران را به دنبال دارد.

۶. در بلندمدت چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ استراتژیک، یکی از مهمترین مسائل ایران در مورد تحولات افغانستان به آینده بندر و پروژه ترانزیتی چابهار مربوط میشود. چابهار برای ایران هم یک دستاورد مهم اقتصادی بود و هم ارزش استراتژیک و ژئواکونومیک بالایی برای توسعه روابط با شرق و آسیا، به جز چین داشت. ایران منافع زیادی در درگیر کردن هند در منطقه دارد و هند نیز اشتیاق زیادی برای حضور در خلیج فارس و آسیای مرکزی دارد. وضعیت جدید افغانستان هم به لحاظ اقتصادی و هم استراتژیک، این امکان را به طور بالقوه به چالش میکشد. یک سناریوی معتبر، جایگزین کردن افغانستان با ترکمنستان و امتداد مسیر از چابهار تا زبکستان خواهد بود تا به این ترتیب، بدون عبور از افغانستان، این مسیر ترانزیتی دریای عمان و اقیانوس هند را به آسیای مرکزی متصل نماید.

گردشگران به ایران ارائه نمی دهند. از طرفی کسانی که قصد دریافت ویزای ایران را دارند باید حتماً بیمه نامه معتبر مسافرتی به همراه خود داشته باشند. لذا تمام گردشگران از سرتاسر دنیا باید قبل از صدور ویزا اقدام به خرید بیمه گردشگری نمایند. در این میان بهترین شرکتهایی که در حال حاضر اقدام به ارائه بیمه گردشگری برای گردشگران جهت سفر به ایران می نمایند به شرح ذیل هستند:

۱. IATI Insurance: یک شرکت بیمه گردشگری است که در اروپا مستقر است و تقریباً به هر فردی در جهان اعم از آسیایی، آمریکایی و کانادایی پوششهای بیمه مسافرت را ارائه می نماید.

۲. True Traveller: این شرکت بیمه گردشگری تنها اروپاییان را تحت پوشش بیمه مسافرت برای سفر به ایران قرار می دهد.

۳. IstQuest: این شرکت بیمه گردشگری یک ارائه دهنده بیمه محلی است که مسافری از سرتاسر دنیا را از طریق وبسایت خود تحت پوشش بیمه مسافرت درمی آورد.

ایران خود نیز برای مسافرت ایرانیان به خارج از کشور و داخل کشور مبادرت به ارائه پوشش بیمه های گردشگری می نماید و بیمه نامه های مسافرت برای سفرهای داخلی فقط مشمول حوادث و درمانی هستند.

M. Diakonidze, Tourism Insurance [1] Market, Risks and Prospects: The Case Study, Journal of Corporate Governance, Insurance, and Risk Management (JC-GIRM), Vol. 8, pp. 75-83, 2021

WTTC, <https://wttc.org/>, 2020 [2] <https://www.alliedmarketresearch.com/travel-insurance-market> [3]

<https://www.alliedmarketresearch.com/asia-pacific-travel-insurance-market> [4]

Travel Insurance an Actuarial Perspective, American Academy of Actuaries

.Travel Insurance Task Force, 2018 Against the Compass, <https://again-st-the-compass.com/en/about-against-the-compass> [6]

Statista, <https://www.statista.com/statistics/495623/resason-for-booking-travel-insurance-worldwide> [7]

خشکسالی چگونه فردایی برایمان رقم زده است؟

نااطمینانی آبی

سروش کیانی قلعه سرد / دکترای اقتصاد

مقدوریت‌های موجود در اقلیم خود توانسته است حیات خود را تداوم ببخشد. اما بحران از جایی آغاز شد که انسان پس‌اصنعتی با تغییرات عمده‌ای که در ابعاد گوناگون زندگی خود ایجاد کرد با رشد جمعیت و افزایش تقاضایی که در پی آن ایجاد شد، با مساله‌ای جدی به نام تامین غذا مواجه شد. در پاسخ به این مساله بود که تولید محصولات کشاورزی به شدت افزایش یافت. در نتیجه این امر نیاز به آب مصرفی در این بخش نیز به همین شدت افزایش یافت و این مساله به ویژه در کشورهای دارای اقتصاد مبتنی بر کشاورزی که قوانین مشخصی در خصوص استفاده از منابع آبی به خصوص در زمینه قیمت‌گذاری نداشته‌اند (و هنوز هم بسیاری ندارند) شدت بیشتری داشت و به تخریب منابع آبی این کشورها منجر شد. روند تخریب منابع آبی در ازای تولید بیشتر محصولات کشاورزی که در بسیاری از کشورهای فوق‌الذکر غیر اقتصادی بوده، طی چند قرن اخیر نه تنها متوقف نشد یا کاهش نیافت بلکه به‌طور فزاینده‌ای نیز افزایش یافته است. این روند فزاینده به گونه‌ای بوده است که به یقین می‌توان گفت در بسیاری از کشورها مانند ایران، منابع آب در برابر کشاورزی هیچ‌گاه در اولویت نبوده و به آسانی قربانی شده است. استفاده نامحدود و بی‌ضابطه از منابع آبی و نبود قیمت‌گذاری آب به گونه‌ای بوده است که منابع آبی ایران را به یکی از پرچالش‌ترین دوران‌های خود رسانده است. تخریب و تضعیف این منابع به خاطر کشاورزی بیشتر، از سوی دیگر کشاورزی را متاثر ساخته و باعث شده تولیدات کشاورزی به دلیل یکی از اساسی‌ترین کمبودهای خود یعنی کمبود منابع آبی کاهش چشم‌گیری داشته باشند. از این رو می‌توان گفت در خلأ یک حکمرانی صحیح در بخش‌های آب و کشاورزی این دو بخش در نقش دو عامل مخرب برای یکدیگر عمل کرده و قربانی یکدیگر شده‌اند.

ورشکستگی آبی و تراژدی منابع مشترک

تراژدی منابع مشترک که همان‌گونه که از نام آن پیداست تراژدی استفاده بی‌حد و مرز از منابع مشترک است، خود برآمده از یک تراژدی دیگر به نام «تراژدی عدم درک محدودیت منابع» است. نه تنها تراژدی منابع مشترک بلکه بسیاری دیگر از تراژدی‌های زیستی برآمده از همین تراژدی ریشه‌ای نشأت گرفته‌اند. چرا که در سایه عدم درک محدودیت منابع است که بیش از توان و ظرفیت‌های محیطی به استخراج منابع طبیعی پرداخته شده و در نتیجه آن بسیاری از این منابع به مرور تخریب شده و از بین می‌روند. شاید بسیاری از ابعاد این تخریب برای عموم مردم به وضوح مشخص نباشد اما تخریب و تضعیف منابع آبی که به ایجاد بحران‌های جدی آبی برای مردم مناطق مختلف کشور منجر شده است، به خوبی ملموس و عینی است. در واقع ورشکستگی آبی خود یکی از اصلی‌ترین مظاهر این تراژدی است که مطابق آخرین آمار و اطلاعات موجود از وضعیت منابع آبی کشور به‌طور جدی وجود دارد.

امنیت آبی به عنوان یکی از مهم‌ترین الزامات و ارکان حیات بشری نه تنها خود از اهمیت بسیار بالایی در شکل‌گیری و تداوم تمدن‌ها برخوردار است بلکه وجود آن متضمن سایر جنبه‌های امنیت مانند امنیت غذایی بوده است. از سوی دیگر این امنیت خود متاثر از سایر جنبه‌های امنیت است و تلاش در جهت تامین سایر جنبه‌های امنیت مانند امنیت غذایی بدون توجه به آن، آسیب‌های جدی و گاه غیر قابل بازگشتی خواهد داشت. با وجود این ترجیح بسیاری از سیاستگذاران همواره بر این است که با خوش‌بینی‌ای که نسبت به شرایط اقلیمی به‌ویژه در زمینه متغیرهای آب و هوایی مانند بارندگی دارند، چندان نگرانی بابت امنیت آبی نداشته و جنبه‌های دیگر امنیت به‌ویژه امنیت غذایی را در اولویت خود قرار دهند. این مساله به‌ویژه در اقتصادهای دولتی غیرعلاقه‌مند به تجارت و معتقد به خودکفایی نمود بیشتری داشته و دارد. اما این مساله در ایران چه ابعادی داشته است و تقابل امنیت آبی با دیگر ابعاد امنیتی چه اثراتی بر اقلیم ایران به‌ویژه منابع طبیعی آن داشته است؟

کشاورزی و آب: قربانی یکدیگر

مانند سایر جنبه‌های فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزی متاثر از آب بوده و اصولاً بدون آب فاقد موضوعیت است. از زمان پیدایش کشاورزی تاکنون انسان از آب‌های موجود در این فعالیت بهره برده و با محدودیت‌ها و



بر اساس این آمار مصرف کل آب سالانه در ایران در حدود ۹۶ میلیون متر مکعب است در حالی که کل منابع موجود آب‌های تجدیدپذیر کشور ۹۰ میلیون متر مکعب است. شش میلیون متر مکعب کسری آبی که به خوبی ورشکستگی منابع آبی کشور را در پی تراژدی منابع مشترک نشان می‌دهد.

شوک خودکفایی

تامین تمامی کالاهای مورد نیاز حالت آرمانی و تامین کالاهای ضروری در کشور، حالت مطلوب اقتصادهای دولتی است. در چارچوب‌های فکری این اقتصادها نیاز به تامین کالاها از دیگر کشورها باید به حداقل خود برسد و مفاهیمی چون مزیت مطلق و مزیت نسبی در تولید فاقد موضوعیت است. در چنین شرایطی و با رویکرد جهان‌گریزی، منابع طبیعی قابلیت استفاده به هر قیمت و شرایطی در تولید را دارند. یکی از مهم‌ترین محصولات کشاورزی که چنین اقتصادهایی به تولید آن معتقدند گندم است. مساله‌ای که طی چند دهه اخیر در ایران باعث شد منابع آبی بسیار زیادی در پایین‌ترین سطح بهره‌وری مورد استفاده قرار گرفته و بالاترین هزینه تمام‌شده تولید گندم با هدف خودکفایی در کشور صورت بگیرد. نتیجه این امر شوک شدید به منابع آبی کشور بوده که در پی سیاست‌های مشوقی و یارانه‌ای در این بخش به وجود آمده و همچنان ادامه دارد. استراتژیک تلقی شدن کالاهایی چون گندم توجه‌کننده اقدامات این چنینی و امکان عدم همکاری دیگر کشورها در تامین آن در چنین اقتصادی همواره یک خطر محسوب می‌شود. این تصور در حالی است که در یک اقتصاد آزاد چنین امری کمتر به وقوع می‌پیوندد. در واقع تنوع کشورهای تولیدکننده محصولات کشاورزی به گونه‌ای است که کمتر امکان چنین رویدادی وجود دارد. تجربه تحریم غلات علیه شوروی توسط آمریکا در سال ۱۹۸۰ که توسط کشورهای جایگزین تامین شد نشان داد که چنین امری به راحتی امکان‌پذیر نیست و بازار محصولات کشاورزی به راحتی امکان جایگزین‌سازی دارد. این مساله در حالی است که نقش کشوری مانند آمریکا در بازار گندم از ۳۴ درصد در سال ۱۹۹۴-۱۹۹۳ به متوسط پنج درصد طی پنج سال اخیر رسیده است. در حال حاضر ۱۰ کشور دیگر ۹۰ درصد بازار گندم را در اختیار دارند که تعداد زیادی از این کشورها (کشورهای آمریکای

جنوبی و آسیایی) روابط دوستانه و خوبی با ایران دارند. با وجود این سیاست کلی نظام تصمیم‌گیری دولتی در ایران همچنان بر اولویت تولید گندم بر حفظ منابع آبی کشور است.

بحران آب و کشاورزی در ایران

بررسی آمار و اطلاعات موجود در بخش منابع آب ایران نشان می‌دهد که وضعیت این منابع نگران‌کننده بوده و یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور طی سال‌های آینده مساله آب خواهد بود. تاکید بر کشاورزی مبتنی بر منابع آب زیرزمینی به ویژه در فلات مرکزی ایران یک تهدید جدی در زمینه بحرانی‌تر شدن وضعیت منابع آب ایران طی این دوران خواهد بود. چرا که نرخ تغذیه و تجدیدپذیری آبخوان‌ها بسیار کمتر از نرخ برداشت و استفاده از این منابع بوده و امکانی در جهت احیای آنها با توجه به شرایط فعلی وجود ندارد. بر اساس آمار موجود تعداد حلقه چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق حفر شده طی دو دهه اخیر از ۶۹,۰۸۵ حلقه در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به تعداد ۷۹۴ هزار حلقه در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ رسیده است. آماري که به خوبی نشان می‌دهد عطش توسعه ناپایدار و ناکارای کشاورزی به چه شکل منابع آبی کشور را با سیر صعودی از بین می‌برد. امری که خود به مرور نه تنها موجب از بین بردن کشاورزی خواهد شد، بلکه زیست این مناطق را قربانی خود خواهد ساخت. از این رو در صورت تداوم شرایط فعلی دور از ذهن نیست که مناطق مرکزی ایران نه تنها باید کشاورزی خود را پایان یافته تلقی کنند بلکه خود را برای یک پایان زیستی آماده سازند.

نجات منابع آبی؛ نجات حیات ملی

تغییر در شرایط نیازمند اتخاذ تصمیمات دشواری از جهت سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی کشور است که در ادامه به تعدادی از این تصمیمات اشاره می‌شود:

۱- پذیرش مساله: شاید نخستین پیش‌نیاز در جهت رفع مسائل و مشکلات منابع آبی ایران پذیرش مساله و مشکل است. تا زمانی که مساله در هیچ یک از سطوح کم‌آبی، ورشکستگی آبی، تنش آبی و بحران آبی مورد پذیرش قرار نگیرد و نگاه بلندمدت به حیات سرزمینی به جای نگاه کوتاه‌مدت تامین تمام کالاها در کشور قرار نگیرد، تغییر مثبتی در شرایط منابع آبی کشور ایجاد نخواهد شد. به عبارت دیگر پس از پذیرش مساله است که می‌توان به سیاستگذاری در جهت رفع کل یا بخشی از این بحران امیدوار بود. امری که حداقل در نوع گفتار و همچنین عملکرد مدیران آبی کشور دیده نمی‌شود.

۲- کاهش مصرف آب در کشاورزی باروش‌های نوین: ورود به مساله مصرف منابع آب حیاتی‌ترین و مهم‌ترین موضوع در تغییر شرایط منابع آب کشور است. پایین بودن سطح کارایی آب به ویژه در بخش کشاورزی ضرورت تغییر رویکرد در سیستم‌های آبیاری را می‌رساند. پایین بودن سطح آبیاری مکانیزه به دلایل مختلفی از جمله خرده‌مالکی، بالا بودن هزینه‌های آبیاری تحت فشار، پایین بودن سطح درآمد کشاورزان، عدم آموزش و مسائلی از این دست باعث شده تا سطح اراضی تحت آبیاری مکانیزه در ایران بسیار پایین باشد. از این رو تغییر این



شرایط به نفع توسعه آبیاری‌های کارآمد باید جزو اصلی‌ترین برنامه‌های مدیریتی کشور باشد.

۳- وقتی برای قیمت‌گذاری: قیمت‌گذاری منابع آب امر ضروری دیگری است که در صورتی که عزمی برای تغییر شرایط اقلیمی ایران باشد باید مورد توجه قرار گیرد. رایگان بودن مصرف آب کشاورزی به طرز جبران‌ناپذیری در اتلاف و استفاده ناکارایی رویه منابع آبی کشور موثر بوده است.

۴- استفاده از ظرفیت آب‌های خاکستری: ورود به عرصه آب خاکستری گزینه دیگری در جهت تغییر شرایط منابع آبی کشور است. در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه باز چرخانی آب و استفاده مجدد از آب استفاده شده به شدت مورد تأکید و استفاده است، این امر در ایران در حداقلی‌ترین وضعیت خود قرار دارد و در عدم استفاده از این پتانسیل آبی حجم بالایی از منابع آبی کشور از دست می‌رود. تغییر در این رویکرد و استفاده از این منابع خود می‌تواند تغییری اساسی در منابع آبی کشور داشته باشد.

ریشه اجماع و اختلاف در مساله آب ایران کجاست؟

از مقاومت در پذیرش مساله می‌توان به عنوان یکی از بارزترین خصایص مدیریتی در ایران نام برد. فارغ از نوع و ساختار دولت‌ها، کمتر دولتی را در صد سال اخیر می‌توان یافت که در برابر پذیرش وجود مسائل مقاومت نکرده باشد و قبل از تبدیل مسائل به بحران به چاره‌اندیشی در مورد حل آن اقدام کرده باشد. مساله‌ای ساختاری و تاریخی که پیش از هر چیزی به ضعف سیاست‌گذاری در ایران برمی‌گردد و عامل ایجاد بسیاری از چالش‌ها و بحران‌های جدی کشور طی این سال‌ها بوده است. در صورت عدم چاره‌اندیشی در حل مسائل همان‌گونه که از مسیر طبیعی آن انتظار می‌رود با تبدیل شدن به چالش و در ادامه به بحران و عینی تر شدن اثرات آن، به مرور و به ناچار پذیرش شکل گرفته و تکاپو در جهت حل آن ایجاد می‌شود. بحرانی که قبل از شکل‌گیری و در وضعیت مساله می‌توانست با هزینه کم بسیار کمتری حل شود اکنون می‌بایست با صرف هزینه هنگفت و احتمال بسیار پایین در موفقیت رفع اساسی مشکل با آن مواجه شد. مسلماً یک ساختار مدیریتی مساله‌ناپذیر که تا حد بسیار زیادی عدم پذیرش مساله در آن به مواردی چون خودمطلوب‌پنداری، عدم اولویت‌بندی صحیح، نقطه ضعف دانستن به رسمیت شناختن مساله، ناچیزپنداری مساله و مواردی از این دست برمی‌گردد، هرگز نخواهد توانست به‌طور بهینه از مسائل و مشکلات عبور کند.

هزینه‌های کلان اقتصاد منابع آب تا پذیرش مساله

عدم پذیرش وجود چالش در منابع آبی و توطئه‌خوانی بسیاری از نقدهای وارده و هشدارها به بحرانی شدن چالش‌های جدی در بخش آب به‌ویژه در زمینه مدیریت منابع آب در بخش کشاورزی پس از دو سال پربارش ۹۷ و ۹۸ به خوبی خود را نشان داد.

نگاهی که با تصور اینکه دوران خشکسالی ایران به اتمام رسیده و کشور وارد دوران ترسالی شده است نه تنها نقدهای جدید بر نحوه مدیریت منابع آبی را اشتباه می‌داند بلکه نقدهای قبلی بر این مدیریت به‌ویژه در بخش کشاورزی را ناشی از دلایلی غیر از دلایل تخصصی و کارشناسی می‌داند. این نگاه و عدم پذیرش واقعیت‌های موجود که در تداوم نگاه مدیریتی منابع آبی در طی ۵۰ سال اخیر بود اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری ورشکستگی آبی و ایجاد چالش‌های جدی منابع آبی کشور بوده است. این نگاه علاوه بر اتلاف و تضییع شدید منابع آبی کشور که نتیجه آن خشکی بسیاری از تالاب‌ها، دریاچه‌ها، رودها، چشمه‌ها و... بوده، هزینه‌های بسیار گزافی بر اقتصاد ایران وارد ساخته است. هزینه‌هایی که می‌توان طیف وسیعی از هزینه‌ها از ارزش ذاتی منابع آب گرفته تا هزینه‌های استحصال و انتقال و جایگزینی برای آن در نظر گرفت. با توجه به اینکه سالانه ۴/۸ میلیارد مترمکعب اضافه برداشت از منابع آب زیرزمینی کشور صورت می‌گیرد هزینه ایجاد شده ناشی از آن به شکل تصاعدی رو به افزایش است. در حالی که طبق روش هزینه استخراج که یکی از ساده‌ترین روش‌های مدیریت منابع آب محسوب می‌شود و باید بین هزینه نهایی و سود نهایی برداشت منابع آب تعادل برقرار باشد، به هیچ وجه چنین وضعیتی برای منابع آب ایران نمی‌توان در نظر گرفت. به عبارت دیگر در این روش تا جایی از منابع آب استفاده می‌شود که هزینه‌های نهایی برابر با سود نهایی باشد. حال آنکه برای اقلیمی مانند ایران که به شدت با محدودیت منابع مواجه است، این روش به تنهایی کافی نبوده و ضرورت دارد مسائل وجودی و حفاظتی منابع آب را نیز در نظر گرفت. اما با همین روش یادشده نیز به هیچ وجه نمی‌توان توجیهی برای این افزایش سالانه در استخراج و استفاده از منابع آب ایران قائل شد. از این رو با فرض اینکه پذیرفته شود تمام بخش‌های حاکمیتی به این موضوع پی برده و تصمیم به بازنگری در سیاست‌های کلی حکمرانی آب گرفته باشند، هزینه‌های کلان اقتصادی ناشی از چندین دهه سیاست‌گذاری اشتباه در بخش منابع آب غیر قابل چشم‌پوشی بوده و کشور هزینه کلانی برای نگاه سابق این افراد به مساله مدیریت منابع آب پرداخت کرده است.

چرخش بر همان مدار همیشگی؛ دستوری از اقتصاد تا منابع

از دیگر خصایص بارز مدیریت در ایران دستوری بودن اکثر ابعاد آن است. ساختار دولتی اقتصاد ایران در پی هدف تسلط کامل بر تمام جنبه‌ها نه تنها تمایلی به کم کردن میزان دخالت خود در امور ندارد بلکه همواره تلاش می‌کند بر میزان احاطه خود بر این امور نیز بیفزاید. در این نوع نگاه تصویری می‌شود با نگاه دستوری و صرفاً محدودکننده مانند سایر جنبه‌های مدیریتی می‌توان مدیریت منابع طبیعی را انجام داد. سیاستگذار در ایران به‌رغم اینکه نتیجه چندین دهه سیاستگذاری دستوری خود را در جنبه‌های مختلف مدیریتی ملاحظه می‌کند و اثرات نامطلوب آن را در تمام ابعاد به‌وضوح مشاهده می‌کند به جای تغییر نگاه و رویکرد خود از این نوع سیاستگذاری همچنان بر تقویت نگاه دستوری مبادرت ورزیده و سعی در تسری آن به سایر جنبه‌های مدیریتی نیز دارد. این تلاش به‌گونه‌ای است که نمی‌توان سیاستگذاران در ایران را فارغ از چارچوب اندیشه‌های دستوری تعریف کرد. در چنین شرایطی است که برای مدیریت منابع طبیعی نیز به دلیل آنکه امکان تغییر مطلوب شرایط مبتنی بر واقعی‌سازی وجود ندارد تلاش بر این است با این نوع نگاه دستوری و محدودکننده به رفع مشکل پرداخت. حال آنکه مانند سایر جنبه‌های مدیریتی تغییر شرایط منابع آب ایران نه تنها به هیچ وجه با چنین نگاهی حل نخواهد شد بلکه تشدید نیز خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در شرایطی که مقاومت در برابر پذیرش مساله، چالش و بحران به عنوان یک نشانه و کارکرد اصلی در ساختار مدیریتی کشور همواره وجود داشته است، تغییر در این نوع نگاه و پذیرش نامطلوب بودن شرایط حائز اهمیت است. پذیرش مشکلات موجود هر چند می‌توانست در بازه‌های زمانی پیشتر و قبل از تبدیل شدن به چالش و بحران صورت گیرد اما باز هم نمی‌توان آن را رویدادی ارزشمند و موثر ندانست. به عبارت دیگر اگر در بازه‌های زمانی پیشتر نظرات کارشناسان پیرامون رو به تضعیف بودن منابع و هزینه‌های بالای این امر مورد توجه قرار می‌گرفت قطعاً نه تنها شرایط موجود در زمینه انباشت و ذخایر منابع آبی کشور به وجود نمی‌آمد بلکه هزینه‌های بسیار کمتری به



اقتصاد منابع آب ایران وارد می‌شد و در حال حاضر صحبتی از ورشکستگی شدید و بحران منابع آب در مناطق مختلف کشور در میان نبود. اما از سوی دیگر سیاستگذار با همان عینکی به رفع مساله می‌نگرد که به سایر جنبه‌های مدیریتی کشور نگاه می‌کند. نگاهی دستوری و مبتنی بر قوه قهریه که به‌رغم اینکه در سایر جنبه‌های مدیریتی نیز تاکنون نتوانسته دستاورد مناسب و مطلوبی برای آن داشته باشد، همچنان مورد توجه و استفاده است.

حال آنکه تغییر شرایط منابع آبی نسخه‌ای به غیر از نسخه اصلاح حکمرانی در سایر ابعاد مدیریتی کشور ندارد. پذیرش ارکان و اصول حکمرانی مطلوب و انجام تغییرات و اصلاحات اساسی در تمام ابعاد حکمرانی گزینه غیر قابل اجتنابی است که می‌باید آن را اتخاذ کرد حال آنکه تاخیر در انجام آن تنها هزینه انجام این کار را افزایش خواهد داد. در پی چنین تصمیم‌گیری‌هایی خواهد بود که مدیریت منابع آب نیز مانند سایر جنبه‌های مدیریتی به سمت بهینگی حرکت خواهد کرد و در غیر این صورت تغییر مطلوبی اتفاق نخواهد افتاد. همچنین اتخاذ تصمیمات مبتنی بر نگاه سلبی و دستوری همان‌گونه که تاکنون دستاوردی در سایر ابعاد مدیریتی نداشته است نمی‌تواند تغییر مطلوبی در شرایط کنونی ایجاد کند.





مهندس زهرا پزشکی

سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها

جهانی و پیامدهای سنگینی مثل تغییرات آب و هوایی روی کره زمین می‌گردند.

۲. منافع مشترک اقتصادی: از تهدیدات بخش انرژی در هر دو بخش انسانی و طبیعی نیز نمی‌توان غافل بود. تهدیدهای انسانی معمولاً خطرات تخریب نیروگاه‌های کشور در نتیجه حملات نظامی سایر کشورها یا عملیات خرابکارانه عمدی را به همراه دارند؛ و تهدیدهای طبیعی نیز شامل بلایای طبیعی و اثرات جانبی تغییرات آب و هوایی هستند که به دلیل ماهیت ناملموسشان تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شوند. از این رو، با توجه به پیش‌بینی‌های اخیر مبنی بر تشدید خشکسالیها و گرما در خاورمیانه و وابستگی ۱۵ درصدی یا بیشتر منابع ایران به نیروگاه‌های آبی بزرگ، لازم است تا اقدامات جدی در آینده نزدیک برای جایگزینی این منابع اندیشیده شود. همچنین انرژی‌های تجدیدپذیر تأثیر مهمی بر اشتغال‌زایی این حوزه نیز خواهند گذاشت.

۳. منافع مشترک اجتماعی: باید اذعان داشت که فناوری‌های تجدیدپذیر از سوخت‌های فسیلی و انرژی هسته‌ای رقابتی‌تر به شمار می‌روند. از آنجاییکه این فناوریها تنها یک چهارم یارانه سوخت‌های فسیلی را دریافت می‌کنند، با حذف این یارانه‌های پنهان، به زودی برنده این رقابت جهانی خواهند بود و این خود مزیتی برای مصرف‌کنندگان ایرانی محسوب می‌شود.

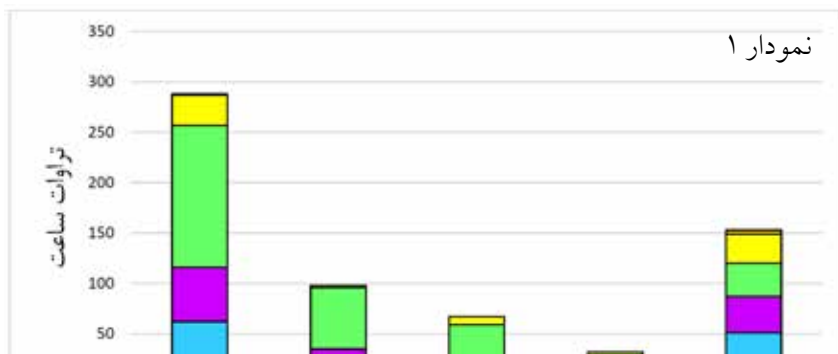
۴. منافع مشترک سیاسی و نهادی: ایران دیر یا زود باید به جامعه جهانی بپیوندد. در حال حاضر، ۱۰٫۶ درصد انرژی نهایی مصرفی جهان از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین می‌شود، درحالی‌که این رقم در ایران بسیار کمتر از یک درصد است. لذا با حرکت کردن در این راستا و رعایت مقررات بین‌المللی در جهت عدم کاهش تولید کربن و گازهای گلخانه‌ای مجبور به پرداخت جریمه‌های سنگین نخواهیم شد. مزیت دیگر این است که انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت مصرف در کشور را منطقی‌تر خواهند ساخت.

سهم ایران در انرژی‌های تجدیدپذیر

ایران نیز همانند سایر کشورها اقداماتی چند را در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر

امروزه تغییرات اقلیمی به یکی از بزرگترین چالش‌های بشریت مبدل گردیده است، به طوری‌که هر روز شاهد تغییرات زیاد آب و هوایی و پیامدهای بسیار تکان‌دهنده آن هستیم؛ که اکنون محققین، مهمترین عامل این موضوع را انسان می‌دانند. کشور ما ایران از دیرباز برای تأمین نیازهای زیرساختی اقتصادی و اصلی کشور، اعم از برق، گاز، آب، مخابرات و غیره متکی به انرژی‌های فسیلی بوده است. از آنجاییکه امروزه با توجه به تغییرات آب و هوایی، تمام کشورها متوجه انرژی‌های پاک که به عنوان تجدیدپذیر شناخته می‌شوند، گردیده است، ایران هم نمی‌تواند از این موضوع غافل بماند. از این رو به دنبال محرک‌های فعال صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران که به صورت زیر برشمرده می‌شوند، باشد:

۱. منافع مشترک آب و هوایی و محیط زیست: که مسلماً دستاورد فناوری‌های پاک، کشور را از آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از سوخت‌های فسیلی، یعنی انتشار گازهای گلخانه‌ای مانند CO2 رها خواهد ساخت. چراکه این گازها با ورود به اتمسفر سبب گرمایش

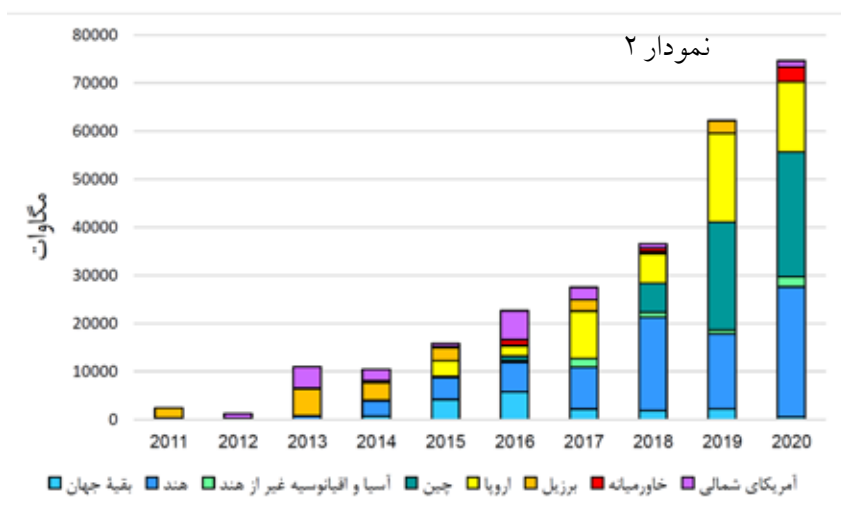


نیروگاه زمین گرمایی: دو نیروگاه در ۲ استان و ۲ شهر اهواز و یزد وجود دارند که از ظرفیت فاضلاب و پساب زیرسطحی زمین برای انتقال انرژی زمین گرمایی به سطح زمین استفاده می کنند و از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ تأسیس گردیده اند. ظرفیت تجمعی این نیروگاهها ۱۳۶۰۰ مگاوات است. این کارخانه ها در اختیار دو شرکت ایرانی به نام شرکت دهخدا و شرکت کیماداران می باشند.

راهکارهای به کار گرفته شده برای تشویق مصرف کنندگان

سازمان انرژیهای تجدیدپذیر و بهره وری انرژی ایران (ساتبا) به منظور حمایت از تولید انرژی و صادرات برق تولیدی، مصرف کنندگان برق را در سه گروه کم مصرف، مصرف عادی و پرمصرف طبقه بندی نموده است. بنابراین، مصرف کنندگان کم مصرف از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می شوند، مصرف کنندگان عادی همان مبلغ تعرفه ورودی هزینه انرژی را می پردازند و پرمصرفها ۱۰ درصد جریمه می گردند. این سازمان همچنین به منظور بهبود الگوی مصرف و مدیریت مصرف انرژی پرمصرفها، دو مکانیسم را پیشنهاد داده است: (۱) بهینه سازی مصرف انرژی و (۲) توسعه انرژی تجدیدپذیر. در حالت اول، مصرف کنندگان می توانند با استفاده از طرح یارانه از تسهیلات و جوهری که برای نصب پنلهای خورشیدی در محل مصرف یعنی پشت بام یا فضایی با حداقل فضای ۴ متر مربع لازم است، بهره مند گردیده و مصرف انرژی خود را کاهش داده و آن را بهینه سازند. در حالت دوم با نصب هر سیستم خورشیدی مقیاس کوچک ۰,۵ کیلوواتی به طور متوسط ۷۵ کیلووات ساعت برق تولید می شود که در تابستان بیش از این مقدار است و منجر به کاهش هزینه برق مصرفی رایج و کاهش آلاینده های زیست محیطی می گردد.

تعهدات ایران در قبال جهان



برای تولید برق به کار برده است که به شرح زیر می باشند:

نیروگاه های آبی کوچک: نیروگاههای آبی کوچک از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ توسط شرکت ایرانی در ۸ استان و ۹ شهر مشهد، شهمیرزاد، داروان، اراک، بیجار، محلات، دلیمان، فاراب و بروجرد با ظرفیت کمتر از ۱۰ مگاوات، یعنی حداقل ۰,۱۷، حداکثر ۱۰ مگاوات و در مجموع ۳۴,۵۵ مگاوات تأسیس گردیده اند. این نیروگاهها ترکیبی از انرژی جریان رودخانه ای و انرژی پمپ ذخیره ای می باشند.

انرژی باد: تمامی توربین های بادی، توربین های ساحلی به شمار می روند که توسط شرکت ایرانی در ۴ استان و ۵ شهر از جمله نیشابور، خواف، آقکند، قزوین و منجیل از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ تأسیس شده اند. ظرفیت تجمعی نیروی باد ۲۹۵,۹ مگاوات است. در حال حاضر خواف از کمترین ظرفیت یعنی ۰,۷ مگاوات و منجیل از بیشترین ظرفیت یعنی ۹۲,۵ مگاوات برخوردار است.

انرژی خورشیدی: ایران هم از انرژی خورشیدی فتوولتائیک و هم از فناوری انرژی خورشیدی متمرکز استفاده می کند. در حال حاضر ظرفیت تجمعی انرژی خورشیدی در مجموع ۳۳۹,۸۹۱ مگاوات است که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ در ۱۸ استان و ۵۰ شهر ایجاد شده است. انرژی خورشیدی فتوولتائیک توسط دستگاههای کوچک ۱۶۳ کیلوواتی تا نیروگاههای فتوولتائیک خورشیدی بزرگ با ظرفیت ۲۰ مگاوات که در اختیار ۴۷ شرکت ایرانی و ۴ شخص قرار دارند، تأمین می شود.

انرژی زیست توده: این نیروگاهها که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ تأسیس شده اند، زباله ها را می سوزانند و به انرژی و گرما تبدیل می کنند. ظرفیت تجمعی این نیروگاهها ۱۰,۵۶ مگاوات است که توسط شرکت ایرانی در ۳ استان و ۵ شهر تأمین می شود. حداکثر ظرفیت این نیروگاهها ۴ مگاوات و حداقل ظرفیت آنها ۰,۱۷ مگاوات است.



از پیش تعیین شده و یا ثابت، قیمتگذاری خود را ارائه دهد. بنابراین، باید به عنوان یک پیشنهاددهنده پروژه های بلندمدت مناقصه شرکت نموده و با مناسبترین قیمت برنده شود.

۲) مشوقهای مالی: این نوع ابزار سیاسی شامل اعتبارات مالیاتی، پرداختهای تولید انرژی، وامها و کمکهای بلاعوض است. براساس مکانیسم اعتبار مالیاتی، نیروگاهها می توانند در صورت بومی سازی انرژیهای تجدیدپذیر و فناوریهای پاک، از مالیات معاف گردیده و یا مالیات کمتری بپردازند. در این سیاست، نیروگاه باید حداقل ۱۰ و حداکثر ۳۰ امتیاز متناسب با سهم تولید و اشتغالزایی در ایران با بکارگیری مهندسان ایرانی و پرداخت حقوق برای تولید انرژی در بخشهای طراحی و توسعه کسب نماید. سپس می تواند با توجه به امتیاز خود، وام یا کمکهای بلاعوض دریافت نماید. سایر نیروگاهها نیز می توانند با توجه به ارائه هر فناوری در اجزای خود از ضریب تشویقی که براساس مجموع وزنی امتیازات فناوری به کار گرفته شده در این اجزا محاسبه می شود، استفاده نمایند.

چالشهای پیش روی ایران

به طور کلی سه چالش عمده به شرح ذیل بر سر راه مشوقهای مالی توسعه انرژیهای تجدیدپذیر وجود دارند که باید برطرف گردند:

۱) فقدان قوانین ملی و محلی: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور برای اولین بار بر اساس مواد ۱۵۵ و ۱۵۶ برنامه چهارم توسعه، سندی را با عنوان "سند توسعه" تدوین نمود. این سند اکنون اگر چه بر اهمیت حفاظت از محیط زیست تأکید می کند، اما برای کاهش آسیبهای وارده به محیط زیست، نه تنها موضوعی را مطرح نمی کند، بلکه بر توسعه میادین سوخت فسیلی نیز تأکید دارد.

۲) سیاستهای توسعه منابع انسانی: همانطوریکه گفته شد برای توسعه انرژی تجدیدپذیر، سازمان متولی آن نیازمند افراد متخصص در زمینه برنامه ریزی، مدیریت و نظارت بر پروژه های انرژی تجدیدپذیر و سایر پروژه های کاربردی مرتبط می باشد. بنابراین برای دستیابی به اهداف سازمانی مرتبط با انرژی تجدیدپذیر در این سازمان، تغییر ساختار اساسی در چارچوب سازمانی بخش انرژی تجدیدپذیر ضروری به شمار می رود.

۳) نیاز به انتقال فناوری: انتقال فناوری به فرایند انتقال دانش و مهارت از یک گروه متخصص یا سازمانهای تخصصی به سازمانها یا گروهی اطلاق می شود که توانایی یا دانش مرتبط یا توانایی ایجاد فناوری و ابزارهای لازم آن را ندارند. با توجه به جدید بودن فناوری انرژی تجدیدپذیر، انتقال آن از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه

ایران از سال ۲۰۱۵ براساس برنامه مشارکتی تعیین شده در سطح ملی (□□□□) خود متعهد شده است که انتشار گازهای گلخانه ای خود را تا سال ۲۰۳۰ تا ۴ درصد کاهش دهد و اعلام کرده است که در صورت لغو تحریمها، این میزان را به ۱۲ درصد افزایش دهد. از یک سو با توجه به محدودیتهای و تمام شدن منابع فسیلی و آلودگی زیست محیطی و از سوی دیگر و مهمتر از همه افزایش بی سابقه قیمت جهانی نفت، ایران تصمیم گرفته است که مصرف سوختهای فسیلی را به تدریج کاهش دهد. این اقدام قطعاً منافع اقتصادی و اجتماعی برای کشور به همراه دارد، یعنی علاوه بر صرفه جویی ارزی و اقتصادی به حفظ محیط زیست و ایجاد اشتغال نیز کمک می کند. بنابراین، ایران نیز همانند سایر کشورها از دو ابزار سیاسی برای پیشبرد استقرار انرژیهای تجدیدپذیر و بهره گیری از مزایای اقتصادی و اجتماعی بهره می گیرد:

۱) سیاستهای نظارتی: در این ابزار، ایران یا از تعهدات سهمیه بندی و سنجش خالص یا خرید تضمینی و مزایده ها برای تقویت انرژیهای تجدیدپذیر استفاده می کند. در ساز و کار مبتنی بر سهمیه، توسعه دهندگان و سازندگان انرژی تجدیدپذیر، پس از تعریف نظارتها، گزارشها و تأییدهای خود، حق الزحمه خدمات انرژی خود را مطابق با شرایط پیش نیاز دریافت می دارند. با استفاده از سنجش خالص، مشتریان در صورت تمایل به استفاده از انرژی تجدیدپذیر می توانند با معرفی به بانک از طرح یارانه سود تسهیلات که باید ظرف مدت ۳ سال بازپرداخت شود، بهره مند گردند. مکانیسمها و مزایده های خرید تضمینی برای سرمایه گذاری در انرژی تجدیدپذیر استفاده می شوند. در مکانیسم خرید تضمینی، سرمایه گذار انرژی تجدیدپذیر را براساس قیمتگذاری سوخت، هزینه های تبدیل انرژی و هزینه های زیست محیطی خریداری کرده یا می فروشد. در مکانیسم مزایده، سرمایه گذار باید به جای استفاده از قیمتگذاری

تجدیدپذیر در تولید برق در سرتاسر دنیا در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ را نشان می دهد. همچنین نمودار ۲ ظرفیت نیروهای تجدیدپذیر در تولید برق دنیا را در سال ۲۰۲۰ نشان می دهد.



Renewables Academy (RE- [1]
/NAC), <https://www.renac.de>
International Energy Agency [2]
/(IEA), <https://www.iea.org>

[3] سریرافراز، محمد و فهیمی فر، فاطمه و سعادت، گلناز، ۱۳۸۶، نگاهی به انرژیهای تجدیدپذیر و بررسی کاربرد آن در ایران و جهان، کنفرانس سراسری بهینه سازی مصرف انرژی، مشهد، <https://civilica.com/doc/157215>

[4] وزارت نیرو، سازمان انرژیهای تجدیدپذیر و بهره وری انرژی برق (ساتبا)، <https://www.satba.gov.ir>

[5] رویه اجرایی دستورالعمل حمایت از بومیسازی فناوری نیروگاههای تجدیدپذیر و پاک، ۱۳۹۷.

[6] قانون برنامه ششم، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، ۱۳۹۶.

[7] دستورالعمل حمایت از بومی سازی فناوری نیروگاههای تجدیدپذیر و پاک، ۱۳۹۷.

[8] علی امامی میبیدی، حسن جنگ آور، یونس نوراللهی، محمد ستاری فر، مرتضی خورشیدی، بررسی و تحلیل تأثیر توسعه انرژیهای تجدیدپذیر بر شاخصهای کلان اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۴، ۱۳۹۶.

[9] وزارت نیرو، <https://www.moe.gov.ir>

ضروری است. این انتقال فناوری از طریق برنامه های آموزشی دانشگاهی، دوره های کوتاه مدت با همکاری بین خارجیها یا مشاوران خارجی درگیر در توسعه انرژی تجدیدپذیر در ایران می تواند محقق گردد.

مزایای انرژیهای تجدیدپذیر برای ایران

دسترسی ایران به انرژیهای تجدیدپذیر برای توسعه اقتصادی بسیار مفید است. چراکه بارشده و توسعه انرژیهای تجدیدپذیر، واردات سوختهای فسیلی در کشور و نیاز به صادرات نفت کاهش می یابد. در حال حاضر تولید ناخالص داخلی کشور منفی است، چون ایران کشوری متکی بر صادرات نفت است. بنابراین اگر توسعه انرژیهای تجدیدپذیر در کشور مانند سایر کشورها تا سال ۲۰۳۰ اتفاق بیفتد، با دو برابر شدن سهم انرژیهای تجدیدپذیر در جهان، تراز تجاری ایران با رشدی مثبت مواجه خواهد گردید. بررسیها نشان می دهند که ایران با داشتن ۳۰۰ روز آفتابی و متوسط تابش آفتاب ۵٫۴ تا ۵٫۵ کیلووات ساعت بر متر مربع در روز، ظرفیت بالایی برای تولید برق با انرژیهای تجدیدپذیر دارد. همچنین در ایران ظرفیت بسیار خوبی برای انرژی بادی وجود دارد. در حال حاضر افزایش تعداد فارغ التحصیلان غیر ماهر بر مشکلات جذب نیروی انسانی در بازار کار می افزاید. به همین دلیل کشور ما ایران می تواند با حرکت به سمت گسترش مشاغل مرتبط با انرژیهای تجدیدپذیر به سمت اشتغال زایی بیشتر حرکت نماید. محاسبات اولیه نشان می دهند که به ازای هر مگاوات برق بادی به طور میانگین حدود ۳ شغل و به ازای هر مگاوات برق خورشیدی ۱۵ شغل ایجاد می شود که با توجه به فناوریهای مورد استفاده در کشور، فرهنگ و کار می تواند تا ۳ برابر این مقدار میانگین افزایش یابد. همچنین در بین انرژیهای تجدیدپذیر باید گفت که فناوری فتوولتائیک از بیشترین ظرفیت برای اشتغال زایی برخوردار است.

بررسیها نشان می دهند که بیش از نیمی از مشاغل ایجاد شده در نیروگاههای خورشیدی معمولاً مربوط به مراحل نصب و راه اندازی هستند. بنابراین اگر علاوه بر نصب، بهره برداری و توسعه نیروگاههای خورشیدی در ایران، ظرفیت تولید ماژولهای خورشیدی نیز افزایش یابد، علاوه بر نصب و راه اندازی، روند ساخت و ساز نیز به آمار مشاغل ایران اضافه می گردد.

بر طبق آمار وزارت نیرو، سهم انرژیهای تجدیدپذیر در صنعت برق ایران در حال افزایش است. مجموع توان اسمی کشور در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۹ با رشد ۲٫۲ درصدی به ۸۵۳۱۳ مگاوات و توان عملی کشور به ۵۸۰۷۶ مگاوات رسیده است. همچنین افزایش ظرفیت نیروگاههای کشور در سال ۲۰۲۰، ۱۸۰۴ مگاوات بوده که ۵۳ مگاوات آن به واحدهای انرژیهای تجدیدپذیر مربوط می شود. نمودار ۱ سهم انرژیهای

کاهش دما، داستان تامین گاز و سوخت مایع صنایع معدنی را تکرار کرد

سختی‌های تامین سوخت صنایع



با شروع فصل سرما، مشکلات صنعتی که تولیداتشان وابستگی زیادی به انرژی گاز دارد هم آغاز می‌شود؛ آنها با قطعی گاز و تامین سوخت مایع برای روشن نگاه داشتن چرخ تولید خود روبه‌رو هستند و هر سال که می‌گذرد وضعیتشان در زمینه تامین سوخت بغرنج‌تر می‌شود. کارخانه‌های سیمانی و فولادی از آن دسته صنعتی هستند که بیشترین مشکلات را در این زمینه دارند؛ واحدهای سیمانی به دلیل قراردادهای هشت ماهه‌ای که شرکت گاز برای تامین سوخت با آنها منعقد می‌کند، باید برای چهار ماه پایانی سال، یا سیمان ذخیره شده داشته باشند؛ یا اینکه با پیش‌بینی ذخایر سوخت مایع، برای ماه‌های باقی مانده خود به فکر تامین مازوت باشند. هر چند مازوت سوزی هم در دسرهای خودش را دارد؛ با سرد شدن هوا و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی، گاز صنایع قطع می‌شود و استفاده از مازوت، آلودگی هوا را به دنبال دارد؛ در نتیجه، واحدهای صنعتی وابسته به سوخت، در وضعیت هشدار آلاینده‌گی، مجبور به تعطیلی می‌شوند. بماند که همان تامین سوخت مایع هم در دسر ها و هزینه‌های زیادی برای واحدهای صنعتی در پی دارد. برخی از کارخانه‌ها امکان تامین انرژی و سوخت جایگزین ندارند؛ به‌طور مثال، دو کارخانه سیمان در خراسان رضوی فاقد مخزن مازوت هستند و فولادی‌ها هم نمی‌توانند با سوخت مازوت به فعالیت خود ادامه دهند.

بخش خصوصی: قراردادهای شرکت گاز یک طرفه است

اما صنایع معدنی به ویژه فولادی‌ها و سیمانی‌ها سال‌هاست که به موضوع قراردادهای شرکت گاز انتقاد دارند و معتقدند که این قراردادها به شدت یک طرفه بوده و امکان اعتراض هم وجود ندارد. در واقع، بخش خصوصی نسبت به جنبه حقوقی این قراردادها منتقد است.

به گفته محمد رضا توکل‌سی زاده، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی خراسان رضوی، قراردادهای یک‌جانبه شرکت گاز با صاحبان صنایع بیش از چهار ده سال است که باب شده و بر اساس این قراردادها تعهد شرکت گاز به صنایع در تامین سوخت محدود است.

توکل‌سی زاده با بیان اینکه در گذشته معضل تامین سوخت مانند وضعیت کنونی دشوار نبود، می‌گوید: در گذشته از یکسو جمعیت کمتر بود و از سوی دیگر نیاز به سوخت به اندازه سال‌های اخیر احساس نمی‌شد. علاوه بر این، فرسودگی و استهلاک خطوط انتقال

گاز به اندازه وضعیت فعلی نبود.

مدیر عامل شرکت «سیمان زاوه تربت» یادآور می‌شود: هم‌اکنون دو کارخانه از پنج کارخانه سیمان خراسان رضوی فاقد مخزن مازوت هستند و با قطعی گاز، تعطیل می‌شوند. کارخانه‌هایی هم که امکان استفاده از مازوت را دارند، صرفاً می‌توانند در مدت محدود فعالیت کنند. لذا اگر قطعی گاز فراتر از یک ماه باشد، این مساله به معضلی جدی تبدیل می‌شود.

اما مشکلات تامین سوخت مایع چیست؟ کارخانه‌ها سوخت مازوت را از پالایشگاه می‌خرند که هزینه حمل آن سرسام‌آور است و قیمت تمام شده کالار افزایش می‌دهد.

به گفته توکل‌سی زاده، هزینه حمل یک تن مازوت از اصفهان به مشهد ۷۵۰ هزار تومان است و به طور مثال اگر استان مادر هفته ۴۰۰ هزار تن ظرفیت تولید سیمان دارد، مصرف سیمان معادل ۳۰۰ هزار تن است. اگر قطعی گاز موجب تعطیلی کارخانه‌ها شود، ظرف چند روز تولید به ۲۰۰ هزار تن کاهش خواهد یافت؛ این در حالی است که مصرف سیمان همچنان بالاست و این وضعیت موجب افزایش قیمت می‌شود.

پیشنهادی برای بهبود توزیع مازوت

عباس خادم، مشاور مدیر عامل هلدینگ «سیمان شرق» هم با انتقاد از عملکرد شرکت گاز در مدیریت تامین سوخت واحدهای سیمانی می‌گوید: از آنجایی که قرارداد شرکت گاز با شرکت‌های سیمانی ۸ ماهه است؛ شرکت گاز می‌بایست قبل از پاییز، به شرکت بخش فرآورده‌های نفتی به صورت سیستمی اعلام کند سوخت مازوت در فصل تابستان در اختیار کارخانجاتی که ظرفیت ذخیره‌سازی دارند، قرار گیرد. در واقع بهتر است مازوت در تابستان به میزان مصرف چهار ماهه پایانی سال و به نرخ مصوب هیات وزیران در اختیار واحدهای صنعتی قرار گیرد و مابه‌التفاوت آن با نرخ پاییز در قالب ضمانت به صورت سفته دریافت شود.



خادم تصریح می‌کند: شرکت سیمان شرق بعد از سرمای شدید در سال ۱۳۸۸ و تعطیلی کارخانجات در آن زمان، به دلیل اجرای پروژه واحد چهار هزار تنی مجبور شد مخازن فلزی استاندارد دو کالیبره به ظرفیت ۳۶ میلیون لیتری با هزینه سنگینی در مجموعه ایجاد کند؛ اما متاسفانه به دلیل نبود راهکار مناسب در عمل هیچ وقت از این مخازن و ظرفیت‌های استراتژیک استان استفاده نشده است. البته امسال با پیگیری‌های قبل از زمستان ۱۴ میلیون سوخت مازوت وارد کارخانه شد و با قطعی گاز فوراً سوخت جایگزین به کار گرفته شد و خط تولید در مدار قرار گرفت.

مشاور مدیر عامل سیمان شرق با اشاره به افزایش آلاینده‌گی ناشی از مصوف سوخت فسیلی در کارخانه‌ها تاکید می‌کند: اگر قرار باشد با قطع گاز از سوخت مازوت استفاده نشود، قطعاً کارخانجات تولیدی نخواهند داشت و با کمبود شدید سیمان در کشور مواجه می‌شویم. لذا باید تمهیداتی به کار گرفته و این مجوز صادر شود. لذا پیشنهاد می‌شود در قوانین جاری کشور اصلاحاتی برای مجوز مصرف سوخت فسیلی بعد از قطعی گاز برای کارخانجات آلاینده صادر شود.

چرا به توسعه زیرساخت‌های انرژی توجه نشود؟

اما قطع گاز تنها صنایع فولادی و سیمانی را تهدید نمی‌کند؛ بلکه صنایع معدنی دیگری چون کاشی، سرامیک، شیشه‌سازی و... هم برای تامین سوخت وابسته به گاز هستند و کمبود انرژی و قطعی بدون پیش‌بینی و ناگهانی تأثیر بسیار زیادی بر این واحدها دارد. آریوبرزن مافی، رئیس انجمن معادن و صنایع معدنی خراسان رضوی با بیان اینکه صنایع معدنی استان سه سال است که به شدت با معضل کمبود سوخت مواجه‌اند، می‌گوید: صاحبان صنایع هر سال مطالبات شان را به گوش مسوولان می‌رسانند؛ اما هر سال با پاسخ تکراری آنها در فصل سرما با این مضمون که «ما هم انتظار نداشتیم و کمبود قطعی گاز به صورت ناگهانی رخ داده است» مواجه می‌شوند. متاسفانه قراردادهای تامین گاز با صنایع به صورت کاملاً یک طرفه

منعقل می‌شود.

به گفته فعالان اقتصادی، صنایع از انتهای آذر تا اواخر بهمن پارسال با مشکل تامین سوخت مواجه بودند؛ اما در سال جاری فصل سرما زودتر آغاز شد و این تغییرات به فصل گرم سال هم کشیده شد و شرکت گاز به صنایع اعلام کرد که به دلیل تامین برق، ناچار به قطع گاز هستیم.

مافی با تاکید بر اینکه با این وضعیت باید تدبیری برای سوخت جایگزین اندیشیده شود و سهم انرژی صنایع کاهش نیابد، اظهار می‌کند: متاسفانه برای جلوگیری از قطع برق و گاز خانگی، به صنعت فشار می‌آورند، این در حالی است که این مساله به نوعی معیشت خانوار فعال در صنایع را نشانه می‌رود. متاسفانه در هشت سال گذشته هیچ‌گاه بر زیرساخت‌های انرژی و توسعه آن تمرکز نشده و با قبول معاهدات بین‌المللی به ویژه معاهده پاریس پذیرفتیم که صنایع و نیروگاه‌هایی که با سوخت‌های فسیلی فعالیت می‌کنند را توسعه ندهیم؛ اما به این مهم توجه نشده که کشور فاقد زیرساخت‌های استفاده از انرژی‌های پاک اعم از انرژی بادی و خورشیدی است.

نائب رئیس خانه معدن خراسان رضوی با انتقاد از جلسات بی نتیجه هر سال برای حل مشکل سوختی صنایع معدنی تصریح می‌کند: متاسفانه هر سال جلساتی پیرامون مبحث کمبود انرژی صنایع برگزار و راهکارهایی ارائه می‌شود؛ اما این مساله پس از چند ماه به فراموشی سپرده می‌شود. لذا توصیه ما این است که سهم مشخصی از سوخت برای صنایع معدنی مشخص شود تا صنایع با چالش مواجه نشوند. در کنار آن، طرح‌های توسعه‌ای برای ایجاد حامل‌های انرژی به ویژه برای صنایع داشته باشیم که با گرم و سرد شدن فصول این در صد تغییر نکند. باید برای حل این مساله، نقشه راهی تدوین کنیم که متاسفانه یا در این رابطه نقشه راهی وجود ندارد یا اینکه کیلومترها با این نقشه راه، فاصله داریم.

شرکت گاز: شکل قراردادها از مرکز ابلاغ می‌شود

اما مسوولان شرکت گاز در پاسخ به انتقادها درباره یک‌جانبه بودن قراردادهای این شرکت با صنایع، می‌گویند شکل قراردادها از ستاد ملی گاز ابلاغ و به صورت یکنواخت در سطح کشور تنظیم می‌شود.

بخش اصلی گاز مصرفی خراسان رضوی از پالایشگاه هاشمی نژاد و بخشی هم از طریق خطوط انتقال گاز از مبادی ورودی استان‌های همجوار تامین می‌شود. نکته آن که تا چند سال پیش گاز تولیدی پالایشگاه هاشمی نژاد سرخس تامین‌کننده انرژی چندین استان کشور بود؛ اما در حال حاضر تمام تولید فقط در خراسان رضوی مصرف می‌شود. معنی این موضوع، افزایش چشمگیر مصرف گاز در این استان طی سال‌های اخیر است.

به گفته کارشناسان شرکت گاز، موازنه بین تولید و مصرف گاز طبیعی تابع استفاده بهینه و رعایت الگوی مصرف مشترکین در بخش‌های مختلف و شرایط دمایی فصل سرد (شدت، وسعت و مدت سرما) است. در فصل سرد سال، گاز طبیعی مورد نیاز مصرف‌کنندگان



می شوند. در تخفیف‌ها، مشترکانی که زیر ۲۰۰ متر مکعب در ماه مصرف داشته‌اند، از پرداخت گازبها معاف شده و کسانی که بیش از ۱۰ درصد نسبت به سنوات قبل بالحاظ فاکتور دما کاهش مصرف داشته‌اند، از ۱۵ درصد تخفیف پاداش صرفه‌جویی برخوردار می‌شوند. اعطای یارانه بهینه‌سازی موتورخانه‌ها با پرداخت هزینه عایق‌بندی، نصب رسوب‌گیر و تنظیم مشعل هم از دیگر مشوق‌هاست.

چاره چیست؟

بر اساس آنچه در این گزارش، از شواهد و قرائین موجود و صحبت‌های فعالان اقتصادی آمد، مشکل تامین سوخت صنایع در حال تبدیل شدن به معضلی بغرنج است و این مساله اقتصاد کشور را نشانده رفته است. به عبارت دیگر، معضل کمبود سوخت مانع اصلی بر سر راه رشد اقتصادی است و این مساله سبب محقق نشدن اعداد و ارقام سند چشم‌انداز هم می‌شود. از طرفی، فراموش نکنیم که موضوع محدودیت مصرف گاز در زمستان تابعی از میزان مصرف در بخش خانگی و عمومی است. هر چه قدر استفاده بهینه و رعایت الگوی مصرف در این بخش بیشتر باشد، میزان گازرسانی به صنایع هم افزایش خواهد داشت. لذا بهترین راهکار برای حل مشکل گاز صنایع در فصل سرد، صرفه‌جویی در بخش خانگی و افزایش راندمان گاز طبیعی در بخش صنایع است.

همه اینها در حالی است که ایران دومین کشور دارای ذخایر گازی در دنیاست؛ کشور ما باید جزو بزرگترین صادرکنندگان گاز به دنیا باشد؛ اما کمبود سوخت واحدهای صنعتی حاکی از آن است که نتوانسته‌ایم از این مخازن به درستی استفاده کنیم. فعالان اقتصادی می‌گویند این وضعیت به این دلیل است که یا پالایشگاه و خطوط انتقال مناسب نداریم؛ یا توان استخراج نداریم؛ یا اینکه چاه‌های گاز تضعیف شده و قابلیت استخراج ندارند. از این رو بایستی چاه‌های جدید حفر کرد که تمامی این مسائل از عهده بخش خصوصی خارج است. لذا برای حل این مسائل باید در سطح کشور سیاست‌گذاری دقیق و مطلوبی صورت گیرد. / دنیای اقتصاد

بخش‌های مختلف با اولویت بخش خانگی و عمومی تامین می‌شود.

فرشید دشتی، مدیر بهره‌برداری شرکت گاز خراسان رضوی می‌گوید: حوزه مدیریت گاز استان در شرکت‌های زنجیره تولید، انتقال و توزیع، گاز مورد نیاز بخش‌های نیروگاهی و صنعتی را با هماهنگی دیسپاچینگ ملی برق و گاز پیگیری و تامین می‌کند.

دشتی درباره تامین سوخت مایع به عنوان جایگزین گاز برخی صنایع هم، اقدامات لازم در این زمینه را بر عهده کارخانه‌ها می‌داند و خاطر نشان می‌کند: در چارچوب دستورالعمل‌ها، در مواقع اضطرار و اعمال محدودیت مصرف گاز طبیعی، شرکت پخش فرآورده‌های نفتی نسبت به تامین فرآورده سوخت مایع جایگزین اقدام می‌کند. لذا لازم است برابر دستورالعمل‌های ابلاغی، تمهیدات و اقدامات لازم به منظور ذخیره‌سازی و استفاده از سوخت مایع از سوی واحدهای صنعتی به ویژه کارخانجات سیمان به عمل آید.

مدیر بهره‌برداری شرکت گاز خراسان رضوی درباره قیمت و تعرفه‌های گاز طبیعی به پلکانی بودن نرخ‌ها اشاره و ابراز می‌کند: مصرف‌کنندگان کم مصرف مشمول تشویق و مصرف‌کنندگان پر مصرف مشمول جریمه



نایب رییس شورای ملی زعفران:

دلایان، گل زعفران را ۵۰ درصد گران تر می فروشند

کشاورز زعفران کار رها شده است و کسی صدای کشاورز و روستایی رانمی شود. دولت هیچ دلیلی برای عدم خرید حمایتی محصول نداشت.

نباید فکر کنید اگر سالی ۵۰۰ تن زعفران تولید می شود، این تولید حمایتی بوده است. کشاورز زعفران کار سالی حدوداً ۴۰ روز برداشت دارد و دوباره همه چیز تا سال بعد به فراموشی سپرده می شود.

پاییز و گل‌های ارغوانی زعفران، دوستی دیرینه‌ای دارند؛ دوستی‌ای که بی شک از زاویه دید کشاورزان، ملموس تر است و از همین زاویه می توان گویاترین حکایت این رفاقت شیرین را میان پاییز نارنجی و زرد باطلای سرخ شنید.

ایران به گواهی آمار و ارقام، ابر قدرت تولید زعفران در جهان است اما به ثمر نشستن گل‌های حساس و شکننده طلای سرخ با مرارتهای خاص خودش همراه است به طوری که بدون اغراق در روزهای محدود برداشت، خواب و آسایش برای کشاورز زعفران کاری معناست. در فصل برداشت زعفران با غلامرضا میری نایب رییس شورای ملی زعفران که هم کشاورز است و هم رییس اتحادیه صادر کنندگان زعفران از مرارتهای این روزهای زعفران کاران و زنجیره پر آسیب تولید، توزیع و صادرات طلای سرخ ایرانی گفتیم و شنیدیم؛ گفتگویی کشاورز محور و از مزرعه تا بازارهای جهانی.

پس نیروی انسانی مورد نیاز را چه بسا از سال قبل با پول و کادو، زررو می کنند تا در فصل برداشت برای جمع آوری گل و جداسازی خیالشان راحت باشد. از آن جایی که گل زعفران در بهترین حالت و شرایط، بیشتر از ۴۸ ساعت قابلیت نگهداری ندارد و پس از این زمان پلاسیده و خراب می شود، پای کمبود نیروی کارشناس و متخصص به عنوان یکی از مهم ترین مشکلات زعفران کاران وسط می آید. متأسفانه کشاورز زعفران کار ناگزیر است به هر کس اعتماد کند و گل زعفرانش را به او بسپارد. این اعتماد ممکن است به جداسازی بی دقت و تحویل گرفتن زعفران خشک کمتر منجر شود. در اینجا لازم است مسوولانی که سنگ کشاورز را به سینه می زنند و خود را حامی زعفران کاران می دانند، دستگاه‌های جداسازی کلاله را که برخی کشاورزان از حدود ۲۰ سال پیش در پی آن هستند، به دستشان برسانند.

*** به نظر نمی رسد با توجه به پیشرفتهای صنعت ماشین سازی ایران و جهان، ساخت دستگاه جداسازی کلاله، فرایند پیچیده‌ای داشته باشد و یا وزارت جهاد کشاورزی و دولت از ضرورت آن بی اطلاع باشند. پس دلیل عدم دسترسی کشاورزان به این دستگاه چیست؟**

ما هم هنوز دلیل نبود چنین دستگاه غیر پیچیده‌ای رانمی دانیم. آن چه محرز است اینکه صادرات زعفران برای کشور سالانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار از آوری دارد ضمن اینکه این

*** جناب میری! برای مخاطبی که شاید نداند یک کشاورز زعفران کار در فصل برداشت این محصول بسیار حساس، چه روزهایی را از سر می گذرانند، از ویژگیهای خاص این محصول و دغدغه های یک زعفران کار در چنین فصلی بگوئید.**

کشاورزان ایران علی الخصوص زعفران کاران خیلی مظلوم واقع شده اند و بنده به عنوان یک تولید کننده و صادر کننده که فضای کار را از نزدیک دیده و لمس کرده ام، برای این مظلومیت استدلالهای زیادی دارم. یک زعفران کار برای برداشت ۱۰ تا ۱۴ گرم زعفران خشک باید حدود ۲ هزار گل را جداسازی کند. کشاورزان زعفران کار به دلیل اینکه خودشان به نیروی کار احتیاج دارند، نمی توانند کمکی برای همدیگر باشند



محصول برای ۱۷۰ هزار خانوار کشاورز و نزدیک به یک میلیون نفر در بخش فراوری، بسته بندی، صادرات و توزیع اشتغال کرده است. شاید این حجم از ارزش زعفران، برای دولتها به قدری نیست که یا دستگاه را در داخل تولید کنند و یا به شرکتی خارجی سفارش دهند. در واقع باید یک نفر به کار تولید یا واردات این دستگاه ورود کند تا بعداً مونتاژ شروع شود. بنده افرادی را می شناسم که در ۱۵ سال گذشته حدود ۴۰۰ میلیون تومان برای این دستگاه هزینه کرده اند تا در دسترسی کشاورزان به دستگاه، پیش قدم شده باشند اما هنوز نتیجه ای حاصل نشده است در حالی که با این دستگاه هم شاهد ارتقاء کیفیت زعفران ایرانی در بازارهای جهانی خواهیم بود و هم هزینه ها و دغدغه های کشاورزان کاهش می یابد.

خشک کردن سنتی زعفران روی کروسین (واحد رنگ) که نقطه قوت زعفران ایرانی در بازارهای جهانی به شمار می رود، تا چه حد موثر است؟

واقعیت این است که در بسیاری موارد نیروی انسانی، موجب آلودگی و ورود مواد خارجی به زعفران می شود لذا صادرکننده باید برای سورتینگ (جداسازی)، نیروی انسانی و زمان زیادی اختصاص دهد در صورتی که با دستگاه و بدون دخالت نیروی انسانی جداسازی و بلافاصله بسته بندی انجام می شود. از نظر کیفیت هم معدّل کروسین زعفران ایرانی ای که به صورت سنتی، خشک می شود ۲۳۰ است که این عدد با دستگاه به حدود ۲۸۰ می رسد و این یعنی ارتقاء کیفیت. بر همین اساس در دو سه سال اخیر خود کشاورزان و واحدهای بسته بندی و صادراتی با کمک برخی ماشین سازان، دستگاه خشک کن ساخته اند تا حداقل زعفران ایرانی به صورت سنتی خشک نشود و گر نه تمام فرایند زعفران ما با دست و به صورت سنتی است و از کشاورز حمایتی صورت نمی گیرد.

* در خصوص کاهش دغدغه ها و هزینه های کشاورزان به واسطه استفاده از دستگاه جداسازی کلاله کمی جزئی تر توضیح دهید.

اگر کشاورز به دستگاه جداسازی کلاله دسترسی داشته باشد دیگر مجبور نیست به هر نیروی بی تجربه ای اعتماد کند. بدون دستگاه، کشاورز فقط و فقط برای جداسازی باید به ازای هر کیلو بین ۲ تا ۴ میلیون تومان باید هزینه کند. یا مجبور است گل را به واسطه ها بفروشد تا محصولش خراب نشود. بعد همین واسطه ها گلهای خریداری شده را بین ۳۰ تا ۵۰ درصد گران تر در بازار می فروشند. حتی کشاورزان در مواردی مجبور می شوند محصولشان را زیر قیمت پیش فروش کنند. اینها همه از سر اجبار است چون متأسفانه شیوه جمع آوری زعفران با ۴۰۰ سال پیش فرقی نکرده است. البته به عقیده من آسایش خود کشاورز از همه هزینه های مالی مهم تر است چون در فصل برداشت به دلیل نگرانی برای محصول گاهی مجبور است از ساعت ۴ صبح تا ۱۲ تا ۲ شب بیدار بماند تا کار جداسازی سریعاً انجام شود، در غیر این صورت حاصل یک سال زحمتش بر باد می رود.

* آقای میری! در حال حاضر و بنا به برخی آمار در حدود ۲۳ استان کشور، زعفران

کشت می شود. آیا این توسعه و رشد، نشانه حمایت از زعفران و زعفران کار نیست؟ نه به هیچ وجه... اگر در ۲۳ استان ایران، زعفران تولید می شود به این دلیل است که خود کشاورز بازار را مناسب دیده و تولید کرده است. برای مثال ما در شورای ملی زعفران و از اردیبهشت ۱۴۰۰ بارها و بارها گفتیم تا هنوز فرصت هست برای خرید حمایتی محصول زعفران کاران اقدامی نکنیم. گفتیم نرخی برای خرید حمایتی تعیین کنید تا کشاورز تکلیفش را بگذارد و با توجه به خشکسالی سال گذشته محاسبه کند که با این نرخ، برایش صرفه اقتصادی دارد که به صورت ساعتی آب بخرد یا نه؟ یا گفتیم به زعفران کار پول بدهید که محصولش را برای دولت نگه دارد و یا سر موعد پول را به دولت پس بدهد. هیچ یک از این پیشنهادها را گوش نکردند. متأسفانه کشاورز زعفران کارها شده است و کسی صدای کشاورز و روستایی را نمی شنود. دولت هیچ دلیلی برای عدم خرید حمایتی محصول نداشت. نباید فکر کنید اگر سالی ۵۰۰ تن زعفران تولید می شود، این تولید حمایتی بوده است. کشاورز زعفران کار سالی حدوداً ۴۰ روز برداشت دارد و دوباره همه چیز تا سال بعد به فراموشی سپرده می شود.

* راه حل تان برای صادرات کم آسیب زعفران به شیوه ای که منفعت بیشتری نصیب کشاورزان شود و نه دلالان و قاچاقچیان، چیست؟

من ۵ سال پیش به وزیر جهاد کشاورزی، معاونش و استاندار گفتم امروز که قیمت هر کیلو زعفران ۵ تا ۶ میلیون تومان است می توانیم این محصول را به قیمت ۲۰ میلیون تومان هم صادر کنیم مشروط به اینکه از کشاورز حمایت و کف قیمت را تعیین کنید تا کسی نتواند پایین تر از این نرخ زعفران را از کشاورز بخرد. دیگر اینکه باید جلوی قاچاق را بگیرد چون وقتی صادرکننده

* نبود دستگاه جداسازی کلاله و

بخواهد زعفران را به پول ایران کیلویی ۲۰ میلیون تومان بفروشد قاچاقچی بانرخ کمتر زعفران را می خرد و در بازارهای جهانی هم بانرخ پایین تر عرضه می کند و صادرکننده دیگر امکان کار ندارد. سال گذشته هم که قیمت جهانی زعفران کیلویی ۶۰۰ دلار بود گفتیم بانرخ ۱۵۰۰ دلار هم می توانیم بفروشیم مشروط به جلوگیری از قاچاق و برداشتن پیمان سپاری ارزی... صادرکننده قطعا به خاطر نیاز کشور، ارزش را برمی گرداند اما از او نخواهید ارزش را در سامانه نیما بانرخ پایین و غیرواقعی عرضه کند و متحمل زیان شود. در مجموع از سال ۹۷ تاکنون بارها بانک مرکزی، معاونان، و وزرای مختلف و مجلسیها جلسه داشته ایم اما هنوز به نتیجه نرسیده ایم. متاسفانه در قاچاق پیاز زعفران و خود زعفران، نقص در خود ماست. وقتی زعفران مشمول پیمان سپاری ارزی می شود یعنی بستری راحت و آرام برای قاچاقچی فراهم کرده ایم. صادرکننده باید به خاطر پیمان سپاری ارزی قیمت محصولش را کیلویی دو سه میلیون تومان کاهش دهد اما قاچاقچی این کار را نمی کند و بسیار راحت زعفران را خارج می کند.

صادرات یک کیلو زعفران بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان هزینه حمل و نقل بدهد. با این هزینه ها چطور قدرت رقابت با اروپایی ها را داشته باشد؟ ضمنا آنهایی که از ما زعفران می خرند و خودشان بسته بندی می کنند به مشتریان شان می گویند در بازه زمانی یک ساله زعفران را با قیمتی ثابت به شما می دهیم اما آیا ما این امکان را داریم؟ این زمینه و فضا را ما خودمان در اختیار آنها قرار داده ایم و آنها هم سوء استفاده می کنند. برای وقوع این شرایط نباید صادرکننده را کوبید چون بارها در نامه های مختلف به مسوولان گفته ایم: صادرکننده می تواند تا سقف ۱۵۰۰ دلار در بازار جهانی زعفران را بفروشد اما شما با پیمان سپاری ارزی، انگیزه را برای قاچاق بالا برده اید!

*** افزایش قیمت زعفران در سال جاری را چطور ارزیابی می کنید و دلیل این افزایش را چه می دانید؟ آیا این وضعیت روی مصرف داخلی و صادرات زعفران تاثیر منفی خواهد داشت؟**

افزایش قیمت اخیر کاملا به جا بود چون چندین سال است که قیمت زعفران ثابت بوده حال آنکه قیمت نهاده های کشاورزی بعضا بالای ۱۰۰ درصد رشد کرده و مایحتاج معیشتی کشاورزان هم افزایش شدید داشته است. پس کسی به کشاورز خط نداده که قیمت را بالا ببرد! کسانی که خود را حامی کشاورز و حامی خرید زعفران می دانند قیمت هر کیلو زعفران را ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرده اند اما همین امروز کشاورز محصولش را کیلویی ۳۳ میلیون تومان می فروشد. افزایش قیمت امسال به دلیل کاهش تولید بوده و با مکانیزم عرضه و تقاضا قیمت بالا رفته است. در حال حاضر مصرف داخلی بین ۷۰ تا ۸۰ تن برآورد می شود. آمار صادرات اما دقیق است و در سال ۹۹ حدود ۳۲۵ تن صادرات داشتیم و ۷ ماهه ۱۴۰۰ هم میزان صادرات مشابه سال قبل بوده است. این وضعیت قیمتی روی مصرف داخلی احتمالا اثر می گذارد ولی امیدواریم روی صادرات اثر منفی نگذارد و صادرکننده بتواند تقاضای مشتریان همیشگی زعفران ایرانی را در جهان به خوبی پاسخ دهد.

*** با توجه به خلاها و کمبودهایی که اشاره کردید، جایگاه شورای ملی زعفران چیست؟ چرا این شورا نمی تواند در کاهش مشکلات زعفران کاران موثر واقع شود و دولت و وزارت جهاد را برای حمایت تخصصی متقاعد کند؟**

ما طبق اساسنامه شوراهای تولید و صادرات بهتر و ارتقاء کیفیت را به مسوولان می گوئیم اما گوش شنوایی نیست و تا کنون حتی یکی از آنها هم اجرایی نشده است. شورای ملی زعفران نه کار اجرایی می کند نه خرید و فروش... ما فقط مشاوره می دهیم. در سال ۸۸ طرح جامع زعفران را با همکاری وزارت جهاد تنظیم کردیم. این طرح به تصویب کمیسیون کشاورزی مجلس، صحن علنی و هیات دولت رسید اما هنوز پس از ۱۲ سال حتی یک بندش اجرایی نشده است. در این طرح کاشت، داشت، برداشت، توزیع، فراوری، بسته بندی و صادرات و بازارهای جهانی، تکنولوژی و صنایع تبدیلی دیده شده است. شورای ملی زعفران نمی تواند با این وضعیت کاری بکند. همین خرید زعفران از کشاورز را هم به درستی انجام ندادند. دقیقه ۹۰ به کار ورود کردند ولی چون تولید کاهش یافته بود قیمت بالا رفت و گرنه کسی به فکر کشاورز نیست و سود همواره به جیب دلان می رود. البته این نکته را یادآور شوم که امسال چون محصول کم بود کشاورزان، حتی الامکان گلها را مستقیما و نه به واسطه هافر وخته اند. خوشبختانه امسال تفاوت قیمت زعفرانی که مستقیما از کشاورز خریداری می شود با بازار و واحدهای بسته بندی و صادراتی حداکثر دو درصد است و دست دلان آنچنان در کار نیست.

*** جناب میری! تازه ترین آمار صادرات نشان می دهد از مبادی قانونی کشور ۲۹ تن زعفران به افغانستان صادر شده در حالی که ورود زعفران به افغانستان ممنوع است! این آمار را چطور تحلیل می کنید؟**

قطعا این محموله ها از گمرک ایران خارج شده اما نهایتا به کجا رفته خدا می داند... مشکل امروز ما این است که مثلا نمی توانیم به آمریکا، عربستان، چین و هند نمی صادر کنیم چون آمریکا ما را تحریم کرده، با عربستان هم فعلا مناسبات سیاسی و تجاری نداریم، هند و چین هم از ما ۳۸ درصد عوارض می گیرد اما از تاجر افغانی نمی گیرد پس بازار زعفران را عملا به دست قاچاقچیان داده و مسیر قاچاق را هموار کرده ایم. متاسفانه علیرغم اینکه سهم ۹۲ درصدی در تولید زعفران جهان داریم نتوانسته ایم بازار را به درستی مدیریت کنیم. معمولا در بازارهای جهانی زعفران نیم، یک و دو گرمی عرضه می شود و صادرکننده باید برای

ALWAYS AT THE PEAK

ربع قرن خوشنامی و افتخار



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: کیلومتر ۲۷ بزرگراه قوچان
صندوق پستی: ۴۵۶۶-۹۱۳۷۵
تلفن: (۰۵۱)۳۱۶۶۹ (خط ۴۰)
فکس: (۰۵۱)۳۲۴۶۳۳۱۴
دفتر تهران: تلفن: ۸۸۷۷۴۲۵۵ (۰۲۱)
۸۸۷۹۰۶۶۹، ۸۸۷۹۰۶۸۰
فاکس: ۸۸۷۹۵۲۹۵ (۰۲۱)



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب دشتد

اتصال ناگسستی در صنایع ایران